

## بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- حرفهای زحمتکش از زحمتکشانی
- خلقها و مسئله ملی
- گزارشی از درگیریهای اخیر زاهدان
- اخبار و مسائل جهانی
- اخبار ارتش به اصطلاح ملی
- حزب توده، حزب مصلحت است، نه مبارزه
- سوءاستفاده از انقلاب فلسطین موقوف!
- مصاحب انگلیسی آیت اله شریعتمداری

- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۶
- صفحه ۹
- صفحه ۱۴
- صفحه ۱۹
- صفحه ۲۲
- صفحه ۲۲

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۶

# بیکار

۲۴ صفحه

دو شنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۵۸ بهای ۲۵ ریال

## زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس یک جانبه آن در صف انقلاب (۲)

زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس آن در حرکت اتحادیه کمونیستی

صفحه ۱۰

## گرامیداشت خاطره هر شهید خلق، پاسداری از خون تمامی شهداست

گزارشی از گردهم آیی روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۶ در دانشگاه پلی تکنیک بمناسبت سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان از بخش منتهع از سازمان مجاهدین خلق ایران

صفحه ۲۰

## همدوش با انقلاب فلسطین تا پیروزی کامل

ایران از مبارزه مسلحانه خلق فلسطین علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع باشد. مناسبت آغاز انقلاب مسلحانه فلسطین لازم دیدیم به معرفی سازمان های فلسطینی بپردازیم: بقیه در صفحه ۹

سه شنبه یا زده می ماه برابر است با اول زانویه ۱۹۸۰، با نزد همین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین، سازمان ما بدین مناسبت جشنی برپا خواهد داشت تا بسهم خویش بیاتنگر حمایت و همبستگی بیدریغ خلقهای رزمنده



## گرامی باد یکصدمین سالگرد تولد حیدرخان عمواوغلی

به تاریخ ۲۹ آذرماه سال ۱۲۵۸ هجری در شهر ارومیه در خانوادۀ متوسط و روشنفکر "دکتر تاروردی زاده"، فرزند سیری بدنیا آمد که نام او را "حیدر" گذاشتند. بعدها شرایط زندگی میهنمان و همسایه شمالی اش روسیه که هر دو آستان توفانهای عظیم انقلابی بودند، از او یکی از برجسته ترین فعالین و مبارزان جنبش فدا میریالیستی - دموکراتیک و کمونیستی را ساخت. سراسر زندگی کوتاه ولی پرشمار او که

بقیه در صفحه ۲

## دعوت

روز اول زانویه (یا زده می ماه) معادفاست با یاد همین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین، به همین مناسبت از کلیه هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی دعوت می کنیم که در مراسم بزرگداشت این روز بزرگ و بخاطر اعلام همبستگی با خلق فلسطین در مبارزه فدا میریالیستی، ضد صهیونیستی و فدرتجاعی، روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۱۳ در دانشگاه صنعتی شریف شرکت نمایند. (ساعت ۳ بعد از ظهر)

## چرا امپریالیسم ها در قدرت حاکمه سهم پیدا میکنند؟

انقلاب درسیهای بزرگی به مردم داده است خلقهای ما در حرکت عظیم مبارزاتی خوبش آموخته اند و میا موزند که دشمن را در چهره های گوناگونش با زنا ساند، در پشت شعارهای بظا هر انقلابی و کلمات فریبنده تنها و تنها عمل انقلابی را جستجو کنند و اجازه ندهند سازشکاران و فرصت طلبان سرنوشته و خیا تشان را با زیجه هدفهای خائسانه و سودجویانه شان سازند. مردم ما امروز میدانند که روشن افشاحات سردمداران رژیم تنها رسوائی چهره ها نیست، اگر امروز امپریالیسم معتوان ما مورسیا و یزیدی بمناسبت خدمتگزار روفادار امپریالیسم شناخته میشوند و اگر نقش ضد انقلابی نهضت آزادی و لیبرالیسم های بقیه در صفحه ۲



- شورای انقلاب با تصویب قانون سود ویژه، ماهیت خود را افشا میکنند
  - پیروزی کارگران اخراجی و متحد کارخانه دکتر عبیدی
  - مبارزه کارگران مبارز فاسترویلر (تهران - جنوب) ادامه دارد
  - حرکت انقلابی کارگران بارنویس بندار
- صفحه ۳



- طوفان شمال آرامش ندارد
  - روستائیان بومر محله بر علیه زمین دار کمیته چی می رزمند
- صفحه ۷

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه اول

چرا امیرانتظام ما ...

تعمیراتی است که در این سال ...  
 اما انقلابی است، و از همین روست که تاریخ و ادبیات انقلابی او را با نام انقلابی اش، "حیدر خان عمواوغلی"، همان نامی که با آن هم‌رزمش بر او گذاشته بودند، در سینه خود ثبت کرده است.  
 امروز "حیدر خان" رودی زاده "تنها در قالی" حیدر خان عمواوغلی است که می‌تواند بزرگ مردی را در ذهنش تداعی کند که تمام زندگی خود را وقف راهی مردم میهن مان از جنگال استعمار و استثمار نمود.  
 طبقه کارگران ایران در طول قریب به ۸۰ سال که از عمر جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک میهنمان می‌گذرد، همواره در پیشانی بیش آن حرکت کرده است و مبارزان صدیق و پرشور و بی‌شمار را تقدیم کرده‌اند و میهن و خلقهایمان از جنگال تسلط شوم امپریالیسم نموده که در میان آنها حیدر خان عمواوغلی همچون ستاره ای فروزان می‌درخشد. این قهرمانان پاکباز چنان نقش برجسته و مهمی را در تحولات انقلابی کشور بازی کرده‌اند که حتی کوردل ترین افراد نیز قاطعانه در کنار آنها نمانندند.  
 جنبش کمونیستی میهنمان که قریب ۷۰ سال سابقه دارد، مسیر پرنشاط و فزاینده‌ای را پیمای بیخ و بنی و خیمه‌های جنبش راهی بخش طوسی نموده که هنوز رنگاتنا شناخته‌نشده و میهن پرورانی را در دهون و زبررسی جانت و علمتی از تجارب مثبت و منفی این تاریخ عظیم بعمل نیاوده است. حیدر خان عمواوغلی بمثابه یکی از بانان پرشور و هوشمند این جنبش، جایگاه پرارزشی را در این گنجینه عظیم شناسا میکند. او در سراسر زندگی کوتاه خود با شور و عشق تمام برای این سخنانی که در میهنیگ بین المللی کارگران پرتوگرا را ایراد کرد، وفادار ماند و سرانجام نیز در راه تحقق همین آرمانها جان خود را از دست داد: "رفقا! ما فرزندان خلقیم و برای احقاق حق خلق مبارزه می‌کنیم. سرما پیدار آن دشمن ما هستند. ما از هر گونه سازش با این استثمارگران امتناع می‌ورزیم. اینها خفه کنند، جنبش راهی بخش و مکتده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این استثمارگران برای ما مبارزه و پیروزی است! راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود نیست! ما به پیروزی خود اعتقاد داریم و اینها را در پیروزی ما مطمئن هستیم."  
 طبقه کارگران ایران به رهبران پرشور و با ایمان خود که چنین شیفته و رهبرانی او عشق می‌ورزیدند، احترام می‌گذارد. یادش گرامی باد.  
 تاریخ زندگی حیدر خان قیل از همه و مهمتر از همه تاریخ جنبش کمونیستی ایران است. و ما نیز برای این نکته از زندگی حیدر خان مکت می‌کنیم.  
 ادامه دارد ...

بقیه از صفحه اول  
 چرا امیرانتظام ما ...  
 تمام عیاری چون با زرگان در برابر توده‌های وسیع مردم از پرده بیرون نیافتد، حقایق به همین جا ختم نمی‌شود. روستای امیرانتظامها بزرگها و با زرگان تنها حضور آنها در هیئت‌ها که در پیشگاه مردم به ما می‌کشد، بلکه در ضمن ما هیئت سیستمی را بزرگسوال می‌برد که چهره‌های خائنی چون بزرگی و امیرانتظام را در خود جای میدهد بسیار رساله‌ها نخواهد بود اگر گمان بریم که روستا شایه این عناصر را نظر توده‌های وسیع مردم امری تصادفی و اتفاقی تلقی خواهد شد. آنها از خود می‌پرسند آیا ما هیئت این خائنین تا بحال روشن نبود؟ مگر نه اینکه همینها با تائید و حمایت رهبران مذهبی بروی کار آمدند و مگر نه اینکه زهمان ابتدا مورد افشاکاری وسیع نیروهای انقلابی و دمکرات واقع شده بودند؟ چه چیز می‌تواند وجود این توطئه‌ها و خیا‌نتها و حضور عمالین آنها را در هیئت‌ها که توجیه کند؟ پاسخ ما و تمام نیروهای انقلابی و دمکرات اینست: انقلاب در نیمه راه متوقف ماند، حرکت عظیم انقلابی توده‌ها با ندشاه و درباریان و اساس رژیم سلطنتی را نابود ساخت و امپریالیسم غربت جدی وارد آورد و بدین ترتیب گامی بزرگ در انقلاب بجلو برداشته شد. لیکن اساس آنها و ارگانهای سیستم ضد خلقی سرما پیداری همچنان حفظ گردید. خیا‌نتها و تسلیم طلبی‌ها و سازشکاری‌ها که از راه ندادن آنها به مبارزات مردم اساس وابستگی و نظام سرما پیداری را ریشه کن کند و اینچنین شد که امیرانتظامها، چمرانها، بزرگی‌ها و دیگر مهره‌های امپریالیسم در "دولت موقت انقلابی" پست‌های حساس را اشغال کردند. از این پس منافع امپریالیسم میبایست با آنها به سیاستهای همین عناصر داده می‌شد و بدو تحکیم شود. اگر بنا بود رژیم سلطنتی و پادشاه که بهترین میان امپریالیسم بودند و بستگی سخته بود، میبایست بخشها و قشرهای دیگری از بورژوازی وابسته و نیز بورژوازی لیبرال با خریدن به قدرت و با تصرف مقامهای حساس حافظ و پاسدار منافع امپریالیسم گردیدند. تمام محاسبات امپریالیسم برای حفظ سلطه خود بر پایه نقشی که این اقلتار ایفا می‌کردند و میکنند استوار بوده است. عناصر وابسته‌ای نظیر بزرگی، امیرانتظام، چمران و... و لیبرالهایی چون بازرگان، سحابی و... اکنون وظیفه داشتند زیر پوشش حمایت از رهبران قدرتمند مذهبی که از نفوذ توده‌های برخوردار بودند و در واقع با حمایت آنها سیاستهای خود را با اجرا گذارند. در این میان ما هیئت سازشکارانه و تسلیم طلبانه خورده بورژوازی به قدرت رسیده‌ایم سیر راهوار میساخت. چرا که در برابر ادا و پیگیری جنبش انقلابی توده‌ها، خرده بورژوازی نیز موقعیت خود را در خطر دید و با بورژوازی در دفاع از سرمایه‌ها اشتراک منافع عمیقی حس می‌کرد. بنابراین او هم در مسیری جزو انقلاب

بقیه از صفحه اول  
 چرا امیرانتظام ما ...  
 تمام عیاری چون با زرگان در برابر توده‌های وسیع مردم از پرده بیرون نیافتد، حقایق به همین جا ختم نمی‌شود. روستای امیرانتظامها بزرگها و با زرگان تنها حضور آنها در هیئت‌ها که در پیشگاه مردم به ما می‌کشد، بلکه در ضمن ما هیئت سیستمی را بزرگسوال می‌برد که چهره‌های خائنی چون بزرگی و امیرانتظام را در خود جای میدهد بسیار رساله‌ها نخواهد بود اگر گمان بریم که روستا شایه این عناصر را نظر توده‌های وسیع مردم امری تصادفی و اتفاقی تلقی خواهد شد. آنها از خود می‌پرسند آیا ما هیئت این خائنین تا بحال روشن نبود؟ مگر نه اینکه همینها با تائید و حمایت رهبران مذهبی بروی کار آمدند و مگر نه اینکه زهمان ابتدا مورد افشاکاری وسیع نیروهای انقلابی و دمکرات واقع شده بودند؟ چه چیز می‌تواند وجود این توطئه‌ها و خیا‌نتها و حضور عمالین آنها را در هیئت‌ها که توجیه کند؟ پاسخ ما و تمام نیروهای انقلابی و دمکرات اینست: انقلاب در نیمه راه متوقف ماند، حرکت عظیم انقلابی توده‌ها با ندشاه و درباریان و اساس رژیم سلطنتی را نابود ساخت و امپریالیسم غربت جدی وارد آورد و بدین ترتیب گامی بزرگ در انقلاب بجلو برداشته شد. لیکن اساس آنها و ارگانهای سیستم ضد خلقی سرما پیداری همچنان حفظ گردید. خیا‌نتها و تسلیم طلبی‌ها و سازشکاری‌ها که از راه ندادن آنها به مبارزات مردم اساس وابستگی و نظام سرما پیداری را ریشه کن کند و اینچنین شد که امیرانتظامها، چمرانها، بزرگی‌ها و دیگر مهره‌های امپریالیسم در "دولت موقت انقلابی" پست‌های حساس را اشغال کردند. از این پس منافع امپریالیسم میبایست با آنها به سیاستهای همین عناصر داده می‌شد و بدو تحکیم شود. اگر بنا بود رژیم سلطنتی و پادشاه که بهترین میان امپریالیسم بودند و بستگی سخته بود، میبایست بخشها و قشرهای دیگری از بورژوازی وابسته و نیز بورژوازی لیبرال با خریدن به قدرت و با تصرف مقامهای حساس حافظ و پاسدار منافع امپریالیسم گردیدند. تمام محاسبات امپریالیسم برای حفظ سلطه خود بر پایه نقشی که این اقلتار ایفا می‌کردند و میکنند استوار بوده است. عناصر وابسته‌ای نظیر بزرگی، امیرانتظام، چمران و... و لیبرالهایی چون بازرگان، سحابی و... اکنون وظیفه داشتند زیر پوشش حمایت از رهبران قدرتمند مذهبی که از نفوذ توده‌های برخوردار بودند و در واقع با حمایت آنها سیاستهای خود را با اجرا گذارند. در این میان ما هیئت سازشکارانه و تسلیم طلبانه خورده بورژوازی به قدرت رسیده‌ایم سیر راهوار میساخت. چرا که در برابر ادا و پیگیری جنبش انقلابی توده‌ها، خرده بورژوازی نیز موقعیت خود را در خطر دید و با بورژوازی در دفاع از سرمایه‌ها اشتراک منافع عمیقی حس می‌کرد. بنابراین او هم در مسیری جزو انقلاب

بقیه از صفحه اول  
 چرا امیرانتظام ما ...  
 تمام عیاری چون با زرگان در برابر توده‌های وسیع مردم از پرده بیرون نیافتد، حقایق به همین جا ختم نمی‌شود. روستای امیرانتظامها بزرگها و با زرگان تنها حضور آنها در هیئت‌ها که در پیشگاه مردم به ما می‌کشد، بلکه در ضمن ما هیئت سیستمی را بزرگسوال می‌برد که چهره‌های خائنی چون بزرگی و امیرانتظام را در خود جای میدهد بسیار رساله‌ها نخواهد بود اگر گمان بریم که روستا شایه این عناصر را نظر توده‌های وسیع مردم امری تصادفی و اتفاقی تلقی خواهد شد. آنها از خود می‌پرسند آیا ما هیئت این خائنین تا بحال روشن نبود؟ مگر نه اینکه همینها با تائید و حمایت رهبران مذهبی بروی کار آمدند و مگر نه اینکه زهمان ابتدا مورد افشاکاری وسیع نیروهای انقلابی و دمکرات واقع شده بودند؟ چه چیز می‌تواند وجود این توطئه‌ها و خیا‌نتها و حضور عمالین آنها را در هیئت‌ها که توجیه کند؟ پاسخ ما و تمام نیروهای انقلابی و دمکرات اینست: انقلاب در نیمه راه متوقف ماند، حرکت عظیم انقلابی توده‌ها با ندشاه و درباریان و اساس رژیم سلطنتی را نابود ساخت و امپریالیسم غربت جدی وارد آورد و بدین ترتیب گامی بزرگ در انقلاب بجلو برداشته شد. لیکن اساس آنها و ارگانهای سیستم ضد خلقی سرما پیداری همچنان حفظ گردید. خیا‌نتها و تسلیم طلبی‌ها و سازشکاری‌ها که از راه ندادن آنها به مبارزات مردم اساس وابستگی و نظام سرما پیداری را ریشه کن کند و اینچنین شد که امیرانتظامها، چمرانها، بزرگی‌ها و دیگر مهره‌های امپریالیسم در "دولت موقت انقلابی" پست‌های حساس را اشغال کردند. از این پس منافع امپریالیسم میبایست با آنها به سیاستهای همین عناصر داده می‌شد و بدو تحکیم شود. اگر بنا بود رژیم سلطنتی و پادشاه که بهترین میان امپریالیسم بودند و بستگی سخته بود، میبایست بخشها و قشرهای دیگری از بورژوازی وابسته و نیز بورژوازی لیبرال با خریدن به قدرت و با تصرف مقامهای حساس حافظ و پاسدار منافع امپریالیسم گردیدند. تمام محاسبات امپریالیسم برای حفظ سلطه خود بر پایه نقشی که این اقلتار ایفا می‌کردند و میکنند استوار بوده است. عناصر وابسته‌ای نظیر بزرگی، امیرانتظام، چمران و... و لیبرالهایی چون بازرگان، سحابی و... اکنون وظیفه داشتند زیر پوشش حمایت از رهبران قدرتمند مذهبی که از نفوذ توده‌های برخوردار بودند و در واقع با حمایت آنها سیاستهای خود را با اجرا گذارند. در این میان ما هیئت سازشکارانه و تسلیم طلبانه خورده بورژوازی به قدرت رسیده‌ایم سیر راهوار میساخت. چرا که در برابر ادا و پیگیری جنبش انقلابی توده‌ها، خرده بورژوازی نیز موقعیت خود را در خطر دید و با بورژوازی در دفاع از سرمایه‌ها اشتراک منافع عمیقی حس می‌کرد. بنابراین او هم در مسیری جزو انقلاب

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



ادامه گزارش کارخانه استارلایت :

## شورای ضد کارگری ، مجری توطئه های کارفرما

در بیجا ۲۳ گزارش توطئه های کارفرما در مورد اخراج ۲۶ نفر از کارگران آگاه کارخانه استارلایت و مبارزه آنها را برای بازگشت سرکارنوشتیم ، در زیردنباله گزارش را ملاحظه می کنید :

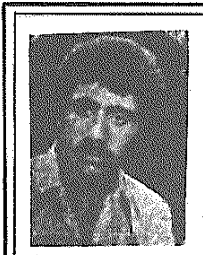
سرانجام ۲۶ نفر از کارگران آگاه کارخانه استارلایت ، پس از ۲۵ روز درگیری و مبارزه برای بازگشت سرکار ، روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ طی صورتجلسه ای که بدست شورای ضد کارگری و کمیته دیونوخته شد ، بطور قطعی اخراج شدند .

اگرچه ادعای کارفرمای کارخانه مبنی بر اینکه کارگران داخل خواستار اخراج این عده شده اند ، توطئه ای بیش نیست ، اما این واقعیت تلخ را باید پذیرفت که کارگران اخراجی هم در دوران اشتغالشان در کارخانه نتوانسته بودند ندبا دیگر کارگران جوش بخورند و خواهشهای خود را برای آنها تشریح کنند ، اگر غیر از این بود کارگران داخل اینطور در برابر اخراج آنها

## "شورای انقلاب" با تصویب قانون سود ویژه ، ماهیت خود را افشا میکنند

رژیم سابق را لازم به اجراء می بیند !  
هیئت حاکمه فرصت داشته است ، سرمایه داران وابسته را به "میهن" دعوت کند و باز گرداند ، فرصت داشته است قرا دادهای جدیدی با کشورهای امپریالیستی ببیند ، فرصت داشته است ارتش را با سلاحهای تازه خریداری شده از آمریکا مسلح کند ، فرصت داشته است به کردستان لشکرکشی کند ، فرصت داشته است ...  
لیکن فرصت نداشته است حتی یک بند از "قانون کار" فدکا رگری رژیم قبلی را ملغی کند !  
قانونی که در خدمت سرمایه داری وابسته بود و هست . احست به این مبارزه امپریالیستی !  
بدین ترتیب همه شا هدیم که چگونه در ده ماه و نیم گذشته سرمایه داران با حمایت هیئت حاکمه و با اتکاء به همان "قانون کار" آریا مهری کارگران را وحشیانه استیصال کرده اند و کارگران حتی به یکی از خواسته های اساسی خود در زمینه منعی نظیر ۴ ساعت کار در هفته ، برابری تعطیلات با کارمندان (دولتی) ، ... نرسیده اند ، مسئله دستمزد و سود ویژه نیز یکی از این موارد است .  
بقیه در صفحه ۱۶

ده ماه از قیام بهر شکوه توده های خلق ما می گذرد ، لیکن شورای انقلاب بدلیل نداشتن وقت "هنوز در پی اجرای همان قوانین ضد خلقی رژیم پهلوی می باشد" بازرگان خیانتکار ، نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ، از همان آغاز که سرکار آمد ، دستور اجرای ناموتما همان قوانین رژیم ضد خلقی پهلوی را صادر کرد . او معتقد بود که اگر مواردی را که به سلطنت مربوط است ، حذف شود ، بقیه قوانین پیشرو و مترقی می باشد ! به این ترتیب بود که "دولت موقت" برتما مجنایات ، غارتگریها ، وحشیگریها و استثمارگری که رژیم مزدور قبلی نسبت به کارگران و سایر زحمتکشان روا داشته بود ، مهترانه تکرار و در پیمل نشان داد که نسبی می خواهد و نه می تواند هیچگونه تغییر اساسی در وضعیت فلاکت بار زندگی کارگران و زحمتکشان ما ایجاد کند .  
شورای انقلاب نیز که مدعی مبارزه ضد امپریالیستی است ، در عمل فرصت نداشته است به تغییر قوانین رژیم منحوس پهلوی اقدام نماید و به همین علت همان قوانین دور



یاد رفیق کارگر  
علیرضا گروندی  
گرامی باد !

رفیق علیرضا در خانه خود از زحمتکش به دنیا آمد ، در بیا زنده سالگی به علت فقرناچار شد ترک تحصیل کند و کار رودس را با همادامه دهد . آشنایش با ماکسیم لنینیسم و ایمان و امید که در این آشنایی به راهی طبقه اش از جنگ سرمایه داران و استثمار کارگران پیدا کرد ، در او شور و شوق فراوانی بوجود آورد .  
روز جمعه ۳۰ آذرماه هنگامیکه رفیق علیرضا با چند تن از رفقای پیش به کوهنوردی رفته بود ، بعلت لغزش از کوه سقوط کرد و متأسفانه دردمان سیرد . پیوند عمیق او با توده های زحمتکش مراسم تشییع جنازه اش را به تظاهراتی باشکوه تبدیل کرد . مردم شمار می دادند :

علیرضا زنده است ، در قلب زحمتکشان عوامل ارتجاع و مدبران کارخانه بسا کمک با ساداران سرمایه ازیبرگزاری مراسم یادبودش در محل کارخانه ای که در آن کار میکرد (کارخانه سیمان سیاهان) جلوگیری کرده و به این ترتیب با ردیگریفرشتان را از کارگر آگاه و وحشتناک را از توده ها به نمایش گذاشتند ، آری آنان حتی از بزرگداشت خاطره کارگران آگاه نیز هراس دارند .  
یادش گرامی و خاطره اش جاودانه باد !

## مقابله کارگران حفاری با توطئه های کارفرما

اختلاف در صفوف کارگران ، کارگران را از اعتراض با زدن آما کارگران با هوشیاری حربه او را خنثی کردند . مهدوی بیشتر به خطابه های شورای کارگران آنها را مورد تهدید قرار داد و گفت اگر روی خواهسته های کارگران یا فشاری شود آنها را به بندر عباس و سیرجان تبعید خواهد کرد . این تهدید بیشتر ما نه موجب خشم کارگران شده بینهوی که کارگران ، مهدوی و معاون او ویکی از پاسداران و آتن از کارکنان مزدور شرکت را مورد حمله قرار داده و در یکی از اتاقها حبس کرده و تهدید کرد که تا ۳ هزار تومان به کلیه افراد شرکت پرداخت نشود از آزادی گروه آنها خوداری خواهد کرد .  
مهدوی که در برابر برف و متحد و یکپارچه کارکنان شرکت عاجز شده بود با پرداخت ۳ هزار تومان به کلیه کارکنان شرکت موافقت کرد .  
بار دیگر کارگران آگاه و قهرمان ثابت کردند که در سایه اتحاد و همبستگی است گسسته میتوانند به حقوق خود دست یابند .  
"مستحکم تر باد اتحاد و همبستگی کارگران"

بنقل از  
ضمیمه محلی پیکار (کمیته خوزستان) شماره ۵  
پس از ماهها که از اخراج کارکنان شرکت های حفاری میگردد و نزدیک به ۶ ماه حقوق دریافت نکرده اند ، قرا شد که شرکت ملی حفاری ایران که مهدوی در آن قرار دارد در مبلغ ۳ هزار تومان به کارگران پرداخت نماید .  
کارگران شرکت حفاری ریدینگ اندیتس نیز در تاریخ یکشنبه ۲۵ آذر در محوطه شرکت واقع در کارون جمع شدند و منتظر دریافت پول شدند . هنگامیکه مهدوی به محل شرکت آمد به کارگران گفت که کلیه کسانی که بیشتر از ۵ سال سابقه دارند از دریافت ۳ هزار تومان محروم هستند . این مسئله موجب اعتراض شدید کلیه کارکنان شرکت واقع شد . کارگران شروع به دادن شعار علیه مهدوی کردند و شعار "مرگ بر سرمایه دار" فضای شرکت را پر کرد . کارگران میگفتند : با بداول آنها که بیشتر از ۵ سال سابقه دارند پول دریافت کنند ، بعد ما .  
در این هنگام مهدوی میخواست با توسل به حربه همبستگی سرمایه داران یعنی تفرقه و

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بی تفاوت نبودند. اینطور بنظر میرسد که این عده (۲۶ نفر) اگرچه در داخل کارخانه مبارزه کرده و به بعضی از خواستهایشان نیز رسیده اند ولی مبارزه آنها جدا از بقیه کارگران بوده و نتوانسته آنها را با خود همگام کند. عمده ترین حاصل این مبارزه جدا از بقیه کارگران اینست که، کارگران یک کارخانه را از عتاق آنها محروم کرد!

روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ بنا بر درخواست شورا، "یوگای" که یکی از معتمدین کمیته دیوانست و در فعالیتهای فدکای رگری نقش بسیار فعالی داشته و دارد (اما مکان ساواکی بودنش هم هست) به کارخانه آمده و در حضور کارفرما و شورای استارلایت صورتجلسه ای مینویسد مبنی بر اینکه جای هیچکدام از این ۲۶ نفر در این کارخانه نیست و تمام اعضای شورا زیر آنرا امضا میکنند و با این ترتیب ۲۶ کارگر خارجی زیر نظر سه پاسدار سرما به و مسلح به ۳ تسویه حساب می-کنند.

بنقل از ضمیمه محلی بیکار (کمیته خوزستان) شماره ۵

### مبارزه کارگران مبارز فاسترویلر (تهران جنوب) ادامه دارد

روز شنبه ۵۸/۹/۲۰ کارگران فاسترویلر مطلع شدند که کارفرما با تاخیر دولست، دست به توطئه دیگری بر علیه کارگران زده است و مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال اضافه حقوق برای سوپر-وا بزرگها منظور کرده است (همان کسانی که اکثراً مجری سیاستهای کارفرما در شرکت است میباشند). کارگران که زیر بار تورم و حشمتزاد بستمیر بند و هر روز بیشتر از روز پیش تحت فشار قرار میگیرند، از این اقدام کارفرما بخشام آمده و روز چهارشنبه در محل کارگزینی تجمع کرده و شروع با فشارگری در باره این توطئه می-کنند.

آنها بحق و بدرستی مطرح کردند که آنها سوپروا بزرگها بیشتر تحت فشار زندگی قرار دارند یا کارگران؟! حقوق و مزایای سوپر-وا بزرگها زیاده است یا کارگران؟! چگونه در شرایطی که هیئت حاکمه دم از حماست از مستضعفین مبارزه میاستدکبرین میزند، با این توطئه ها فاصله طبقاتی را هرچه بیشتر عمیقتر میکنند؟! ... کارگران فاسترویلر در اجتماع روز چهارشنبه خودمناً افراد شورای سازشکار را بخاطر سازشکاری و مطرح نکردن این توطئه با کارگران مورد مواخذه قرار دادند و قرار گذاشتند روز شنبه ۵۸/۹/۲۴ مجدداً در محل کارگزینی تجمع کنند.

روز یکشنبه کارگران مجدداً همچون روزهای گذشته در محل کارگزینی تجمع کرده و ضمن انحلال شورا، انتخابات مجددی را ترتیب دادند که بدلیل ناآگاهی توده های کارگری به ماهیت عناصر سازشکار شورا، عده ای از نمایندگان سازشکار شورا مجدداً به نمایندگی شورا انتخاب شدند.

روز شنبه فردی بنمایندگی از طرف

بعد از این جریان "یوگای" بشماره های یکی از اعضا فدکای رگرو شورا میخواست که کلیه مدارک و پرونده های کارگران خارجی را در اختیارش قرار دهد، تا رده آنها را پیدا کرده و اگر احیاناً قصد استخدام در کارخانه ای را داشتند مانع شود.

روز شنبه ۵۸/۹/۲۰ شورای کارخانه مجمع عمومی تشکیل میدهد، در این مجمع چند نفر از اعضا شورا که مورد اعتماد کارگران هستند استعفا میدهند، یکی از این افراد طی سخنانش میگوید: "من بهیچوجه دیگر قدرت کار در این شورا را ندارم، اگر با زهم نما بنده نما نم، از این پس به شما خیانت میکنم!"

در این مرحله اگرچه کارفرما موفق شد توطئه های خود را در سایه ناآگاهی کارگران و حمایت شورای فدکای رگری کارخانه عملی سازد اما خروج کارگران و بدنبال آن استعفای نمایندگان مورد احترام کارگران و نیز نا رضایتی های دیگری که بوجود آمده است، زمینه ایست برای رشد مبارزات بعدی این کارگران!

"نیروی ویژه" را در کارخانه ها مستقر میکند، هرگونه عداوتی حق طلبانه ای را با حبس و شکنجه و گلوله های آمریکائی پاسخ میدهد، قوانین آریا مهری را از نو تصویب و اجرا میکند، خلقهای تحت ستم از جمله خلق دلیر کرد را با تمام امکانات و با استفاده از فاشیستهای آمریکا و وناسیستهای انگلیسی و آمریکا میمورد بپوش قرار میدهند، صیادان مبارزان نرالی را با خاک و خون میکشد، آزادیهای اجتماعی را یکی پس از دیگری مورد حمله قرار میدهد و با لایحه های فزاینده ای میبندد اما تمام دست رفته را دوباره کسب کند و در پی آن آب رفته را بجوی برگرداند.

امروز طبقه کارگران ایران یک دوره حساس را از سر میگذرانند، در شرایط فعلی مسامحه در افشا و طرد توطئه های هیئت حاکمه موجب تشبیت حاکمیت سرما بهداری وابسته به امپریالیسم در ایران میگردد. در شرایط فعلی آنچه مسلم است این است که مبارزه کارگران با امپریالیسم (که بگیرترین طبقه در مبارزه با امپریالیسم است) جدا از سرما بهداری وابسته نیست. هرگونه تفکیک قابل شدن بین این دو میتواند از نظر سیاسی یک فاجعه باشد. یعنی هرگاه طبقه کارگر امپریالیسم را جدا از پایگاه آن در ایران وابسته سرما بهداری وابسته بیل امپریالیسم است مورد حمله قرار دهد، بدلیل اینکه پایگاه آن سالم و دست نخورده باقی مانده است در نتیجه امپریالیسم از دردیگری وارد خواهد شد. و با زبیهمین ترتیب هرگاه پایگاه داخلی امپریالیسم یعنی سرما بهداری وابسته مورد حمله قرار گیرد ولی خود امپریالیسم فراموش شود یا به آن کم توجهی شود، بدلیل اینکه ریشه قطع نشده است! این مبارزه سطحی و بدون شمرخواست هدیود، بنا بر این طبقه کارگران ایران در کارزار فعلی مبارزه با دشمن مشخصی مواجه است که از همدیگر قابل تفکیک نیستند و آن امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و سرما بهداری وابسته به امپریالیسم میباشند. طبقه کارگران ایران در مبارزه با این دشمن مشخص، چنانکه بخواهد نقش حیاتی خود را بازی کند باید هر روز و هر ساعت انواع توطئه های راکه هیئت حاکمه در جهت فریب و تحمیل توده ها انجام میدهد و از این طریق سعی می کند چهره دشمن مشخص را بیوشاند، افشا نماید و از این طریق ماسک ضد امپریالیستی هیئت حاکمه را در بریده و چهره واقعی آنها را بر طبقه کارگران و افشار حاکم نشان دهد.

مثلاً کارگران مبارز فاسترویلر باید توجه داشته باشند که اضافه حقوقی که به سوپروا بزرگها (که اکثر کسانی جز حافظ منافع سرما بهداری وابسته به امپریالیسم نیستند) پرداخت شده است و مسلماً با تاخیر هیئت حاکمه بوده است، درجه رابطه ای میباشند. هیئت حاکمه سعی دارد با این چنین اضافه حقوقی بیسی،

بقیه در صفحه ۱۵

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

### حرفهای زحمتکشان

### از نشریات زحمتکشان



نشریه پیگان که توسط عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال منتشر می شود در آخرین شماره‌ای که بدست ما رسیده است ( شماره ۷ ) مطلبی در مورد مربوط به چگونگی شورای کارخانه که در زیر مطالعه می کنید :

### شورای فرمایشی ناسیونال منحل باید گردد!

ما بدلیل زیر این شورای قلابی را رد می کنیم :

۱ - اینکه اکثریت افراد شورا کارمندان عالی رتبه و سرپرستها و بلوژی‌ها و بلوژی‌طوسی‌ها هستند .

۲ - انتخابات شورا غیردموکراتیک بوده است یعنی وقت به کارگران ندادند که فکر کنند یا اینکه نماینده‌ها پیدا کنند گذشته خود حرف بزنند تا کارگران بتوانند انتخاب نمایند و واقعی خود را انتخاب کنند . عوامل کارفرما فقط یک دقیقه فرصت می دادند که یک نفر بیاید و صحبت کند . بدین ترتیب آنها عوامل خود را جلو انداخته و دست آخر انتخابات را بفتح خود تمام کردند .

۳ - آقای مجیدحبیبی که هم مدیرستدیکا و هم رئیس شورا است جزو عوامل کارفرماست .

وی کارمندان کارخانه است و در گذشته معاون سرفرندی جلال رئیس انظار است بود که در دوران طاغوت چاقی در دست کارفرما برای سرکوبی کارگران کارخانه بود . به جای آنکه او را از کارخانه بیرون کنند رئیس شورا و مدیرستدیکا شده است .

۴ - اینکه تاکنون که چند ماه از تشکیل شورای کارخانه ما گذشته است شورا هیچ کاری برای ما کارگران انجام ندادند و همه چیز را بفتح کارفرما و سرمایه داران تمام کرده است . مثلا هر کارگر را م فروری یا وام مسکن بخواد یا ببرد تو می ، حالا کی نوبت ما و برسد معلوم نیست ، یک سال ، دو سال یا بیشتر کسی نمی داند . و یا خیلی چیزها دیگر که شورا یعنی اکثریت عوامل کارفرما جلو کارگران ایستاده است . ما می خواهیم این شورای فرمایشی منحل شود و بتواند انتخابات آزاد انجام گیرد تا کارگران نماینده واقعی خود را انتخاب کنند و شورای واقعی تشکیل شود .

بردن قیمت اجناس دوبا ره پس بگیرد . ولی خواهی فهمید که کارگران چون دیواری از آهن مقاومت خواهند کرد . در رژیم شاه و در قانون طاغوت وزارت کار ، با این سودویزه زعفر تا ۲۰ درصد زکلی سودخالص کارخانه بوده است . آقایانی همچون بنی صدر و اوایل قیام از پشت را دیورا استادیوم کارگران جنوب شهر سخنرانی میکردند و میگفتند که تقسیم سود ویژه باید بجا بیاید . بجا باشد ، ولی اکنون که قدرت را در دست گرفتند ، می خواهند این سود را که دستمزدها است پامال کنند . با باید به حقوق ما اضافه شود سودویزه ما پراخت گردد . ما مبارزه خواهیم کرد متحد و یکپارچه بر علیه رتگریهای سرمایه داران (۱) .

(۱) - "شورای انقلاب" از ترس مقاومت و عکس العمل کارگران فعلا و بطور موقت تصمیم گرفت که در سال جاری سودویزه ، بر داخت شود .

علیه پیگاری عملی خدا نقلی خوانده میشود و حتی برای آن از حالا مدت زندان را نیز تعیین کرده اند . طبق تصویب ماده ۹ قوانین "جرائم خدا و انقلاب" توسط شورای انقلاب برای کارگران آگاه و اعتمادی ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین میشود .

طبقه حاکمه تحت این عنوان که ما اکنون مشغول مبارزه با امپریالیسم آمریکا هستیم میخواهد کارگران را فریب داده جتوی مبارزه آنها را بر علیه سرمایه داران بگیرد . ولی ما می گوئیم مبارزه علیه امپریالیسم بدون مبارزه با سرمایه داری وابسته سازی پوچ است و تو خالی و ناقص کامل سلطه امپریالیسم مخصوص امپریالیسم آمریکا و نابودی سرمایه داری وابسته از پای نخواهیم نشست .

شماره اول وحدت کارگری "نشریه کارگران مبارزمینو" خیرا منتشر شده است . در این شماره مقاله‌ای در باره ضرورت انشا نشریه سودویزه آمده است . ما قسمتی از یک مقاله را در زیر می آوریم :

### سود ویژه

رژیم حاکم سعی در پشت گوش انداختن "سودویزه" در پس پرده‌ها در با این عنوان که اکنون که کارخانه نجات ملی (بخوانید دولتی) شده است و کارخانه نجات مال خودتان است (بخوانید مال دولت است) ، دیگر لزومی ندارد سودویزه بگیرید . . . و بدین ترتیب بخشی از دستمزدها را که نام سودویزه بر آن گذارده اند پامال کند . نظام حاکم که از اخاف کردن دستمزدها چندان دل خوشی ندارد سعی میکند آن چند غارت را که به حقوق ما افزوده است ، از طریق حذف سودویزه و بالا

شماره ۷ "پیگان" نشریه عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال اخیرا منتشر شده است . در این شماره مقاله‌ای تحت عنوان "قانون اساسی خبرگان زنجیری است بنی زحمتکشان!" ، "شورای فرمایشی ناسیونال منحل باید گردد" "حمله و با شان و عوامل سرمایه داران کارگران" "شورای انقلاب برای کارگران شاخ و شانه میکشد" و . . . آمده است . ما یک مقاله و همچنین قطعه‌ای از این شماره را در زیر می آوریم :

### شورای انقلاب برای کارگران شاخ و شانه میکشد

برادران کارگر! چار و چنگالهای به اصطلاح خدا امپریالیستی هیئت حاکمه دارد ، بدون اینکه هیچ قدم عملی در راه نابودی سلطه امپریالیسم یعنی سرمایه داری غارتگر جهانی برداشته شود . وقتی هم که توده‌های زحمتکش و محروم میهن ما ان میدان از دولت قطع میشود ، و خود بخود هند با امپریالیسم و پایگاه آن یعنی سرمایه داری وابسته تصفیه حساب انقلابی بکنند ، دولت با کمیته و با دار و ارتش سر میسر و فریاد "آی خدا انقلاب" ، "آی خرابکار" به آسمان بلند میشود و مبارزه علیه سرمایه داران مفتخور و وابسته "حرام" و "خلاف شرع" اعلام میگردد . بهمین خاطر هم شورای انقلاب در پام ۸/۲۶ خود هرگونه تظلمات و اعتصاب و تحمیل و هرگونه مبارزه را از جانب کارگران ممنوع اعلام میکند . به این ترتیب مبارزه کارگران بر علیه ظلم و ستم کارفرمایان ، مبارزه برای کسب حقوق منافی و



گروامی باد صدمین سالگرد تولد  
فرزند پرولتاریای روسیه  
و رهبر کارگران جهان ،  
رفیق کبیر زوزف (یوسف) استالین!

## قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

## گزارشی از درگیریهای اخیر زاهدان

همانگونه که پیش بینی می شد خوانین بلوچ با همدستی "حزب اتحاد المسلمین" از یک طرف و جامعه سیستان نیپا با شاخه نظامی آن که عمدتاً همان سپاه ساداران می باشد از طرف دیگر، مردم زحمتکش بلوچ و سیستانی را به برداشتن کشتی کشانیدند، تا درجه قدرت و لیاقت شان را در حفظ و نگهداری امنیت در منطقه به اربابان نشان نشان بدهند. نتیجه چینی چنایات بیشترمانی حداقل ۱۴ نفر کشته و ۸۰ - ۷۰ نفر زخمی و بالاخره از همه مهمتر ایجاد نفرت و سوءظن زیاد بین توده های سیستانی و بلوچ است.

روز چهارشنبه ۵۸/۹/۲۸ در اطلاعیه ای که از طرف "مولوی عبدالعزیز" رهبر حزب اتحاد المسلمین" صادر شد از "کلیه برادران سیستانی و بلوچستانی و سایر همشهریان" دعوت گردیده بود که جهت استماع سخنان "دکتر یزدی" (دکتربزرگ نیپا) آیت الله خمینی بنا به دعوت "مولوی عبدالعزیز" جهت رسیدگی به مسائل منطقه به زاهدان آمده بود (در روز پنجشنبه ۵۸/۹/۲۹ در محل عیدگاه واقع در انتهای شمالی خیابان آزادی شرکت نمایند).

در روز پنجشنبه مردم بلوچ سوار بر اتوموبیلهای باری و وانت و... از ساعت ۶/۵ صبح بطرف عیدگاه رفته و دانش آموزان و دانشجویان بلوچ نیز با راهیمائی از جلوی دبیرستان رحیم بخش واقع در قسمت جنوبی خیابان آزادی بطرف عیدگاه با شاهرهای بلوچستان مثنی ملک انت، و تواجی مثنی حک انت (بلوچستان سرزمین ما ست، خود مختاری حق ما ست)، قانون اساسی نا حک انت (قانون اساسی نا حق است) - پتندگربان سادار، در کپ چه مثنی ملک تھی (پادار فتنه گر، از سرزمین ما بیرون) مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع و... حرکت نمودند. این گروه در حدود ساعت ۸/۴۵ صبح بداخل محوطه عیدگاه رسیدند قبل از آن تعداد زیادی از گروه های مردم بلوچ تجمع کرده بودند و در حال گوش دادن به سخنان "مولوی مدنی" بودند. در قسمت غرب عیدگاه روی تپه در حدود ۸-۷ نفر مسلح (وابسته به جبهه جدیداً لتاسیس مقاومت بلوچستان - این جبهه بوسیله خوانین مزدور و ملاهای مرتجع و روشنفکران خود فروخته بنیان گذاری و افراد مسلح آن بصورت مزدور در خدمت این جبهه قرار دارند. این اولین بار است که نام جبهه در منطقه معرفی می گردد و بنظر می رسد که جبهه مقاومت بخش نظامی حزب اتحاد المسلمین را تشکیل می دهد) در درون سنگرهایی که در روی تپه وجود داشت قرار داشتند. در این روز بلاک ردهایی از جبهه مقاومت بلوچستان، حزب اتحاد المسلمین، و دانش آموزان و دانشجویان بلوچ به چشم بقیه در صفحه ۸



## خانهای درباری به کمک روحانیان مرتجع در مقابل دهقانان

### راهپیمایی جوانان زابل در دفاع از منافع دهقانان

اینگونه حرکات (مما دره) اموال خوانین بوده است. همچنین کتبه های معادله شده "حبیب الله خان و علیخان سارانی" که در اختیار اداره، شاون و امور روستاها قرار داده شده بود تا بصورت وام در اختیار زارعینی که فاقد بذر بوده و در جریان خشکالی ۲۰ ساله منطقه "میانتکنگی" از زراعت دست کشیده بودند توزیع شود، عمل خلاف شرع اسلام توصیف می شود. عملیات بعدی که بدنبال این مذاکرات صورت می گیرد حاکی از این است که به این سرپردهگان اختیار بیشتری داده شده است زیرا آقای "ابراهیم بردلی" که مدت ۱۰ ماه فراری بوده و حکم جلب او نیز صادر شده، آزادانه در ملا عام ظاهر می شود. همچنین چند روز پس از این ملاقات یعنی در مورخه ۵۸/۹/۲۳ در ده "تجر" بین عوامل "حمید باراتی" کارمند سازمان آب که ما مورسا واک منحل و از سرپردهگان رژیم شاهن بوده است و تعدادی از دهقانان که از ظایف "سنجراتی" بوده اند به خاطر کشت زمین های معادله شده درگیری صورت می گیرد که در نتیجه عوامل "باراتی" اقدام به تیراندازی می نمایند و در نتیجه ۲ نفر از دهقانان مجروح می شوند که هم اکنون در بیمارستان زابل بستری هستند.

بدنبال این حرکت عناصر سرپرده رژیم متنفور پهلوی از طرف جوانان مسلمان سیستان در روز شنبه ۵۸/۹/۲۴ دعوت به راهپیمایی می شود که شرکت در این راهپیمایی از طرف روحانیون از جمله "سید محمد تقی حسینی" تحریم می شود. ولی عناصر آگاه به تحریم آنها توجه ننموده و علیرغم تحریم آنها راهپیمایی صورت می پذیرد و دبیرستانها و مدارس تعطیل می شوند. راهپیمایی از مسجد "حسین آباد" شروع و پس از گذشتن از خیابانهای آیت الله طالقانی خیابان شهید باقری و امام خمینی در چهارراه شهر، قطعاً به خواننده می شود. شعارهای این تظاهرات به قرار ذیل است:

"زیرا رستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در راه آزادی - مرگ بخوانین، مزدوران خون آشام - چه با لگد چه با مشت، خوانین را با بدکشت - چه با لگد چه با مشت، ابراهیم بردلی را با بدکشت - اسلام پیروز است، دیکتاتوری نابود است - خوانین ویرانگر اعدام باید گردد، سیستان ویران"

بقیه در صفحه ۸

بدنبال اعلام معادله اموال تعدادی از خوانین "سیستان" از طرف دادستان انقلاب (۳) سیستان و بلوچستان تعدادی از خوانین و سرپردهگان رژیم متنفور پهلوی که از مدتها قبل فراری بوده و تحت تعقیب قرار داشتند روانه "تکر" می شوند. این افراد عبارت بودند از: ۱- محمد رضا خان بردلی که بدلیل اینکه در جریانهای ۱۹ بهمن ۱۳۳۲ از مخالفین محسوب می شده است خود را چهره ای مبارز می داند و با استفاده از این موضوع در صد بهره برداری می باشد ولی همکاری وی با رژیم پهلوی از سالهای ۴۰ به بعد برهنگان روشن می باشد. ۲- ابراهیم خان بردلی - نماینده چند دوره مجلس و همچنین آخرین نماینده در مجلس شاه ۳- محمد حسین خان ناروئی - نماینده چند دوره مجلس شاه ۴- غلام حیدر خان ناروئی. این عده "محمد خان بردلی" را به نمایندگی از طرف خود نزد "آیت الله خمینی" فرستاده و جریان معادله زمین های خود را با وی در میان می گذارند و آنچه در زیر می آید مشخص کننده این می باشد که شواسته اندر برگ برنده ای بدست آورند.

بدنبال این ملاقات با امام در تاریخ ۵۸/۹/۲۵ این عده و همچنین بقیه خوانین سیستان از جمله "حبیب الله خان سارانی" و "علیخان سارانی" در منزل "آیت الله حاج آقا بزرگ طباطبائی" برادر "صدرالدین طباطبائی" چیره خوار "اسدالله علم در زابل در حضور نماینده امام "حجت الاسلام شاهرودی" ملاقات می نمایند که نتیجه ملاقات آنها محکوم نمودن

(۳) - "بنی نجران" دادستان انقلاب سیستان و بلوچستان بخاطر یک سری موضع گیریهای قاطع در باره خلع سلاح خانها و اقدام به تقسیم زمین بین روستائیان مورد تأیید اقشاری از مردم فقیر منطقه می باشد. ایشان دو هفته پیش بعلمت مخالفت خانها و درگیریهایی که با دولت داشت از سمت خود استعفا داد و علت این استعفا، روشن نبودن مواضع دولت و شورای انقلاب نسبت به خوانین و فتوایهای منطقه، توسط ایشان قید شده بود. (پیگار)

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

# جنبش دهقانی



## روستائیان بومرحله بر علیه زمین دار کمیته چی می رزمند

روستای "بومرحله" در ۲ کیلومتری شرق آمل قرار دارد. حدوده ۹۰ خانوار در این روستا زندگی میکنند که ۵۵ خانوار آن بی زمین هستند. بیشتر اراضی این روستا، در زمان رژیم سابق بدست سرمایه داران و تجار شهری افتاد. پس از قیام مورسنگونی نظام سلطنتی، دهقانان بارها به مراجع "قانونی" جهت باز پس گرفتن زمینهای که در زمان رژیم شاه از آنها گرفته شده بود، شکایت کردند لیکن همچون سایر موارد، از این "مراجع قانونی" چیزی عاید دهقانان بی زمین و محروم نشد. روستائیان زحمتکش ما وقتی که از این دریچه نا امید میشوند تصمیم می گیرند که از زکمت زمین توسط مالکین ممانعت کنند. یکی از این مالکین "شمسی رئیس زاده" از سردمداران کمیته آمل و کسی که پرونده های بسیاری در منافی عفت و... دارد می باشد که صاحب ۱۵ هکتار زمینهای این روستاست. شمس رئیس زاده وقتی اقدام جدی دهقانان را مبنی بر جلوگیری از زکمت توسط او و سایر مالکین می بیند، با استفاده از امکانات خود در کمیته و سایر ادارات، در روز دوم آذر ماه به انشاق ۸ پاسدار و یک تراکتور رسیده می آید و مشغول کشت زمین میشود، اما با مقاومت مردم روبرو میشود و در پی آن پاسداران شروع به شلیک هواشی نموده و دوتن از دهقانان را دستگیر میکنند و به زندان میبرند. و با استفاده از وجود پاسداران درده، در ظرف دوروز زمین را شخم میزنند و پس از دوروز دهقانان مبارزان آزادمی نمایند. اما این اعمال تا شیری بر اراده روستائیان نگذاشته و آنها همچنان به مبارزه خود برای بازستاندن زمین ادامه می دهند و در طی همین مبارزه، روز بروز بر ما هیست ضد خلقی و ضد انقلابی هیئت حاکمه کنونی وهم چنین نقش "پاسداران انقلاب اسلامی" و کمیته انقلاب اسلامی" بی میبرند.

## طوفان شمال آرامش ندارد

● یک روستائی خطاب به پاسداران: شما اگر خودتان را "حامی" مای دانید، پس چرا همراه زمین داران خونخوار به روستا آمده اید؟!  
● دشمن دهقانان، یعنی زمین دار روستای امیرآباد از طرف فرماندار روبخشدار بسه عنوان نماینده در شورای کثا و رزی مرکز انتخاب شده بود!؟

در صوفی منظم به سراغ زمینهای مزروعی رفته و آنها را به تصرف دسته جعی خود درآوردند. آنها کلیه وسایل کثا و رزی سرمایه داران را از قبیل کمباین، تراکتور و... پس از صورت برداری ضبط نمودند.

سرمایه داران دولت فعلی را با خود می بینند و خوب میداند فرمان آیت الله خمینی که در آن کثا و رزان را از مصادره زمینهای زمینداران بزرگ منع کرده و لایحه شورای انقلاب که حتی تا حد اتمام برای روستائیان حق طلب مجازات تعیین کرده است به نفع آنهاست، در مقابل این عمل متحده نه زحمتکشان روستا بیگوار ننشسته و جهت طلب کمک به کمیته های منطقه رجوع کردند. حامل کار این بود که آنسان همراه با پنج پاسدار مسلح بعد از ظهر ۹/۷/۶۰ یعنی همان روزی که دهقانان مزارع را به تصرف درآوردند و در روستا شدند.

زحمتکشان روستای امیرآباد که در حال کار بر روی زمینها بودند، با شنیدن این خبر به خشم آمده دست از کار کشیدند و شکار گویان به روستا آمده و از کثا و رزها پاسداران و سرمایه داران گذشته و از دستکش شدند.

روستائیان که تصرف زمینها را حق خود می دانند و رژیم فعلی را حامی سرمایه داران می بینند، در مدبر امتداد حقوق خود در مقابل پاسداران و سرمایه داران دفاع کنند. آنها بدین منظور ابتدا پاسداران را به مسجد فراخوانده و شروع به صحبت با آنها نمودند. یکی از پاسداران گفت: شما باید از طریق قانون زمین بگیرید، شما با این وضع نمی توانید کاری بکنید، یکی از دهقانان بی زمین در پاسخ به پاسداران گفت: شما روستائیان در طی ۹ ماه گذشته دنبال نموده اند و بی فایده ای آنرا برای پاسدار توضیح داد.

پس روستائی دیگری شروع به سخن کرده خطاب به پاسداران چنین گفت: شما اگر خودتان را حامی و پشتیبان ما میدانید پس چرا همراه زمینداران خونخوار به روستا آمده اید. آیا این عمل شما نمایانگر حمایت شما از

روستای امیرآباد در ۱۲ کیلومتری "آمل" قرار داشته و از توابع شهرستان نور می باشد. این روستا دارای ۲۳ خانوار است که از این میان ۲۳ خانوار بی زمین و ۸ خانوار کم زمین هستند.

زمینهای زراعی این روستا قبیل از "ملاحات ارضی" در اختیار شاه خاثن قرار داشت که پس از "ملاحات کذا" می مذکور به دو نفر زمین دار بزرگ بنا مهای محمود نادری و فرج الله زوراد فروخته شد.

جنبشهای متعلق به این روستا حدود ۳۵۰ هکتار می باشد که توسط سرمایه داران نامبرده در بلا به سه سرمایه دار زرا لومفت دیگر به اسمی سرهنگ درویش، اسدالله مدقیانی، عباسی سالاریان فروخته شد، که اینها نیز بنا بودی جنگل، آن را به زمین زراعی "دیمی" تبدیل نمودند.

پس از این عمل غارتگرانه سرمایه داران ما حب زمین، زمینهای "آبی" بصورت نصفه کاری در اختیار خوش نشینان روستا قرار دادند و در زمینهای دیمی خود، بطریق روزمزدی نینسروی کار زحمتکشان روستا را استنما نمودند. اعتراض دهقانان در برابر برزورگوشی و چپا و لگری سرمایه داران در شرایط سخت خفقان و ترورسایهای در منطقه خفشد. و سرمایه داران همچنان به بهره کشی بیرحمانه خود از زحمتکشان روستا تا اوگیری تا زه جنبش توده ها ادامه دادند. روستائیان قهرمان "امیرآباد" در اوایل بعد از قیام مسلحانه به زمینهای مزروعی گرفتند و پس از نشستی با روستائیان اطراف در صدد برآمدن پیکار از طریق "قانونی" دنبال نمایند. جهت اینکار نامهای بی بدفترا ما، نخست وزیر و وزیر کثا و رزی فرستادند. که حاصل این نامه ها ۸-۷ ماه "صبر و انتظار" بیهوده و خالی از جواب بود. روستائیان که در عمل دیدند دولت فعلی به خواسته های عادلانه آنها "جوابی" نداد و با صبر و حوصله کار درست نمی شود، در روز سه شنبه ۵۸/۹/۱۳ بصورت دسته جمعی و چوب و داس بدست

زمینداران نیست؟  
آنگاه نوبت گفتگو به سرمایه داران رسید آنان با ترس و لرز و چا پلوسی از روستائیان خشمگین وارد مسجد شدند. و چون روستائیان اجازه حرف زدن به آنها دادند، یکی از زمین داران شروع به بیاه و سرائی نمود و گفت: من یک فرد کثا و رزم و از طرف فرماندار، بخشدار به عنوان نماینده در شورای کثا و رزی مرکز (تهران) انتخاب شدم و از منافع شما کثا و رزان دفاع می کنم. من تا بحال خیلی کارها برای شما انجام داده ام.

این جلسه که در حقیقت امر جلسه محاکمه زمینداران بود، یکی از کثا و رزان با سخن بقیه در صفحه ۸

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



بقیه از صفحه ۶

گزارشی از درگیریهای ... می خورد، بعداً زبان سخنان "مولوی مدنی" سردار مرتجع و معروف "عبدالله گمشا دهی" شروع به سخنرانی نمود (تا میرده یکی از گردانندگان نطق هرات موافق قانون اساسی در زمان بختیار خود فروخته بود. (بعد از سخنرانی وی یکی از دانشجویان بلوچ شروع به سخن رانی کرده و در طی آن یادآوری نمود که خود مختاری خلقها با بیدار قانون اساسی گنجانده شود. سخنان وی بیشتراً فاشگری از حرکتیهای بنفایت ارتجاعی هیئت حاکمه در کردستان ترکمن صحرا، ننده و بلوچستان و خرمشهر ... بود تمام سخنان او توسط توده مردم بلوچ با گفتن صحیح است، مورد تأیید قرار می گرفت. پس از تمام سخنرانی نماینده دانشجویان یکی از دانش آموزان بلوچ پشت تریبون قرار گرفت و فاشگریهائی در مورد استان بیدار و روسا در آن و ... نمود، در ضمن سخنان او گروهی از فارسها و سیستان نیها در زیر پوشش "جامعه سیستان نیها" بنا شد و "پاسدار" را بیدار نگه داشت و میکشم، میکشم دشمن خونخوار تو" و شعارهایی در تظاهرات استان در ... علی بن دانشجویان و دانش آموزان و اقشار مترقی بلوچ موضع گرفتند. در این میان ناگهان از سمت چپ عیدگاه عده ای ناشناس بطرف جمعیت سنگ پرتاب میکنند و بیدار آن تیراندازی از طرف بصرم شروع میشود. بنظر میرسد که تیراندازان همان افرادی باشند که قبلاً در سنگرها روی تپه موضع گیری کرده بودند. علاوه بر اینها عده ای از فارسها و سیستان نیها و پاسداران که بطور مسلح در بین مردم میگشتند اقدام به تیراندازی میکنند. در این موقع که میتینگ بهم خورده بود، مردم سراسیمه فرار میکنند، در حین خروج مردم از "عیدگاه" بیست ازدحام دینفر کشته و عده ای زخمی میگردند. بلوچها و "جبهه مقاومت بلوچستان" در خانه "مولوی عبدالعزیز" خیابان شریعتمداری به پشت بامها رفته و سنگر میگیرند، پاسداران در محل استقرارشان در میدان آزادی و مرکز شهر

بقیه از صفحه ۱۷

"شورای انقلاب" با تصویب قانون سود ...

تصویب قانون این چنینی سود ویژه از طرف شورای انقلاب، از یک طرف نتاندهنده فشار جنبش مردم اوچگیرنده کارگران و توده های مست و از طرف دیگر نتاندهنده ما هیئت فدکا رگری رژیم حاکم میباشد.

ابتدائی ترین گام جهت احقاق حقوق خود در این زمینه، داشتن شورا یا سندیکای واقعی خود میباشد. با توجه به اینکه شوراها و سندیکا های غیر واقعی کارگران، طی ۱۰ ماهه فعالیتشان بخوبی در نزد کارگران افشاشده اند. با افشاکاری پیرامون سود ویژه و این موضوع که این شوراها و سندیکاها نمیخواهند و نمی توانند حقوق حقه کارگران را از حلقوم سرما بیه داران بیرون کنند، اقدام به تجدید انتخابات و تشکیل شوراها و سندیکا های جدید خود نمایی نمودند. شوراها و سندیکا های کارگران از جمله سازمان های توده ای کارگری است که در مقابل بصرم ضد انقلاب میتوانند نقش مهمی را ایفا نمایند

و جامعه سیستان نیها در محل حسینیه سیستان نیها و محله بابا شیان سنگر میگیرند. در این روز در رابطه با همین سنگر بندیها و حرکتها چندین نفر کشته و زخمی میشوند که به بیمارانستانها جهت مداوا اعزام میگرددند.

در این روز نیز سنگرها بهمان شکل و بسا همان فرم روز قبل با کیفیت، عناصر مشکوکی در این روز بطرف مردم عادی تیراندازی و فرار می نمایند (بوسیله ماشین سیمرغ) که در این تیراندازیهای وحشیانه عده ای بچه و زن ... کشته میشوند مردم از ترس به خیابانها نمی آیند و در حالت ترس و وحشت بسر میبرند. در اثر تیراندازی حدود ۱۰ - ۱۱ نفر (و نا بدهم بیشتر) کشته و حدود ۷۰ نفر زخمی میشوند از ساعت ۳ بعد از ظهر با توافقی که توسط مولوی عبدالعزیز و آیت الله کفعمی ویزدی انجام گرفت آتش بس اعلام و بنا شده سنگرها جمع آوری شود و نیروهای انتظامی بجای گروههای مردم انتظامات شهر را بیهوده بگیرند.

از این روز بعد شهر آرام است و ارتش در قسمتهائی از شهر مستقر شده است. آتش افروزان کار خود را کرده اند، سوختن و بیدینی بیین خلق بلوچ و مردم سیستان که به سوگ عزیزان نشسته اند به حد اعلا خود رسیده است، در حالیکه نه خلق بلوچ دشمن مردم سیستان است و نه مردم سیستان دشمن خلق بلوچ، بلکه بیین روحانیون مرتجع، مولویها و خانهای ضد خلق و همدستان آنها، "سپاه پاسداران" هستند که رودر روی خلق بلوچ و مردم سیستان قرار دارند و برای رسیدن به اهداف فاششان خود سعی می کنند توده ها را به جان هم بیاندازند.

هم اکنون بزودی این سرسپرده میریای لیس آمریکا برای باصلاح "حل مسئله مردم" با مرتجعینی چون "مولوی عبدالعزیز" و خانها و آیت الله کفعمی (امام جمعه شیعه ها) در منزل مولوی عبدالعزیز رئیس حزب فدا انقلابی "اتحاد المسلمین" به گفتگو نشسته است!!

شیوه گشایندگان کارگران به مقابلها رفتاری زحمتکش کارگر خود (جمله به خاندانها که در متوسط کارگران کارخانه های بنزخا و جیشال موتور و سایر اول برخوردار کارگران کارخانه عبیدی پیرامون برنگشتن کارگران اخراجی کارخانه بسرا کار ... ) از جمله شیوه های است که ضد انقلابیان روی خواهد آورد و نقش سندیکاها و شوراها و واقعی کارگران در مقابلها بصرم - های رنگارنگ رژیم میتوانند بسیار مهم باشد. البته باید نظر داشت که شوراها و سندیکا های واقعی نیز زمانی میتوانند حقوق واقعی کارگران را تامین ساخته، مسائل مستعل آنها را بر علیه میریای لیس و سرما به داری شکل دهند که بر اساس هدایت و ره نمود - های سیاسی، بدولت و بزرگ سازمانها و نیروهای م. ل و بطور کلی حزب طبقه کارگر فعالیت نمایند در غیر اینصورت فعالیت مبارزاتی شوراها و سندیکا های کارگری از مضمون و هدف درستسی برخوردار نبوده به برانگیزداری یا انحرافد مبارزه می انجامد.

بقیه از صفحه ۷  
طوفان شمال ...

زمینداران بصرم را چنین داد: اولاً شما نمی توانید شما بنده ما باشید چون که دهقان نیستید بلکه یک زمیندار بزرگ هستید. ثانیاً ما از شما نمی خواهیم برای ساکاری انجام دهید، چونکه اگر شما بخواهید کارهای انجام دهید جز در جهت منافع زمینداران چیز دیگری نخواهد بود ... مالک دیگری که در بصرم می و بیرونی دست کفمی از قبلی نداشت، گفت: من حاضر زمینهای خود را طبق روال سابق یعنی بصورت نصفه - کاری در اختیار رکنان و زنان بی زمین و کم زمین قرار دهم. یکی از روستا نیان که در سالیهای قبل روی زمین نصفه کاری میکرد، چنین پاسخ داد: اینکار را هر زمیندار قبول دارد، چرا که غیر از ما کس و زنان بی زمین، شما کس دیگری ندارید که روی زمین شما مفتخورها کار کنند و در آخر کار محصول را تحویل بگیرید. نه خیر آقای سرما به - دار، شما برای ما دلسوزی نکنید. ما میخواهیم بحق مسلم خودمان که چیزی جز تصرف زمینها نیست، برسیم.

پس از این جلسه ما کم زمینداران و قدرت نمائی روستا نیان در برابر سرما بیداران دهقانان خطاب به پاسداران گفتند که ما به مقامات مسئول دوما ره روز مهلت می دهیم که به این موضوع رسیدگی کنند. و زمین در اختیار ماست و سرما بیداران حق رود بیدار ندارند. در حال حاضر دهقانان با روحیه ای عالی هر روز دسته جمعی در روی زمینها کار میکنند و شبها در گروههای ۵ نفری از روستا پاسداری می کنند. دادگاهها لوس که در زیر فشار روستا نیان قبول کرده تا یک هفته به شکایات روستا نیان رسیدگی کند، تا اکنون هیچگونه پاسخی نداده است

توضیح و تصحیح:

در بیکار شماره ۲۴ خبری در مورد مبارزات دهقانان "نبارده" (آمل) درج شده بود. این خبر بصورتی که آمده بود نادرست بود و از این بابت از خوانندگان بپوش می خواهیم و تصحیح خبر را بشماره آینده موقوف می نمائیم.

در اینجا بار دیگر از کلیه رفقا و هواداران که خبر برای ما می فرستند می خواهیم که در فرستادن خبر نهایت دقت و توجه را داشته باشند و از بزر خورد غلط آمیز پرهیز نمایند.

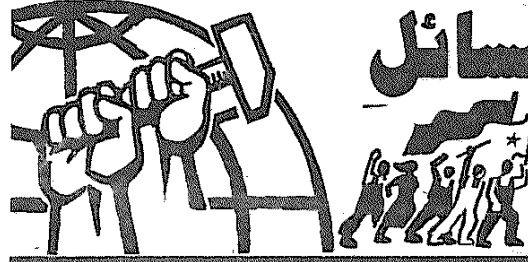
بقیه از صفحه ۶

خانهای درباری به کمک ... آباد بایگردد. دهقان دهقان پیروز است، فتودال فتودال نابود است - سیستان ویرانه آباد بایگردد، محمد حسین خان بیایمان اقدام بایگردد.

پس از خواندن قطعنامه جمعیت به طرف بیماران حرکت می کنند و پشتیبانی خود را از دهقانان بستری شده در بیمارستان، اعلام نمودند. بعد از مدتی جمعیت با همان شعارها متفرق می شوند. در قسمتی از این قطعنامه آمده است: "ما پشتیبانی خود را از موضع انقلابی دادستان انقلاب نسبت به خوانین اعلام می نمائیم و قاطعانه خواستار برپا دولت مرکزی موضع خویش را نسبت به مامداره و تقسیم اموال و اراضی خوانین و سرسپردگان رژیم قبلی بین زارعین بوسیله افسراد و سازمانهای ذیصلاح اعلام نمائیم."



# اخبار و مسائل جهانی



## همدوش با انقلاب فلسطین تا پیروزی کامل

بقیه از صفحه اول

ما طی شماره های گذشته بیکار را پیش از ده مقاله که هر کدام گوشه ای از مبارزات انقلابی و قهرمانانه خلق فلسطین را منعکس میکرده انتشار داده ایم. حوطه های امپریالیسم و ارتجاع علیه این خلق روزمده را افشا کرده، در معرفی و حمایت از این خلق که ۱۵ سال است مشعل انقلاب مسلحانه توده ای را در این منطقه فروزان نگاه داشته، مطالبی در اختیار خلقهای قهرمانان گذارده ایم.

در این شماره بطور بسیار مختصر به معرفی سازمانهای مقاومت فلسطین که در حال حاضر فعالیت دارند می پردازیم. آنچه در زیر می آید تحلیل نیست بلکه در حد معرفی کوتاه باید تلقی شود. تحلیل و معرفی بیشتر را به فرصت های آتی بده موکول می کنیم.

### ۱- سازمان آزادیبخش فلسطین

در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ شمسی) سران کشور های عربی در قاهره تصویب کردند که سازمانی بنام سازمان آزادیبخش فلسطین که اداره و نمایندگی سیاسی آوارگان فلسطین را عهده دار باشد، بوجود آید. در طول دهها سال جنگ بین دستجات تروریستی یهودی که از حمایت کامل انگلیس و آمریکا برخوردار بودند - از یک طرف و خلق فلسطین از طرف دیگر - دهها هزار نفر از مردم فلسطین از وطن خود رانده شده به کشورهای مجاور یعنی لبنان، سوریه، اردن و سایر کشورهای دیگر پناهنده شده بودند. بورژوازی عرب که از این نیروی کار رازان در ابتدا حتی استقبال میکرد و با بخشی از بورژوازی فلسطینی که از وطن رانده شده، به امید همکاری و جلب منافع بیشتر، احساس همبستگی می نمود، به تدریج از وجود این همه آواره عوامی و انتقامجویان و بالقوه انقلابی احساس خطر کرد و با انگیزه میاگردن فلسطینی ها در یک چپا رجوی رسمی و در عین حال پاسخ ناگزیر به خواست توده های فلسطینی که حاضر نبودند هویت ملی شان با اعمال حوطه های امپریالیسم و امپریونیسم و سکتوت رضایت آمیز ارتجاع عرب گردد، این سازمان را (سازمان آزادیبخش فلسطین را) بوجود آورد، از طرف دیگر وجود چنین سازمانی و نفوذ در آن برای عبدالنار و دیگر رژیمهای مدعی مبارزه با امپریونیسم این موقعیت را ایجاد میکرد که بهتر بتوانند زیر سرپوش حمایت از این سازمان مبارزه خلق فلسطین را در چپا رجویی که خود می خوانند میا کرده آراوسیلای برای اعمال فشار و امتیاز گرفتن از امپریالیسم و امپریونیسم درآوردند.

در این سازمان یکی از سیاستمداران

فلسطینی بنام احمد شقیری قراردادت که سیاستهای کاملاً تابع سیاست عبدالنار بود. حل مسئله فلسطین از طریق مذاکرات و راهحلهای سیاسی آنهم در چپا رجویی با معده دول عربی و برای درگیری نظامی احتمالی استرا - تزی خود را مبنی بر جنگ منظم و قدرت ارتشهای کلاسیک عرب گذارده بود. این سازمان از سال ۶۴ از سوی دولت های عربی نماینده سیاسی خلق فلسطین بود تا زمان جنگ ژوئن ۶۷ که ملا تحت نفوذ مصر قرار داشت. نیروی نظامی این سازمان تحت عنوان ارتش آزادیبخش فلسطین در کشورهای مصر، عراق و سوریه با دگان نظامی داشتند و جوانان فلسطینی مشمول خدمت نظام در این پادگان ها و بر اساس آموزشها و سیاست کشورهای میزبان خدمت میکردند. سلسله مراتب ارتشی هر یک از این کشورها در آن بخش از ارتش آزادیبخش فلسطین نیز معمول بود و در واقع اینها تابعی بودند از ارتش میزبان!

این سازمان نیروی چریکی غیر منظمی هم داشت بنام "نیروهای آزادیبخش" که باز در چپا رجویی سیاست کشورهای عربی و محدود به آن فعالیت می نمودند (مثلاً انجام برخی عملیات ایذائی علیه اسرائیل). پس از شکست ژوئن و وجگیری جنبش مقاومت فلسطین رهبری و ترکیب این سازمان تغییر کرد و بصورت جبهه ای درآمد که کلیه سازمانهای انقلابی فلسطینی با حفظ استقلال سازمان خود، در آن شرکت نمودند. کمیته اجرائی این سازمان را شورای ملی فلسطین (که بمناسبت با رلمان فلسطین است و تقریباً ۵۰۰ عضودارد) انتخاب می نمایند. در این شورا نیز کلیه سازمانهای فلسطینی بطور نسبی نماینده دارند. خط مشی اساسی سازمان آزادی -



ياسر عرفات، رئيس كميته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین

## دولت سوریه علیه ایران رای داد

منابع مطلع اظهار میدارند که بیهنگام طرح مسئله گروگانهای آمریکائی در شورای امنیت، دولت سوریه علیه ایران و بنفج آمریکا رای داده است. این موضعگیری بنوبه خود ما هیت مشکوک کسانی امثال چمران، طباطبائی، بنسزیدی، قطب زاده و... را افشا میکند که برای ایجاد بهترین روابط بین ایران و رژیم حافظ اسد حاضر شدند خدمت با آن، حتی علیه انقلاب فلسطین در جنوب لبنان توطئه کنند. طباطبائی سوریه را تنها کشور انقلابی منطقه نامید در حالیکه طبق توافق نا و حافظ اسد تا همین اواخر ما مورین سا واک پلیس امنیتی - سیاسی سوریه را آموزش میدادند!

## امسال تعداد مهاجرین یهودی از شوروی رکورد را شکست

میگویند دو عامل عمده بقا اسرائیل، یکی کمکهای مالی و تسلیحاتی آمریکا است و دیگری - که چه بسا مهمتر است - مهاجرت یهودیان روسی که غالباً تحصیل کرده و کارآمدند (مثلاً گلدما ما بیک مهاجر روسی بود) ۱۰ عرب عموماً بدلیل وابستگیهای که به شوروی از لحاظ سیاسی و نظامی دارند کمتر سرومدايشان در مورد این کمک شوروی بیه اسرائیل بلند میشود. بهرحال امسال (۷۹) تعداد یهودیان مهاجر از شوروی که غالباً به اسرائیل میروند با بصورت پست جبهه آن در کشورهای دیگر عمل میکنند، رکورد را شکست است در سال ۷۲ این تعداد ۳۳۵۰۰ نفر بود. اما امسال به ۵۰۰۰۰ مهاجر را رسید. بدنیست بدانیم که شوروی میتواند به میزان بسیار قابل توجهی جلوی مهاجرت یهودیان را بگیرد، اما در چپا رجویی قرار دادهای جهانی با آمریکا به یهودیان اجازه مهاجرت میدهد.

بخش را همین شورا و بر اساس منشور ملی شان که از سوی خلق فلسطین بدرسمیت شناخته شده تعیین می نماید. در حال حاضر این سازمان به عنوان جبهه ای است که نمایندگی سیاسی و دیپلماتیک خلق فلسطین را بعهده دارد و از سوی تقریباً ۱۱۰ کشور بدرسمیت شناخته شده است. این موقعین سیاسی بدآسانی بدست نیامده و حاصل وحدت ملی فلسطینی ها از یک طرف و مبارزه مسلحانه توده ای و بسیج سیاسی و اشتفاده از امکانات مساعدهجاتی از سوی دیگر بوده است. مهمترین سازمان در درون این "جبهه"، الفتح است که به لحاظ اهمیت سیاسی، نظامی، مالی و توده ای ستون فقرات سازمان آزادیبخش فلسطین را تشکیل میدهد (تقریباً ۷۵ درصد آن) و رهبر الفتح (یا سرعقات) رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش می باشد. وی از سال ۱۹۶۸ به این سمت انتخاب شده و تا کنون بارها مجدداً انتخاب گردیده است.

بقیه در صفحه ۱۸

# زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۲)

حزب طبقه کارگری نمود، ولی در عمل بدنبال بورژوازی لیبرال و ستایش از "اقدامات مثبت" او سرگرم بود.

## گرایش "چپ" شبه تزوتسکیستی

کدهرها هنگی با یک خط سیاسی راست اکونومیستی عمل میگرد اولاً بورژوازی لیبرال را که نیروی ضد انقلابی بود رنجای خواننده و تا مغز استخوان مستقیم و غیر مستقیم وابسته به امپریالیسم می شرد و با ارزیابی فسخی از آن آنرا جزو هیئت حاکمه بشمار آورده و ناچاراً بطرح شعارنا بودی فیزیکی آن بود. (۱) نا نیا بهما ره خط سیاسی راست اکونومیستی با تکیه بر اختلاف فاجعیش کارگری از کل جنبش دموکراتیک جنبش کارگری را از جنبش خلق جدا کرده و تحت این عنوان که این جنبش از همزبونی حزب طبقه کارگر محروم است از شرکت فعال در آن سر بزمی زد.

همگرایش راست و همگرایش "چپ" جنبش توده ای را بحال خود گذاشته و عملاً از شرکت فعال کمونیستها در آن و ایفای وظایف کمونیستی جلوگیری کرده و از این رو جنبش را تحت آن شرایط از همان مقدار محدودی (با توجه به بیگانه محدود آنها در میان توده ها) نیز که طبقه کارگر و اواید - نولوژی آن می توانست بر آن اثر بگذارد، محروم می کردند.

## دوره دوم

در دوران قدرت دوگانه، لازم بود که کمونیستها همچنان به افنا و طرد بورژوازی لیبرال ضد انقلابی پرداخته و با طرح مسئله ارتجاعی شدن آن بخش از بورژوازی لیبرال که قدرت دولتی را بهما بخش غیر بوروکرات کمپرا دورهای سابق بدست آورده بود سیاستها و تمایلات فسخی او را در بازاری هر چه سریعتر سیستم را بهداری وابسته و ما عین دولتی فربه دیده از انقلاب توده ها، همه جا نه افنا کرده و با حمایت مشروط (بسیار مشروط تر از دوره اول) از ارگان های شدت خرد بورژوازی مرفه سنتسی و کمیته ها، دادگاهها و انقلاب (... با حمایت از اعدا مساواکی ها و فرماندهان خان ارتش و دیگر مزدوران رژیم سابق و انسانی سازشکاری اش نسبت به بورژوازی و عملکردهای ضد انقلابی اش در مقابل با بیشتریت انقلاب و سرکوب حرکت کارگران و زحمتکشان و طرح شعار تصفیه کمیته های امام مستحیل شدن این ارگان را در ارگان قدرت لیبرال - کمپرا دورها به عقب می انداختند. علاوه بر این با انسانی بیگانه ما هیت سازشکارانه و گرایش ضد انقلابی خرد بورژوازی مرفه سنتسی در زندگی روزمره، در شکست بدست توده ها تلاش کرده و با شعار ایجا دشورا های خلقی بعنوان یک شعار عملی در مقابل هم چون کردستان، ترکمن صحرا و... واقفام شعار لانه در این زمینه و امرا ایجا دسا زمانهای توده ای در شما امیران و دفاع از این نهادهای دموکراتیک، سرشدن تطفه های دموکراتیک در بطن جامعه کمک می کردند.

در این دوره گرایش راست و "چپ" هر دو در نهایت قدرت دوگانه را نمی بینند اگر چه در حرف بنوعی از آن سخن می گویند. گرایش راست از یک موضع سخت تا نیرنگرایی لیبرالی با دفاع از دولت در مقابل "خودسری" کمیته های امام، مسئله عملکردهای انقلابی ارگان قدرت خرد بورژوازی مرفه سنتسی را در کنار عملکردهای ضد انقلابی بی اش در کنار ما هیت ضد انقلابی و ارتجاعی دولت بظا هر لیبرال بازرگان نمی بیند و با دفاع از دولت در برابر ارگانهای خرد بورژوازی مرفه سنتسی عملاً زمینه گانه شدن قدرت دوگانه را بنفع قدرت فسخی تسهیل میکند. (خطابه رفقای فدائی به آقای بازرگان ۵۸/۱۲/۲۴ در کار شماره ۲)

و این در حالی است که جریان رویزیونیسم خروشانی "حزب توده"

مادرمقاله "زیگزاگهای ضد انقلاب و..." در مجله پیکار شماره ۲۴ بطور اجمالی به بررسی دلایل بروز گرایش راست و "چپ" در جنبش کمونیستی در دوره اخیر پرداختیم. اینک دنباله مقاله را در این شماره ادامه می دهیم.

در اینجا ابتدا جمع بندی مقاله پیش و نتیجه گیری از گذشته را مرور می کنیم و سپس بطور مشخص مواضع رفقای اتحادیه کمونیستها را مورد بررسی قرار می دهیم:

## نتیجه گیری از گذشته

اکنون لازم است قبل از اینکه به برخورد مشخص و مشروح با انحرافات راست و "چپ" در برخورد به حرکت اخیر "فدا میریا لیستی" هیئت حاکمه بپردازیم و ارتباط این نحوه برخورد را با آن خط مستندی که در تمام طول سه دوره انقلاب کنونی گرایشها و برخوردهای گذشته آنها را به برخورد های کنونی پیوند میدهد نشان دهیم، مختصراً به جمع بندی برخورد گرایشها راست و "چپ" در هر سه دوره انقلاب بپردازیم:

**دوره اول** لازم بود که کمونیستها به افنا و طرد بورژوازی لیبرال پرداخته و ما هیت ضد انقلابی آن را برای توده ها افشاء می کردند. از خرد بورژوازی مرفه سنتسی حمایت مشروط کرده و او را تا آنجا می که نسبت به انقلاب وفا - داری نشان میداد مورد حمایت قرار داده و با افشای نا پیگیریها و سازش - کاریا یش در میان توده از در غلظیدن او بهدما ما ن بورژوازی لیبرال - انحراف جنبش در حد توان خویش تا شیری گذاشتند. جنبش طبقه کارگر را جدا از جنبش دموکراتیک و فدا میریا لیستی خلق ندیده و از فدا ن حزب طبقه کارگر و همزبونی آن بر جنبش خلق بهر ها کردن و نقی این جنبش نمی رسیدند. بلکه با توسعه هر چه بیشتر فعالیت تبلیغی و رویزیونیستی و دمکراتیک، جنبش طبقه کارگی را تا پیش خویش در انقلاب دمکراتیک و فدا میریا لیستی آگاه می کردند و با تلاش پیگیر در امر تشکیلات دهی طبقه کارگر در حد توان خویش به استقلال سیاسی پرولتاریا در انقلابیاری می رساندند.

در این دوره گرایش راست از موضع ولنی با یک ما هیت مسئله افشاء و طرد بورژوازی لیبرال را ندیده گرفت و بدون توجه به لزوم تکیه بر سیاست و شعارهای خاص طبقه کارگر و تلاش عملی در ایفای وظایف کمونیستی به دنباله روی از خرد بورژوازی مرفه سنتسی و حتی بورژوازی لیبرال می رسید و عملاً توده ها را به دنبال بورژوازی می کشاند:

"گرایش راستی که رفقای فدائی با پیروی از سیاستها و تمایلات بورژوازی لیبرالی و رویزیونیستی خروشانی، با تبلیغ شعارهای "سر دنیا دیکتاتور" و "حاکمیت خلق" در مقابل شعارهای دموکراتیک پرولتاریائی "جمهوری دموکراتیک خلق..." و لزوم همزبونی طبقه کارگر با انقلاب دموکراتیک و ایجا د حزب طبقه کارگر و... به دنباله روی از خرد بورژوازی و بورژوازی لیبرال سرگرم بود.

۲- گرایش راست به رغم فسخی اتحادیه کمونیستها، که از دقتناسیم روشنگرانه و لگوسازی از انقلاب عین و با تمایل و نا نیریدیری از رویزیونیسم شویا (سججانی) منتهای گرفت، با حمایت سرنا بهداری وابسته ایران را با سیاستها مستحرم ندیده و نوال چپ اشتباه گرفته و بهد حمایت مشروط از بورژوازی لیبرال خیانت پیشه می زد، و از اینرو علیرغم آنکه در حرف حمایت از جمهوری دموکراتیک خلق و با شعار ایجا د

## توضیح

مادرمقاله "زیگزاگهای ضد انقلاب و..." در مجله پیکار شماره ۲۴ به بررسی گرایش "چپ" ما رفقای راه کارگر در کنار اردوستان ایورونیست "حزب کمونیست کارگران و دهقانان" ذکر کرده ایم که این بهیچوجه بمنهای هر دیکتاتور را در رفقای راه کارگر با این داروستان ایورونیست نیست.

(۱) - دیدگاهی که در میان ما سفند ما ۵۶ (بسیار به انقلابیون دمکرات و کمونیستها انقلابی...) بخش منتهای ما زمان ما همدین خلش آنگار بود که در اطلاعیه مهر ۵۷ بخش منتهای س.م.خ. مورد نقد قرار گرفت.

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

در این دوره که هیئت حا کمه دست بد تا کتیک سرکوب خا ثنا نه خلق کرد  
زد طی مدت اجرای این تا کتیک از طرف هیئت حا کمه گزاینات راست  
عمدتاً در بر خورد با هیئت حا کمه کمتر خود را نشان میدا دولوجه های آن  
بیشتر در بر خورد به حزاب و جریا نهی سیاسی بورژوا و خرده بورژوا خود  
را می نما یا ندوگرا بش "چپ" هم از این تا کتیک هیئت حا کمه بیشتر

● شکل و نحوه برخورد "تحا دبه کمونیستها" صرفنظر از شکل گیری  
روشنتر نما یز سیاسی وایدئولوژیک میان ما و آنها ، نمی تواند از  
بروزا اختلافات عدیده ای بر سر مسائل مربوط به وحدت جنبش  
کمونیستی که در "کنفرانس وحدت" شکل گرفته است ، جدا باشد .  
همچنانکه از تا ثیرات برخی سنتهای انحرافی و روشنفکرانه رایج  
در خارج کشور ، که مبادرزه ایدئولوژیک را بمانا به ازاری درجهت  
بر آورده اسختن تا یلات گروھی و فرقه ای و روشنفکرانه و تبدیل آن  
به وسیله ای برای رقابت با دیگر نیروها تلقی میکنند ، سنتی که  
"تحا دبه" بدان وابسته است ، جدا نیست .

حا کمیت فاشیسم را بر ایران نتیجه می گرفت . با ندا و مبحران انقلابی  
جا معه و شکست سیاسی نظمی هیئت حا کمه در سرکوب نظمی خلق کرد و  
عواقب سیاسی آن تفا ده ای درون هیئت حا کمه نیز تشدید شد ، با انتخاب  
تا کتیک جدید و اجرای آن به استکا رجنا ح خرده بورژوازی مرفه ستسی ،  
گرایش را بیت خود را بطرز سیاسی ربرجسته ای نمودا رساخت و رویزیونیستی  
خا شن حزب توده ای خا ثنا نه در مرکز گردا بی خدا نقلا ب ویرا کندن سموم  
ایدئولوژیک خویش بیش از پیش فرمت را غنیمت شمردند .

گرایش راست در اشکال مختلف هجوم خود را آغا ز کرد . با استدلال -  
های کودتا ی "خدا میریالیستی" خرده بورژوازی مرفه ستسی علیه جناح  
بورژوازی ارتجاعی هیئت حا کمه ، بازگشت ما مبه خط خود و ... حرکت  
اخیر هیئت حا کمه را خدا میریالیستی و مترقی ارزیابی کرده و مورد حمایت  
قرار دادند . گرایش راست از آنجا که پیوستن خرده بورژوازی مرفه ستسی  
را به صف خدا نقلا ب تشخیص نمی دهد ، یگانا نه شدن قدرت دوگانه را نمی -  
بیند و هنوز هم برای خرده بورژوازی مرفه ستسی ارگان مستقلا قائل است  
که اگر (ز قیامتا مردا دما ه) این ارگان مستقل در کمیته های امام داد  
گاه انقلاب و ... متجلی بود ، حالا در "مرجعیت" شیعه و یا حوزه علمیه  
قم متبلور شده است ! بدین گونه افسا نه "کودتا ی خدا میریالیستی خرده -  
بورژوازی مرفه ستسی علیه بورژوازی لیبرال و ارتجاعیون دا خلگی"  
بردا خسته میشود و تغییر تا کتیک هیئت حا کمه اسکا س یک جا نبه خودا در  
میان گرایشات راست بصورت دنیا له روی آنها زبورژوازی می یا بد .

گرایش "چپ" نیز با ندیدن تفا ده ای فاحش جناحهای مختلف  
هیئت حا کمه ، میان آنها وحدت و همگونی کامل دیده و در مقابل تا کتیک اخیر  
هیئت حا کمه آنرا توطنه ای از پیش تعیین شده توسط امیرالیسم ارزیابی می کند .  
و یا در شکل دیگر خود که از آغا ز بسدا ز قیام خرده بورژوازی مرفه ستسی  
را یکه تا ز سر کرده هیئت حا کمه می دیدا درک شبه تروتسکیستی خود از  
فا شیسم ، رژیم جمهوری اسلامی ایران را یک حکومت فاشیستی تمام عیار  
و سمبل "ارتجاع فاشیستی" می خواند و همچنانکه با قائل اوژا میر -  
یالیسم ایران "سخن می گفت حالا او هم از "فا شیسم ایران" سخن میگوید .

توده ها در سازش با بورژوازی و سیستم وابسته با میریالیسم ، شرکت فعال  
در سرکوب خا ثنا نه کارگران ، خلقها و ... نیروهای خدا نقلا بی شده و بسا  
ما نمی در پیشرفت انقلاب دمکرا تیک و خدا میریالیستی توده ها تبدیل  
گردیده اسخت .

با مثلا در انقلاب بورژوا - دمکرا تیک فوریه تزاریم ، ارتجاع و  
بورژوازی لیبرال (کا دتیا) خدا نقلا بود ، در حالیکه در انقلاب اکتبر  
بورژوازی ارتجاع و دهقانان میانها حال خرده بورژوازی میانها  
(منشویکها و اس - ارها) خدا نقلا بودند ، بلشویکها در این مرحله  
منشویکیا و اس - ارهای خدا نقلا بی را بعنوان نما یندگان دمکرا سی  
خرده بورژوازی خدا نقلا بی افسا و منفرد میگردند . حال آنکه پس از پیروزی  
انقلاب اکتبر در سالهای ۲۰ - ۱۹۱۹ پرولیتا ریا بسمت دهقانان میانها حال  
سمتگیری نمود و برای خاتمان سوسیالیسم به "تحا دمستحکم" با دهقانان  
متوسط دست زد .

این مطلب نشان میدهد که بسا خدا نقلا بی شدن یک نیرویولزوماً به  
مفهوم ضد خلقی شدن آن نیست . برای روشنتر شدن مسئله به جزوه "پیرا مئون  
مقاله ای از ارگان بیوند" (دسا منبر ۱۹۰۶) از نشین و حول لنستیم فصل  
استرا حزی و تا کتیک از اساتالین میتوان مراجعه کرد .

از مردم و طبقه کارگری خواهد که تا هی در پشت سر دولت لیبرالها و  
کمپرا دورها وگا هی در پشت سر ارگانهای خرده بورژوازی مرفه ستسی  
جمع شده و بقایای ارتجاع محمدرضا شا هی را درهم کوبند !  
رویزیونیسم سه جانی نیز همان را هی را میرو د که رویزیونیسم  
خروشقی می رود . اما و علاوه بر آن که خلق را به حمایت از رژیم برای  
نا بود کردن بقایای ارتجاع محمدرضا شا هی دعوت میکنند در سلو حه این  
بقایا" سوسیال امیرالیسم شوروی را نیز قرار می دهد .  
گرایش راست از موضعی دیگر از کمونیستها می خوا هد که در کمیته های  
امام زدا خل نفوذ کنند و بدون در نظر گرفتن نوسانات شدید خرده بورژوازی  
مرفه ستسی میان انقلاب و خدا نقلا ب در این دوره ، این ارگانها را بجای  
ارگان های دموکرا تیکم انقلابی گذاشته و بدین سان کمونیستها را به  
دنیا له روی از آنها فرامی خواند .

گرایش "چپ" از همان ابتدا قدرت را بصورت یگانا نه می بیند و  
بدون توجه به نتایج سیاسی قیام و آرایش جدید نیروهای سیاسی همان  
هیئت حا کمه پیشین را با تغییری جزئی در قدرت می بیند و با در شکل دیگر  
ارزیابی از قدرت آن را ارگان خرده بورژوازی مرفه ستسی که ارتجاعی  
شده است می نامد .

با راه ای از گرایشات شبه تروتسکیستی دیگر از طریق معا دلالت دیگر  
بهمین نتیجه می رسند . یکی اصولاً آیت الله خمینی را نما ینده فتو ا ل -  
های دا ندو بدین طریق با یه "ارتجاعی" و را پیدا می کند ، و دیگری اگر -  
چه می پذیرد که ا و نما ینده خرده بورژوازی مرفه ستسی است ، ولی مطرح  
میکند که ا و به محض رسیدن به قدرت نما یندگی این طبقه را از دست داده و  
بصورت نما ینده بورژوازی کمپرا دور در آمده است !

شکله ای استدلال مختلف است ولی نتیجه گیری عملی آن یکسان  
است : "خرده بورژوازی مرفه ستسی ارتجاعی و ضد خلقی است ."  
بدین ترتیب گرایش "چپ" نوسانات خرده بورژوازی مرفه ستسی  
را ندیده و با ارتجاعی ارزیابی کردن و یا کمپرا دور خواندن آن ، او را  
با سرعت بیشتری بسمت خدا نقلا ب هل می دهد . کاری که گرایشات راست  
با دنیا له روی زبورژوازی لیبرال و یا خرده بورژوازی مرفه ستسی بسا  
شیوه دیگری تکرار می کنند .

**دوره سوم** ، یعنی پس از تلفیق "شورای انقلاب" در دولت و  
یگانا نه شدن قدرت دوگانه (ارگان قدرت خرده بورژوازی مرفه ستسی و قدرت  
دولتی لیبرال - کمپرا دورها) هیئت حا کمه رژیم جمهوری اسلامی ایران  
تشکیل می شود که همونی آن با لیبرالهای مترجع شده است اگر چه خرده -  
بورژوازی مرفه ستسی نیز همرا ه با بورژوازی کمپرا دور غیر بوروکرات  
سابق در این هیئت حا کمه شرکت دارد ، که همگی در سرکوب انقلاب اشتراک منافع  
دارند . خرده بورژوازی مرفه ستسی علیرغم خرخش خدا نقلا بی اش در این  
دوره ضد خلقی شده است (۲) بدین ترتیب توده ها برای تحقق آرمان  
انقلابی خود بدون هیچ شکی ناگزیر از سرنگونی هیئت حا کمه ای که بصورت  
مانع بزرگ رشد انقلاب در آمده و برای حفظ سلطه سرما یه و لزوماً بقسای  
سیستم سرما یه داری وابسته به امیرالیسم مسلحانه رود زوری آنها ایستاده  
است ، هستند . امری که در درجه اول به شکسته شدن توهنات توده ها و  
خوشبای آن ها بدو عده و وعیده ها و "الوهیت" این رژیم بستگی دارد .

(۲) - در اینجا لازم است که تفاوت میان ارتجاع و یا ضد خلقی را با ضد  
انقلاب روشن سازیم ، ارتجاع یا ضد خلق عبارت از آن نیروی طبقه ای  
است که در مرحله انقلاب (دمکرا تیک یا سوسیالیستی) بلحاظ موقعیت عمینی  
اش در ساختار اقتصادی - اجتماعی مدافع مناسبات کهنه بوده و مانع رشد  
نیروهای مولده است . حال آنکه خدا نقلا ب شامل آن نیروی طبقه ای نیز  
هست که در زمان اعتلا انقلابی مانع رشد نیروهای انقلاب و تحول انقلابی  
است . ارتجاع خدا نقلا ب همست ولی نیروی خدا نقلا بی لزوماً ارتجاعی  
نیست ، ارتجاع نما ینده سیاسی مناسبات کهنه است و سرنگونی آن هدف  
استرا تژیک انقلاب است ، حال آنکه نیروی طبقه ای که تحت شرایط  
مشخص بلحاظ پرا تیک و موقعیگیری اش در مباحث رز د طبقه ای برای نا بودی  
انقلاب از طریق منحرف کردن و بسا زش گنا ندن آن تلاش میکند خدا نقلا بی  
بوده و یا پدیداری تحقق هدف استرا تژیک مرحله انقلاب شورویا ی ضد  
انقلابی آن را سستی کرده و او را منفر د اسخت .

مثلا خرده بورژوازی مرفه ستسی علیرغم موقعیت اقتصادی اش در  
ساخت سرما یه داری وابسته و تشارفی منافعش با این ساخت تحت شرایط  
مشخص یعنی در دوره دوم انقلاب کثونی ما بلحاظ پرا تیک سیاسی و موقعیگیری  
در مباحث رز د طبقه ای جا سمه (شرکت در هیئت حا کمه ، تلاش در بدین حال گنا ندن



(اگرچه در واقعیت این چنین قرار داده می شود و ما دی و خارجی نداشتیم) داخل برانتز از تحقیقات) ولی با دیدن کیدکنیم که این نیروها طمانه از حرکت خدا میریایستی مردم پشتیبانی کرده و بر آن دمیده است و در صورت تمسک و گسترش این مبارزه و تشبثات امیریا لیسیم با نیروهای انقلابی همگامی خواهد کرد". (حقیقت شماره ۴۷).

● "حقیقت" درک آلوده به گرایشات رویزیونیستی و لیبرالی خود را که ریشه در دکما تیسیم فکری و درک الگوسازانه آنها از انقلاب چین دارد، در آنجا که قیاس مع الفارق میان شرایط جامعه ایران و کشورشیلی و همچنین حکومت ملی آلوده و رژیم ضد خلقی ایران می کند، بروشنی بنمایش می گذارد (و به همین لحاظ) از شورای انقلاب می خواهد تا از تجربه شیلی بدرستی درس بگیرد!

"حقیقت" در تقسیم بندی های خود، "اتحادیه کمونیستها" را در زمره آن نیروها قرار می دهد که اتفاقاً از نظریه های یک وجه مشترک مهم نیز دارند، همه آنها نسبت به قدرت سیاسی و خمینی، دارای توهمات و افکار لیبرالی هستند! و آب تظہیر بر ما هیت بخشی از هیئت حاکمه می ریزند. "حقیقت"، "اتحادیه" را در کنار نیروهای دموکراتی قرار می دهد که به سبب سیاست لیبرالی خودخواهان اینجا دیک جبهه و احاد انقلابی خطا ما خمینی هستند. اما گفتار فوق نشان می دهد "اتحادیه" هنوز بطور مشروط پیرو "خط انقلابی" اما "است تا این خط را" تمسک دهد. "حقیقت" درک رویزیونیستی خود را از نتایج تغییرات اخیر در ترکیب و سیاست هیئت حاکمه چنین توضیح می دهد:

"بورژوازی لیبرال و ناسیونالیست با زرگان که بسیار از انحصار طلبی شکوه و شکایت میکنند ولی خود در قیافه کردن و انحصار قدرت سرآمد است، ۹ ماه تمام خرده بورژوازی را بر علیه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی تا از دو جهت اصلی مبارزه را منحرف ساخت. ولی با افتادن جبهه مبارزه بر روی خط ضحیح، ضربه های درخور دریافت داشت". (حقیقت شماره ۴۷).

بدین ترتیب "حقیقت" برای این نظریه که ولا جنبش انقلابی بوده ها و "مبارزه" آنها تاکنون (در این ۹ ماه) در جهت غیر "مسیحی" حرکت می کرده است و سمت انحرافی داشته است، اما با به خود آمدن بخشی از خرده بورژوازی (که البته در هیئت حاکمه هم سهمی از قدرت دارد) که تا آن زمان اسیر دست بورژوازی لیبرال بود و کماندن جهت حرکت توده ها به مسیر درست "فدا میریایستی" و "دمیدن" در این مبارزه، توده ها را از افتادن بیشتر در ورطه مبارزه انحرافی و "مسیحی یاری رساننده است!" و ثباتاً، در نتیجه این "خود یاری" خرده بورژوازی، و قرار گرفتن در مسیر صحیح مبارزه، بورژوازی لیبرال از گردونه قدرت بدور افتاده و "ضربه های درخور دریافت کرده است!"

این درک "حقیقت" از نتایج تغییرات و تحولات کنونی که در اثر آن در چهار چوب یک سیستم حکومتی، چند مظهر دستخوش جا بجا می شوند و برخی از مهمترین مظهرها (نظیر بازرگان) نیز از روی صحنه (دولت) به پشت صحنه (شورای انقلاب) می خزند، بعلاوه آن استنباطی که از مواضع خرده بورژوازی ارائه می دهد، مبتنی بر اینست که "جناح خرده بورژوازی" که بوسیله جناح غیر دور اندیش (بورژوازی لیبرال - ملی) "گول خورده بود، اکنون به حرکت قبلی خود بازمی گردد و در مسیر حرکت و مبارزه توده ها قرار می گیرد، مجموعاً نمی تواند تا شیرات خود را در برخورد این نیرو بد انقلاب ایران، باقی نگذارد:

"انقلاب ایران پس از یک پیراهه ۹ ماهه که از برکت سرکشی کار می محافل بورژوازی، جارجونجال ارتجاعی دسته های معینی از روحانیون مشروعه جی و با دخالت عمال ماسکدار رژیم سابق و فرماندهان ارتش حاصل گشته بود، اکنون می تواند دوباره راه و مسیر ملی تکامل خود را باز یابد". (حقیقت ۴۷).

تنها چیزی که حقیقت از تصریح مستقیم آن چشم پوشیده است این است که بگوید این بیماری "مسیر اعلی تکامل" "انقلاب"، تحسنت عبری داهیا نه خرده بورژوازی بخود آمده و در برابر آن آیت الله خمینی صورت می گیرد!

پنجمه در صفحه ۱۹

سلاح می کنند و آنها را یکجا بدامن خدا انقلاب می افکنند. خدا انقلابی که فردا، فردا می نه چندان دور ما بنده دیروز، بحکم منطق طبقاتی و قوانین اجتناب ناپذیر تکامل مبارزه طبقاتی، بسیج و تجدید قوای کنونی را به بسیج و شجاعتی آشکار بر علیه جنبش انقلابی جامعه، انقلابیون و کمونیست های ایران تبدیل خواهند نمود، آنها را "امریکا" می قلمداد خواهد کرد و دستور "جها دبا کفار" را برای سرکوبی آنان مجدداً صادر خواهد نمود.

"حقیقت" درک آلوده به گرایشات رویزیونیستی و لیبرالی خود را که ریشه در دکما تیسیم فکری و درک الگوسازانه آنها از انقلاب چین) با تمام تناقضاتی که در جریان پیدا کرده این الگوها در شرایط ایران دچارش می شوند و بعداً آثارشان را خواهیم داد) دارد، در آنجا که قیاس مع الفارق میان شرایط جامعه ایران و کشورشیلی و همچنین حکومت ملی آلوده و رژیم ضد خلقی ایران می کند بروشنی به نمایش می گذارد. "حقیقت" از "شورای انقلاب" می خواهد تا از تجربه شیلی به درستی درس بگیرد! و تا راحتیش فقط این است که چرا "شورای انقلاب" از این تجربه درس "نادرست" و غلط می گیرد. و بدین جهت میگوید تا با برخوردی غیر طبقه ای، او را وادار به "پند گرفتن" نماید:

"چندی است که دولت و شورای انقلاب و مواضعی تللیفا تش شان مرتباً تجربه شیلی را بر رخ ملت ما می کشند. اما متأسفانه در سبب این نادرست و رهنمودهای سراپا اشتباهه میز به مردم ما از این تجربه تلخ می دهند. " (تاکید از "حقیقت"، مقاله "از تجربه شیلی بدرستی درس بگیریم" حقیقت شماره ۴۷).

این درک غیر طبقه ای و رویزیونیستی در برخورد به خرده بورژوازی مرفه سنتی و ناسیونالیست سیاسی - فکری آنها، بخصوص آیت الله خمینی، نیز خود را این چنین نشان می دهد:

"حتی اختلاف بین شورای انقلاب و دولت از یکسو و آیت الله خمینی از سوی دیگر در رابطه با مبارزه با امیریا لیسیم کاملاً عیان است" (انظر حقیقت آبا بجز آیت الله خمینی، دولت و شورای انقلاب هم با امیریا لیسیم "مبارزه می کنند؟!)" - (تاکید از ما ست - "حقیقت" شماره ۴۷).

"حقیقت" نمی تواند درک کند که آیت الله خمینی، بعنوان برجسته ترین رهبر روحانی وابسته به جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی، جزئی مشورت از هیئت حاکمه ایران است و نه جدا از آن. در طی دوره چند ماهه حاکمیت اینان، تمام عملکردها و سیاست ضد خلقی دولت با زرگان و شورای انقلاب، مانند لشکرکشی به کردستان و سرکوب ظلیق دلاور کرد و...، با تکیه و گناه به ابتکار او صورت گرفته است و می گیرد، اما "حقیقت"، با جدا کردن این عناصر ایمن جناح از مجموعه هیئت حاکمه، و با جدا کردن هیئت حاکمه به دو بخش خوب و بد، آب تظہیر بر عملکردها و سیاستهای فدا انقلابی این بخش - بخش "خوب" قدرت حاکم - می ریزد.

"حقیقت" در شرایط با دست بندیهای موجود در جنبش انقلابی و جا بجا خود چنین می گوید:

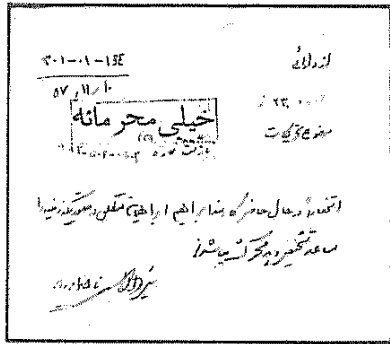
"... نیروهای انقلابی چون سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز، خود را تشویق به بیرو خط امام و برخی از نیروهای چپ مانند اتحادیه کمونیستهای ایران و... (آیا این دسته بندی در سیاست گذران "اتحادیه" در کنار نیروهای دموکراتی که در سیاست و برخورد خود نسبت به قدرت سیاسی و بویژه خمینی دچار توهمات لیبرالی هستند، قرار می گیرند، اتفاقی است؟) نه تنها این حرکت را تا کشید کردند، بلکه بدامن زدن این مبارزه در بین توده مردم نیز همت گماشتند این نیروهای انقلابی نه تنها از خواست بحق استرداد محمد زای جانی حمایت می کردند، بلکه بخاطر تعمیق و گسترش این مبارزه خواسته های اساسی چون افتا... را بمیان کشیدند." و "نیروهای دیگری که حاضر تجربه درونی روحانیت میباشند به زمامت و ناسیونالیستی آیت الله خمینی این حرکت خدا میریایستی را تا کشید کردند و لیکن خواسته اصلی خود را استرداد دشا خائن قرار دادند. این گفته ما را می توان از سخنان آیت الله خمینی برداشت نمود که مرا حتاً و قاطعانه هرگونه مذاکره و عقد قرار را در موکول به استرداد دشا کرده اند و نواظراً داشته اند که پس از آن در مورد قرار دادهای تصمیم گرفته خواهد شد" آنها می که سودا بران است" باقی خواهد ماند

ماسک آزادی خواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز از چهره آنان برداریم

### فرماندهان ضد خلقی در رأس کارها

با یگانه دریائی بوشهر :  
نام شماره ۱۶۴ - ۵۱ - ۳۵۱ که فتوکپی آنرا ملاحظه میکنید مربوط به یگان دریائی بوشهر (دارائی) می باشد که ۱۲ روز قبل از سقوط رژیم شاه در جوب بخشنا مه خدا اطلاعات پایگاه ۲۳۵ ز (که خدا اطلاعات پایگاه دریائی بوشهر) مشخص میگردد نوشته شده است و یکی از کارمندان پایگاه را بعنوان محرک به خدا اطلاعات معرفی می نماید .  
در سال ۵۷، چهار نفر از کارمندان، در اعتراض به اقدامات ضد انقلابی او استعفا می دهند و این امر پرونده مبارزات کارمندان و کزادشهای ناخدا یوسفی علیه آنان به ضد اطلاعات ثابت می نماید . رئیس دارائی

مذکور (ناخدا سوم یوسفی) هنوز در پست خود باقی است و به اقدامات ضد انقلابی خود علیه پرسنل مترقی و میهن پرستانش ادامه میدهد ، منتها این مرتبه طبق رهنمودهای چمران ومدنی !



### افشاء نکردن اسامی ساواکیها، بازی گرفتن خون شهداست!

کمیونست دایر بر افشای اسامی در رژیم گذشته واقعی تنها دلیل که خائنه آنها را "فدا انقلاب" ، "ما مل بیگانه" ... نامید . مردم ما هنوز فراموش نکرده اند که در مقابل افشای نام نیروهای انقلابی نسبت به امیران نظام این سرسپرده آمریکا ، چگونه با زرگان خائنه نهبه آنان تاخت وازجا سوس "سیا" با توصیفات بی چون و دوست "سی" ساله و بی نظیرترین دوست به حمایت برخاست .  
اما نیروهای انقلابی و توده های خلق بر عکس هیئت حاکمه از هر فرصتی برای افشای عوامل "سیا" و مزدوران امپریالیسم استفاده میکنند . و تهمت ها ، برجسب ها و فحاشی ها و تزییفات رژیم آنها را از ادا م حرکت صحیح و بحقشان با زخوها هداخت .

سندی را که در زیر ملاحظه میکنید دربارت رنده اسامی ۶ افسرو ۶ درجه دار است که از تیپ ۲۳ نوهده ساواک انتقال یافته اند . این سند در مقابل اسامی کار رژیم ساواک و عوام مل "سیا" دردست دارد همچون قطره ایست در مقابل دریا . ولی رژیم حاکم تا کنون ، یعنی در حالیکه بیش از ده ماه از قیام شکوهمند بهمن ماهی - گذرد در مقابل خواست بحق توده های میلیونی خلق سرخسختی و مقاومت بخروج داده و عملاً به امپریالیسم چنان یکتا آمریکا که بنشینم بر علیه آن شعار می دهد ، خدمت کرده ، این در حالیست که فقط در رابطه با ساواک اسامی ۴۵ هزار نفر اعضای آنرا (بقول بنی صدر) در دست دارند . هیئت حاکمه تنها به خواست خلق و امرا روتا کید نیروهای مترقی و انقلابیون

### مبارزه پرسنل لشکر ۹۲ اهواز با اطاعت کورگورانه

در حالیکه هیئت حاکمه با تبلیغات فراوان دم از مبارزه با امپریالیسم آمریکا میزند ، هر روز در گوشه و کنار میهنمان شاهد اقداماتی هستیم که بنحوی روشن فریبکاری و ریاکاری هیئت حاکمه را نشان میدهد . یکی از آخرین اقدامات ضد خلقی هیئت حاکمه در روزهای اخیر ، اخراج و دستگیری سرگرد "پرویز شاعر" و همچنین با زداشتن دیگر از پرسنل لشکر ۹۲ زرهی اهواز میباشد که جرم - شان سرپیچی از اطاعت کورگورانه و مبارزه با روابط و ضوابط ارتجائی ارتش میباشد . امرا و روسای سرسپرده ارتش که منتحسان مزدوری خود را در ارتش شاهنشاهی بخوبی پس داده اند ، امروز در مدتها هرگونه حرکت مترقی قیام نهار در درون ارتش سرکوب نمابند . ولی در مقابل این مزدوران ، پرسنل مبارز ارتش قرا ردا رند که دیگر حاضر نیستند کورگورانه تن به ضوابط ارتش شاهنشاهی بدهند .  
پرسنل مبارز لشکر ۹۲ زرهی اهواز طی اطلاعیه ای اقدامات ضد انقلابی امرا ارتش را افشا کرده و اعلام نموده اند که به همراه خانواده خود در حال تحصن هستند و از همه مردم و نیروهای مبارز خواستار پشتیبانی از مبارزات برحق خود شده اند .

بقیه از صفحه ۲۱  
گرمی داشت خاطر ...

از برای نشینیم و درفش خونینی را که ایمن رفقای شهید و دیگر شهدای بخون خفته خلق برافراشته اند ، تار سیدن به پیروزی کامل همچنان در اهتزاز نگه داریم .

۱۱) پیام گروه بنبر برای رها نشی طبقه کارگر :  
در قسمتی از پیام آمده است :

"در دوران سایه دیکتاتور - فاشیستی رژیم سرما بیداری وابسته و در سالهای که همه مصلحت اندیشان و محافظه کاران مذهبی ، همه نیروهای لیبرال و تسلیم طلب ، یا به حریص امن سکوت و سازش خیزیده و یا در پی انباشت توشه های از بس مانده های خونینمای امپریالیستی به تجارت و ایجاد کارخانه و گرفتن جواز کسب های دانشگاهی روی آورده و با لایحه عده - ای هم فارغ از مسئولیتهای خطیر انقلابی ، امید بر اندیشه و یادشولوزی پرولتاریا - حیثیت فروشی از قبل آن را وجه همت خود قرار داده و در رویاهای سیاسی خود در کافیه های رمانتیک و جنجال زده رویا دور می زدند .

آری در این دوره فرزندان آزاد و پر شور خلق ما آنگاه اگر دانش والای سیاسی نداشته ، اگر به اندیشه علمی پرولتاریا منظور که باید مسلح نبودند ، اگر بکلی از مومناات فرهنگی وایدئولوژیکی جا معطابق تنی منزله نبودند ، اما عشق به خلق را در شریان اندیشه و ذهن بسا تما محبت دارا نبودند ، از برای نشینستند و در ستیزی با امپریالیسم استبداد سلطنتی و با تسلیم امپریالیسمی بد مقام ایستادند ."

۱۲) در این مراسم پیامهای دیگری نیز خوانده شد . از جمله :

پیام عده ای از کارگران و زحمتکشان ساکن در اهواز ، پیام گروهی از کارگران پیکار و ...

در صورت تصویب برکت زور انشا فرماید .  
ماده ۲ دستور ۱۱۲ تیر ۲۶ تودند  
تعداد نفر اسرار ۶۰ نفر درجه داران مشروطه زیر از تاریخ ۲۵/۲/۷۶ تا شناسایی از پرسنل سابق به مساواک منتقل میگردد %

ردیف درجه ورسته	اسم و درجه ورسته	ردیف درجه ورسته	اسم و درجه ورسته
۱	سوربان بیاده	۲۶	گروه انکیه خابرات
۲	...	۲۷	...
۳	...	۲۸	...
۴	...	۲۹	...
۵	...	۳۰	...
۶	...	۳۱	...
۷	...	۳۲	...
۸	...	۳۳	...
۹	...	۳۴	...
۱۰	...	۳۵	...
۱۱	...	۳۶	...
۱۲	...	۳۷	...
۱۳	...	۳۸	...
۱۴	...	۳۹	...
۱۵	...	۴۰	...
۱۶	...	۴۱	...
۱۷	...	۴۲	...
۱۸	...	۴۳	...
۱۹	...	۴۴	...
۲۰	...	۴۵	...
۲۱	...	۴۶	...
۲۲	...	۴۷	...
۲۳	...	۴۸	...
۲۴	...	۴۹	...
۲۵	...	۵۰	...
۲۶	...	۵۱	...
۲۷	...	۵۲	...
۲۸	...	۵۳	...
۲۹	...	۵۴	...
۳۰	...	۵۵	...
۳۱	...	۵۶	...
۳۲	...	۵۷	...
۳۳	...	۵۸	...
۳۴	...	۵۹	...
۳۵	...	۶۰	...
۳۶	...	۶۱	...
۳۷	...	۶۲	...
۳۸	...	۶۳	...
۳۹	...	۶۴	...
۴۰	...	۶۵	...
۴۱	...	۶۶	...
۴۲	...	۶۷	...
۴۳	...	۶۸	...
۴۴	...	۶۹	...
۴۵	...	۷۰	...

مبارزه پرسنل لشکر ۹۲ اهواز با اطاعت کورگورانه

بقیه از صفحه ۴

مبارزه کارگران مبارزان استرویلر... روابط و روابط گذشته را احیا کرده و بساط استثمار رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جلاد را از نو پهن کند و همانطور که می‌گویند از عمل هر کسی با بی‌فهمی چندمرده حلاج است نه از حرف وی، اینها هم این مسئله مصداق دارد. سخن گفتن از مبارزه با امپریالیسم در

ظاهر و کوشش رذیلانه در جهت تثبیت حاکمیت سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم، بی‌انگیزه ماهیت هیئت حاکمه است و نشان می‌دهد که در مبارزه با امپریالیسم چندمرده حلاج است. نابود یا دسما به داری وابسته به امپریالیسم! هر چه مستحکم‌تر باد اتحاد و همبستگی طبقه کارگران!

توضیح: ما قصد داریم در ادامه مقالات قانون اساسی و موضع گیری نیروهای سیاسی به موضوع گیری نیروهای دموکرات مذهبی و برخی نیروهای چپ‌نیز برخورد کنیم و بدلیل اهمیت مسائل دیگر برخورد به موضع گیری این نیروها را به فرصت دیگری موکول می‌کنیم.

### خرم شهر = حرکت انقلابی و پیروزمندان کارگران بارنویس بنادر

کارگران شرکت بارنویسی بنا در از مدت‌ها قبل خواسته‌هائی داشته‌اند که با مقامات شرکت، فرماندار و رئیس اداره کار در میان گذاشته بودند ولی آنها هر بار بنحوی جواب رد داده بودند حتی یکبار رئیس اداره کار خرمشهر بیشتر مانع اظهار داشته بود. اگر شما توانستید به خواسته‌ها یگان دست یابید من سرخاب می‌مالم.

زحمتکشان بخشهای مختلف بندر (سندیگای کارگران ایران ترمینال، شورای کارگری خطوط کشتیرانی (سانسکو) و...) بصورت اعلام همبستگی ها ابراز زنده، از طرف دیگر موجب گردید کارگران بارنویس موفق شوند در تاریخ ۹/۲۱/۵۸ بعضی از خواسته‌های کارگران که در دو قسمت کوتاه مدت و دراز مدت طرح شده عبارتند از:

- الف - خواسته‌های کوتاه مدت
  - ۱ - پرداخت حقوق عقب افتاده
  - ۲ - همسطح کردن حقوق کارگران این شرکت با سایر شرکت‌های مشابه و...

در چنین وضعیتی شرکت از پرداخت حقوق نیمه دوم آبان تا اواسط آذر ماه طفره می‌رود و این موجب خشم هر چه بیشتر کارکنان این شرکت میشود. روزیکشنبه ۵۸/۹/۱۸ شورای کارگران برای آخرین بار به دفتر مدیریت عامل مراجعه و خواستار رسیدگی به خواسته‌ها از جمله پرداخت حقوق عقب افتاده کارکنان می‌شد ولی... همچنان مانده گذشته جواب رد می‌شوند. کارگران عموماً چایز سرخس و دست به یک اقدام تصمیم‌دانه و انقلابی می‌زنند. آنها مدیر عامل (شیروانی) را همراه دو نفر دیگر از مسئولین بنام "آخینان" و "معیل" به گروگان گرفته‌اند. با تحویل نا دبا ر می‌دهند ولی خیلی زود متوجه میشوند که مقامات قضایی کسی "چرا میان همین زانو برفتن نیستند. از این رو تصمیم می‌گیرند مجدداً گروگانها را تحویل گرفته و در صورتیکه نا دبا ر هم مخالفتی کرد و از تحویل گروگانها سر باز زد خود را ورا هم گروگان بگیرند. ولی نا دبا رجرات چنین کاری را نداشت و سه گروگان را تحویل میدهد. آنها سپس بیش از ۲۰ نفر کارکنان را نیز به ران نیز به این عده اضافه کرده همه را در ساختمان شرکت نگه میدارند. از این زمان به بعد تلاش فرماندار و مقامات برای فریب، تهدید و... شدت میگیرد. ولی وحدت و یکپارچگی کارگران از یک طرف و بی‌تنبلی و بی‌تکرمی ای که از جانب دیگر کارگران و

- ب - خواسته‌های بلند مدت
  - ۱ - رسیدگی بوضع اموال شرکت
  - ۲ - پرداخت کلیه سوابق کارگرانی که قبلاً در شرکت‌های گمشده اند.

روزیکشنبه از اعلامیه پشتیبانی "سندیگای کارگران ایران ترمینال" و بعضی از خواسته‌های آنان می‌آوریم: "ما ضمن محکوم کردن سیاستهای فد کارگری شرکت ایران ترمینال و ضمن اعلام خواسته‌های خود عمل انقلابی شما را که گروگانگیری تعدادی از سرمایه‌داران چیره‌خوار است تا شید و با تمام قدرت از آن پشتیبانی کرده و تا آخرین لحظه در کنارشان خواهیم بود."

- ۱ - محاکمه نقیب پور سیستانی بخاطر اعمال ضد کارگری بنادر
- ۲ - پرداخت ما به التماس و تصویب وزارت کار از اول فروردین ۵۸
- ۳ - بازگشت کلیه کارگران اخراجی به کار. مرگ بر سر ما به داران زانوصفت مستحکم باد صفوف کارگران

اساس خواست اکثریت کارخانه را ترک کردند. اما روز بعد وقتی کارگران بوزارت صنایع و معادن مراجعه کردند، با بی‌تفاوتی مسئولین وزارتخانه روبرو شدند. آنها که در ابتدا قول رسیدگی فوری داده بودند، اینک می‌گفتند: مسئله شما مسئله کارگران و کارخانه است و به وزارت کار مربوط می‌شود. به آنجا مراجعه کنید. کارگران خشمگین و آگاه تراز روز قبل نسبت به توطئه‌های عوامل ارتجاع و حاکمان سرمایه‌داری، به وزارت کار مراجعه کردند. ولی آنجا نیز آنها را اخلالگر نامیدند و از کار فرما دفاع کردند. کارگران خود را برای شخصی دیگر آماده می‌کردند که بدنبال شکایت عبیدی از کارگران به دادستانی بخاطر اشغال کارخانه و شکستن در، دو ماه مور از دادستانی به کارخانه آمده و خواستار محاکمه نمایندگان شدند. این دو ماه مور بیست‌ها دگردنده همه کارگران بجز ۵ نفر به سرکار بر گردانده تا در مورد این ۵ نفر تحقیق شود. کارگران در مورد پیشنهادهای رای گرفتند و بر اساس خواست اکثریت به سرکار ریخته شدند. اما پس از باز شدن مجدد کارخانه، با زور و خواسته‌های خود (بازگشت همه سرکار و ایجاد دشورا) پافشاری کردند. آنها حتی چند ساعتی نیز در کارخانه دست از کار کشیدند. سرانجام تحت فشار همبستگی کارگران نمایندگان دادستانی طی نشستی با حضور نماینده وزارت کار و فرماندار بنا جارقبول کردند که ۵ نفر دیگر را ریخته گردانند. کارگران این پیروزی مرحله‌ای خود را با خریدن شیرینی جشن گرفتند. این جریان روی کارگران قدیمی تا شیر زیادی گذاشته بود.

بعد از این پیروزی عبیدی دست به توطئه تازه‌ای می‌زند. وی کارمندان را که از مبارزات کارگران حمایت کرده بودند، اخراج کرده و با اختیاراتشان را محدود می‌نماید. عمل او با مخالفت شدید کارگران روبرو می‌شود. بطوریکه کارگران قسمتهای مختلف دست از کار می‌کشند. کارمندان چار دوباره عقب نشینی کرده و کارمندان اخراجی را به سرکار می‌گردانند.

پس از این پیروزی، کارگران با شور و ایمانی بیشتر به پیروزی نهائی طبقه کارگر شروع به کار کرده و تصمیم می‌گیرند برای تشکیل شورای واقعی خود، مبارزاتشان را ادامه دهند.

### پیروزی کارگران اخراجی و متحد کارخانه دکتر عبیدی

در یکبار شماره ۴۴ گفتیم که کارگران اخراجی کارخانه عبیدی طی مبارزات خود در کارخانه متحصن شدند. در زیر گزارش ادامه مبارزات آنها را ملاحظه خواهید کرد. پس از متحصن کارگران چند نفر از وزارت صنایع و معادن به کارخانه می‌آیند و طی سخنانی می‌گویند: "عمل شما نادرست و ضد انقلابی است

شما به خانه‌ها یگان بر رویه، نماینده‌ها دنبال کارتان را خواهند گرفت. وزارت صنایع و معادن هم به کار شما رسیدگی خواهد نمود و حتی اگر لازم بود، عبیدی را عوض خواهد کرد." کارگران تحت تاثیر حرفهای فریبنده آنها قرار گرفته و بدنبال شنیدن صحبت‌های موافق و مخالف نمایندگان و کارگران، پس از رای گیری بر-

فان ، مسکن ، آزادی



بقیه از صفحه ۳

"شورای انقلاب" با تصویب قانون سودویژه، اساساً قانونی استثنای-  
گرا نه است. تصویب و اجرای این قانون در زمان شاه خائن، هدفی جز تمهید برای سرکوب کردن و تحمیل فقر و فلاکت بر آنان، سرکوب کردن کاهش سود سرمایه داران زالوصف برگزیده گران و ایجاد درقاوت و دوستی در میان آنان نداشت است. شورای انقلاب، از آنجا که در مقابل کارگران ماقرار دارد، از ابتدا همان قوانین دوره خاندان پهلوی را که عامل خرابی میلیونها کارگر و حتمتکشان میهن ما شده بود به اجراء گذاشت. از جمله این قوانین، قانون سودویژه موصوبه سال ۴۱ میباشد.

اکنون دیگر اهداف رژیم شاه خائن از تصویب این قانون برکمی پوشیده نیست. رژیم پهلوی با تیردادن ختن قسمتی از دستمزد ماهانه کارگران و سپس برداشتن آن بنام "سودویژه" اهداف زیر را دنبال میکرد:

۱- با مشروط کردن سودویژه به میزان تولید، کاهش سود سرمایه داران بحساب کارگران، سرشکن میشد. اگر تولید بواسطه کمبود مواد اولیه، گسادی بازار، آتش گرفتن انبارها، بیدی کیفیت کالا و... کاهش می یافت، این کارگران بودند که کاهش سود سرمایه داران را می برداشتند!

۲- با مشروط کردن میزان سودویژه به اصطلاح "انضباط و بهره‌وری" کارگر، اختلافات میان کارگران را در آدامن میزدند و کارگران را رودر روی یکدیگر قرار می دادند و به این ترتیب به تشکل کارگران ضربه میزدند.

۳- با مشروط کردن سودویژه به میزان تولید، کارگران را وادار به افزایش تولید می نمودند و به این ترتیب میزان استثمار را افزایش می دادند و کارگران نسبت به تولید بیشتر، دستمزد کمتری دریافت می کردند.

۴- با برداشتن قسمتی از دستمزد کارگران به صورت "سودویژه" سرمایه‌های کارگران (نظیر حق اولاد، بیمه، اضافه کاری و...) چون بر مبنای دستمزد رسمی آنان پرداخت میگردد، میزان قابل توجهی کاهش می یافت.

۵- با ادعای اینکه کارگران با تصویب این قانون در سود کارخانه‌ها سهیم شده‌اند سعی میکردند بر تضاد کارگران و سرمایه داران سرپوش گذاشته، جلورشد آگاهی کارگران را سد نمایند.

۶- اکنون شورای انقلاب با تصویب این قانون قانونی، همین اهداف اساسی را دنبال میکند! و این هنوز تمام قضیه نیست. طبق قانون جدید سودویژه:

۱- سودویژه بر اساس آخرین پیمان دست جمعی کارگران و سرمایه داران پرداخت می گردد و در صورت نبودن این پیمان، برای پیمان دست جمعی کارخانه‌ها مشابیه عمل میشود. این بدان مفهوم است که شورای انقلاب پیمانهای را به رسمیت میشناسد که ما بین کارفرمایان سابق و نمایندگان سابق کارگران منعقد شده

است! یعنی تمام اجازات و کلاه برداریهای که توسط عوامل مزدور کارفرمایان بنا شده است، بندگان کارگران انجام میشده، ناشد شده است. (بد نیست بدانید که حداکثر سودی که طی سالهای گذشته به کل کارکنان موسسات تولیدی پرداخت میشده ۳٪ الی ۴ درصد سود موسسات بیشتر نبوده است) یعنی شورای انقلاب، شوراها و سندیکاها را (بویژه اینکه تعدادی از این شوراها و سندیکاها، واقعی میباشند) به رسمیت نشناخته، نمیخواهد که پیمانهای دست جمعی جدیدی بین کارگران و سرمایه داران بسته شود، زیرا این خود زمینه دیگری برای گسترش مبارزات صنفی-سیاسی کارگران است. با این ترتیب است که شورای انقلاب قصد دارد و میخواهد که همگان شرایط فلاکت باری را که کارگران قبل از قیام داشتند، به آنها تحمیل کند. همان قوانین، همان شرایط، همان سندیکاها، همان پیمانها و همان استیما را این است منطبق شورای انقلاب بدین ترتیب شورای انقلاب سعی میکند دستاوردهای قیام را از چنگ کارگران بیرون آورد و در این راه از حقوق صنفی کارگران هم نمیگذرد!

۲- سودویژه کذا می شورای انقلاب حسی از همان سودویژه دوره رژیم سابق نیز کمتر خواهد شد. چرا که میزان گرانی و رشد تورم چند ده درصدی طی یک دهه ساله اخیر و عدم افزایش دستمزدها متناسب با میزان تورم، بسیاری از رزق پول کاسته و قدرت خرید کارگران را بشدت کاهش داده است. بدین ترتیب قانون سودویژه شورای انقلاب، حتی قدمی به عقب نسبت به قانون سودویژه رژیم فدکا رگری قبلی است!

۳- شورای انقلاب تحت عنوان "مقررات جدید پرداخت سودویژه کارگران" همگان مقررات رژیم سرنگون شده قبلی را به اجرا درمیآورد. از جمله در بند "جدول ضمیمه آمده است: مالیات مربوط تا ۳۰۰۰۰ ریال حق - سهم معادل ۱۰ درصد است که بحساب شرکتیت تعاونی مصرف واریز میشود و نسبت به مازاد ۳۰۰۰۰ ریال مالیات به دارائی پرداخت می- میگردد."

ملاحظه میکنید که هیئت حاکمه فعلی دقیقاً با درجی پای رژیم قبلی میگذارد، بجای تا مین بودجه شرکتی و تعاونی از جیب سرمایه داران، این خود کارگران هستند که کما کما میباشند بودجه شرکت و تعاونی را تامین نمایند بدین ترتیب است که کماکان تمام بار ناشی از کمبود اجناس گرانی آنها و... بر دوش کارگران قرار میگیرد. این "شورای انقلاب" است یا "شورای فدائیانقلاب"؟!

۴- با محاسبه ساده‌ای میتوان دریافت که نسبت سهمی که به کارگران در مقابل مهندسان و کارمندان عالی رتبه تعلق میگیرد نسبت به سالهای قبل به مراتب کمتر است. توضیح اینکه جمع امتیازات اکتسابی یک کارگر ساده (که حداقل دستمزد و امتیازات با و تعلق میگیرد) طبق جدول پیمانه‌ای انقلاب، ۴۵ واحد است و این مقدار برای کارمندان و

مهندسان عالی رتبه که حقوق آنها به ۱۵۰۰۰ تومان هم میرسد، بیش از ۱۷۵ واحد خواهد بود! یعنی بطور متوسط نسبت امتیازات استحقاقی یک کارگر ساده به یک مهندس در حدود یک به چهار (۴۵/۱۷۵) میباشد. (چون حقوق روزانه مهندسان عالی رتبه بیشتر از ۲۵۰۰ ریالی است که در جدول ذکر شده است) این امر نشان دهنده آن است که میزان پولی که به عنوان سودویژه به کارمندان و مهندسان عالی رتبه تعلق میگیرد، حدوداً ۴ برابر سود ویژه‌ای است که به کارگران ساده تعلق میگیرد.

۵- با توجه به اینکه کارگران بدلیل مشکلات فراوان زندگی خود همواره روزها بی‌کار و غیبت میکنند (و این در مورد مهندسان و کارمندان عالی رتبه صدق نمیکند) با زهم در میزان امتیازات استحقاقی کارگران ساده نسبت به مهندسان و کارمندان عالی رتبه از ۱/۴ هم تنزل کرده و موجب اجاف بیشتری به کارگران ساده و کل کارگران میشود. یعنی آنها که بیشتر دارند، در آترو آنها که وضع زندگی بسیار بدی دارند، فقیرتر خواهند شد! این است سیاست حمایت و پشتیبانی "مستغنیان" از طرف شورای انقلاب!

۶- مورد دیگری که در کارهای سودویژه کارگران موثر است، دزدیها، کلاهیها، اجازات و ساخت و پاخت و پاختهای کارفرمایان و ما مورین عالی رتبه وزارت کار و دولت است! بویژه در کارخانه‌هایی که شورا یا سندیکای کارگران، نظارتی بر امر خرید و فروش کالای کارخانه ندارند، روی شورا و سندیکای کارخانه قلابی و فدکارگری است، امکان اجازات بر کارگران بیشتر می شود. کارفرمایان می توانند انواع حیلها در قراردادها و قبلی دست برده، میزان کل حق السهم سود ویژه را پاشین آورند.

کارخانه‌هایی که شورا یا سندیکای کارگران نظارتی بر امر خرید و فروش و کالای کارخانه ندارند روی شورا و سندیکای کارخانه قلابی و فدکارگری است، امکان اجازات بر کارگران بیشتر میشود. کارفرمایان میتوانند انواع حیلها در قراردادها و قبلی دست برده، میزان کل حق السهم سودویژه را پاشین آورند

۷- در بند "جدول ضمیمه این قانون آمده است: "در مورد سرپرستان و مدیران، منحصراً مدیرعامل امتیاز کارآیی را اعطا میکند. این بند نیز ناقص حقوق کارگران میباشد. با این بند "شورای انقلاب" می فهماند که شورا یا سندیکای واقعی کارگران حق نظارت بر امر تولید ندارند و نحوه رفتار سرپرستان و مدیران و تعیین امتیاز کارآیی آنان ندارند. بسیار دیده شده است که مدیران و پیا سرپرستان به تولید آشنا نمی باشند و کار نمیکنند، بلکه فقط برای کنترل رفتار کارگران و برای اصطلاح حفظ نظم کارخانه‌ها رده میشوند و عملاً بصورت جاسوس و مزدور کارفرمایان درمی آیند.

سندیکای شورای کارگران، حق دارد بر تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه و

تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه و

تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه و

تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه و

تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه و

تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه و

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بومدیریت کارخانه میباشند

موسسه‌ها سخدا مدبران و سرپرستان جدید ویر نحوه مدیریت کارخانها موسسه نظارت و کنترل کنند.

بنا بر این از بررسی قانون سودویژه محوبه شورای انقلاب نتایج زیر حاصل می‌شود:

**الف** - اساس تصویب این طرح عملی ضد انقلابی و ضد کارگری است. زیرا ما هیت این قانون و هدف آن چیزی جز استئمان هر چه بیشتر کارگران و ضربه زدن به مشکل و مبارزات آنان نیست.

**ب** - هیئت حاکمه بتمام قوانین و قرار دادهای رژیم قبلی متکی شده است. از این لحاظ اساس تعیین میزان سودویژه طبق این قانون نادرست است و نمیتوان آنرا پذیرفت.

**ج** - میزان ۱۰٪ مالیات مطابق همان قوانین رژیم سرنگون شده قبلی است و قابل پذیرش نیست. سرمایه شرکتها و تنای با بد از جیب سرمایه داران تا منین شود.

**د** - رژیم اساس و ما هیت شوراها و سندیکا های واقعی کارگران را مورد سوال قرار داده است. زیرا اولاً در تعیین میزان صلاحیت مدبران و سرپرستان، شورا و یا سندیکا واقعی

کارگران هیچ نقش مشورتی و کنترل ندارند و ثانیاً به سندیکا های جدید حق بستن پیمانهای جدید سودویژه را نداده است.

با توجه به مسائل بالا، نتایج عملی زیر بدست می آید:

**۱** - در آینده، قانون سودویژه عبارت از قانونی کردن استئمان کارگران است با بد لغو شود و میزان حداقل دستمزد کارگران مطابق هزینه متوسط زندگی یک خانواده ۵ نفری تعیین شود و افزایش یابد.

در حال حاضر با بدجهت در مبدی زدستمد وجه بر حسب چند ماه از دستمزد (حداقل ۵ ماه در سال) میزان سود را برای کارگران در نظر گرفت.

**۲** - با بدترتیبی اتخاذ شود که سودویژه کارمندان و مهندسان و سرپرستان، بر عکس میزان حقوقشان افزوده گردد. و میزان آن حداکثر ۱/۵ برابر مبلغ سود یک کارگر ساده بیشتر نباشد.

**۳** - با بد تمام فرایمی که بنام "امتیاز کارایی و تقلیل هزینه ها و ضایعات و انضباط محسوب میشوند از تعیین سودویژه حذف گردند.

**۴** - مالیات از سودویژه نینا بدکسر گردد.

بودجه شرکت تنای با بد از جیب سرمایه داران تا منین گردد.

**۵** - ضریب عیبیت با بد از ضریب برداشت سود ویژه محو گردد.

### رفقای کارگرا!

قانون سودویژه محوبه رژیم شاه، که شورای انقلاب، بدان محدود شده است. قانون استئمان امیریا لیستها، سرمایه داران وابسته و سرمایه داران تا زه بقدرت رسیده از کارگران است!

بعدا ز کوششهای فراوان هیئت حاکمه مبنی بر برپرداختن سودویژه به کارگران، تحت فشار روزافزون کارگران و در مجموع گسترش مبارزات فدا امیریا لیستی - فدا رتجای توده های زحمتکش خلق ما، هیئت حاکمه اقدام به عقب نشینی نموده گذشتهای کوچک برای حفظ اساس حاکمیت خویش، راضی شد.

درکنار برپرداختن سودویژه گذاشتی به کارگران، درکنار رمانا دره جباری اموال تعدد معدودی از سران و خنخوا رژیم قبلی، درکنار اقتای عنا مرتدورو سرسیده آمریکا نظیر امیرا نظام، درکنار برپرداختن سروصدای زیاد دی دریا ره مبارزه با ملاح فدا امیریا لیستی هیئت حاکمه همچنان اقدام به سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان مبارز (کشتن علی اکبر رمضانی، کارمندان راه گداری را همنامی کشتن دونفر از ده کاران زحمتکش در جنوب پارک ملت) حمله به تظاهرات وسیع مردم در محمودآباد، اقدامات نواح تهدیدها از جمله تهدید چاهها، تنای که شریات انقلابی را چاپ میکنند، تهدید به سرکوب و حتی اعدام زحمتکشان - تنی که اقدام به مسادره زمینهای زمینسداران بزرگ و آبار رمانا و خانه های سرمایه داران وابسته میکنند، تداریک برای حمله مجدد به کردستان و برپرداختن جنگ خانمانسوز داخلی و تصویب طرح ضد خلقی "خودگردانی بجای خود مختاری" و بالاخره حفظ قرار دادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امیریا لیستیا ... مینماید. اینها نشان دهنده عقب نشینی - های محدود هیئت حاکمه در مقابل گسترش روزافزون جنبش توده ای از یک طرف، سرکوب جنبش توده ای تا آنجا که و هر آنقدر که نمیتواند از طرف دیگر مینماید.

هما نظور که کمونیستهای واقعی و نیروهای واقعا مبارزتا بحال با رها گفته شده (وبا رها در تجربه خود توده ها با ثبات رسیده است) رژیم حاکم نه میخواهد و نه میتواند به خواستهای بر حق توده های زحمتکش ما و در راستای آن کارگران پاسخ مناسبی دهد. طی این مدت، کشتار خلقها سرکوب کارگران، سرکوب دهقانان رنج دیده و فروتنان حركات اعتراضی کارمندان و سایر اقشار زحمتکش خلق ما، بخوبی ما هیت این رژیم رانشان داده است.

هما نظور که ما هیت قانون سودویژه و تصویب آن از شورای انقلاب نشان میدهد هیئت حاکمه میکوشد در مقابل فشار توده ای، حداقل عقب نشینی ممکن را انجام داده، حتی لامکان چیزی ندهد. کارگران آگاه میدانند که این عقب نشینی ما تا زمانیکه بین هیئت حاکمه در راستای حکومت مینماید محدود، موقتی و نایب است و هر دم امکان باز پس گرفتن آن مینماید. نشیبه در صفحه ۸



شنبه ۲۴ آذر ماه  
۱۳۵۸ - شماره ۱۶۰۸

## مقررات جدید پرداخت سودویژه به کارگران

جدول توزیع حق السهم کارگران در سال ۱۳۵۸

امتیاز مورد	تا ۱۰۰ ریال - روزانه ۲۰۰ ریال	از ۱۰۱ تا ۲۰۰ ریال - روزانه ۳۰۰ ریال	از ۲۰۱ تا ۳۰۰ ریال - روزانه ۴۰۰ ریال	از ۳۰۱ تا ۴۰۰ ریال - روزانه ۵۰۰ ریال	از ۴۰۱ تا ۵۰۰ ریال - روزانه ۶۰۰ ریال	از ۵۰۱ تا ۶۰۰ ریال - روزانه ۷۰۰ ریال	از ۶۰۱ تا ۷۰۰ ریال - روزانه ۸۰۰ ریال	از ۷۰۱ تا ۸۰۰ ریال - روزانه ۹۰۰ ریال	از ۸۰۱ تا ۹۰۰ ریال - روزانه ۱۰۰۰ ریال	از ۹۰۱ تا ۱۰۰۰ ریال - روزانه ۱۱۰۰ ریال
امتیاز مورد	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

امتیاز مورد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
امتیاز مورد	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

امتیاز مورد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
امتیاز مورد	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

امتیاز استحقاقی روزهای کارکرد هر کارگر جمع امتیازات اکتسابی هر نفر روزهای کار کارخانه در سال  
ارزش ریالی هر امتیاز = کل حق السهم حاصل  
کل امتیازات استحقاقی  
حق السهم هر نفر = ارزش ریالی هر امتیاز = امتیاز استحقاقی، هر نفر

بقیه از صفحه ۹

به رسمیت شناختن این سازمان بعنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین بویژه از این لحاظ اهمیت دارد که راه را بر توطئه گران می‌کوشد بنام خلق فلسطین سخن گویند و در زدوبندهای بین المللی همچون سادات و ملک حسین و... جهت نابود کردن آرمان فلسطین با دشمن وارد مذاکره شوند، می‌بندد.

## ۴- فتح جنبش آزادیبخش ملی فلسطین

آغازگر مبارزه مسلحانه فلسطین در اول ژانویه ۱۹۶۵ می‌باشد. پیش از این تاریخ مبارزات مردم فلسطین در راه بازگشت به میهن یا بیرون راندن دشمن از خاک فلسطین، بطور عمده شکل خود بخودی و سازمان نیافته داشت. قیمومت کشورهای عربی برای حل مسئله فلسطین امری تعیین کننده بود، یعنی مثلاً عبدالنصر و یا پادشاهان روسای جمهور کشورهای عربی درباره فلسطین تصمیمی گرفتند نه خود فلسطینی‌ها. از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۵ همین شیوه عقیم ادامه داشت و امپریالیسم همین را میخواست. چرچیل نخست وزیر انگلیس (در جنگ دوم جهانی) زمان گفته بود: "فلسطینی‌ها را چندسال در اردوهای آوارگان نگاه دارید، وطن از یادشان خواهد رفت." شروع مبارزه عامل مهمی در نقش برآوردن این رویای امپریالیستی بود.

الفتح خود در سال ۱۹۵۹ بوسیله عده‌ای از روشنفکران میهن پرست فلسطینی پایه گذاری شد و تا سال ۱۹۶۵ که جناح نظامی آن (عامه) مبارزه مسلحانه را آغاز کرد کمتر کسی از وجود آن اطلاع داشت. تا این سال، فتح توانسته بود حدود ۴۰ نفر را عضوگیری کند. در درون این جنبش ملی گرایشی مختلف ایدئولوژیک و طبقاتی وجود دارند. در این جنبش ملی آید - یولوژی خاصی مطرح نیست، ما تریالیست، ما رکیست، مسلمان، مسیحی و... در کنار هم - اند. فتح یک جنبش غیر مذهبی (لائیک) است. همچنین از کارگروه‌ها ن گرفته تا عنا - دموکرات و حتی لیبرال، آنچه آنها را در کنار هم جمع می‌کند استراتژی واحد ازاد کردن فلسطین از طریق مبارزه مسلحانه و ایجاد "دولت دمو - کراتیک فلسطین" است. پایگاه عمده این جنبش را دهقانان تشکیل می‌دهند و آوارگان، روشنفکران و حتی کارگزارانی که تا شرات منشا دهقانی خود را کاملاً حفظ کرده‌اند.

بطور کلی از عملکرد الفتح در پهنه مبارزه انقلابی فلسطین می‌توان نتیجه گرفت که این جنبش بدلیل پایگاه وسیع توده‌ایش، عموماً خطی دموکراتیک ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی را دنبال می‌کند. اما این جریان بدلیل ماهیت و ترکیب طبقاتی رهبری آن دارای گرایشات مشخص سازگارانده نیز می‌باشد. گرایشاتی که تا بحال ضربات مهمی هم به جنبش زده و مسلماً در آینده نیز خطراتی برای انقلاب فلسطین بیبار خواهد آورد.

## ۳- جنبه خلق برای آزادی فلسطین

این جنبه در اوایل سال ۱۹۶۷ در نتیجه متلاشی شدن "جنبش ناسیونالیستهای عرب" بوجود آمد. جنبش ناسیونالیستهای عرب که در سالهای ۱۹۵۰ بوسیله برخی از مبارزین

عرب منجمله دکتر زورژ حیش تا سیس شده و یک حزب سراری عربی نیرومند را تشکیل میداد، پس از شکست تجربه‌های وحدت دول عربی و نیز شکست تجربه‌ها در صیونیزم بله با اسرئیل (ژوژن ۱۹۶۷) از هم پاشید. رهبران و اعضاء فلسطینی این جنبش، "جنبه خلق برای آزادی فلسطین" را بنیاد نهادند. و پیروی از خط مشی مارکسیسم لنینیسم را رسماً اعلام نمودند.

بدون شک این تحولی بزرگ از فرمیسم به انقلاب، از ایده آل لیسم و التقاط به ما تریالیسم دیا لکتیک بود. این جنبه معتقد است که برای حل مسئله ملی (آزادی فلسطین و حل تضاد بین صهیونیسم و خلق عرب و نیز تضاد بین امپریالیسم و خلقهای تحت ستم) چاره‌ای جز اتخاذ خط مشی مارکسیستی لنینیستی نیست. این جنبه که "میکوشد بدریج بصورت یک سازمان مارکسیستی لنینیستی درآید" در مجموع عملکرد انقلابی - دموکراتیک دارد و عمدتاً پایگاه آن روشنفکری و از قشار متوسط و آگاه فلسطینی است. مواضع مشخص و مبارزاتی این جنبه بخصوص شخص ژرژ حیش مورد قبول و احترام جناح - های گوناگون است. این جنبه هر چند دارای اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی مشخصی بسا الفتح می‌باشد و از رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین انتقاداتی صریح می‌کند، اما خود در درون شورا ملی فلسطین و نیز سازمان آزادیبخش فلسطین عضویت دارد و در موسسات توده‌ای وابسته به این سازمان نظیر اتحادیه‌های کارگری و دهقانی، دانشجویی و... و نیز بودجه عمومی، عضو است و فعالیت دارد. این جنبه در رابطه با الفتح سیاست وحدت - مبارزه را دنبال می‌نماید، که در هر مقطع زمانی یکی از اینها غالب است.

نه این جنبه و نه دیگر سازمانهای فلسطینی که ایدئولوژی خود را مارکسیسم لنینیسم می‌دانند با روی صهیونیسم یا مقوله سوسیال امپریالیسم مرز بندی ندارند. همه آنها با اتحاد شوری روابط حسنه دارند. برخی از آنها - فرصت طلبانه حتی شوری را هم پیمان استرا - تزیک فلسطین می‌نامند با اینکه بر همگان روشن است که اتحاد شوری اسرئیل را در درون مرزهای سال ۶۷ به رسمیت می‌شناسد و خواستار آزادی کل فلسطین نیست. ما درآینده مقالاتی



دکتر زورژ حیش، رهبر جنبه خلق برای آزادی فلسطین

از جنبه خلق برای آزادی فلسطین در پیکار خواهیم آورد تا خوانندگان بیشتر به مواضع این سازمان انقلابی فلسطینی آشنا شوند. ما قطعاً نوبی هیچ تردید و بنا بر اصل لنینیستی حق خلقها در تشییع سرنوشت خویش از مساره عادلانه خلق فلسطین در راه آزادی و استقلال و مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی می‌کنیم. وجود این ضعف یا آن انحراف در سازمانهای رهبری کننده - که با آن مرز بندی می‌کنیم - هرگز موجب آن نخواهد شد که ما نسبت به حمایت از انقلاب خلقهای تحت ستم علیه امپریالیسم اندکی تردید بخود راه دهیم و گرنه در همان ورطه فساد انقلابی "سه چپا نی" - ها خواهیم افتاد!

## ۴- جنبه دموکراتیک برای آزادی فلسطین

این جنبه در سال ۶۹ از انشعاب در جنبه خلق برای آزادی فلسطین بوجود آمد. رهبری این جنبه را نایف حوا تمه بعهده دارد. مواضع این جنبه از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی، بسیار به مواضع حزب توده ایران نزدیک است و شاید همین اشاره کافی باشد بوجود آمدن این جنبه که انشعاب اپورتونیستی "چپ" بود که سازمان به مواضع راست (مثلاً زمان به حذف مبارزه مسلحانه) انجا مید. البته این جنبه همراه با دیگر سازمانهای فلسطینی در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی عملیات انقلابی مسلحانه هم دارد. آخر در پیته مبارزه فلسطین آنکه عملیات مسلحانه ندا شده باشد، قیمتی ندارد. این جنبه بطور نسبی از انشعاب تشکیلاتی و تئوریک مناسبی برخوردار است و عمدتاً پایگاه آن روشنفکری است.

## ۵- الصاعقه

این سازمان را میتوان شاخه فلسطینی "حزب بیعت سوریه" معرفی کرد. این سازمان از جمله سازمانهایی است که در نتیجه مذاخله - گری رژیمهای عربی در مسئله فلسطین و جهت تأمین نفوذ آنها در درون جنبش مقاومت بسه وجود آمده. از این سازمان کاری بنفع فلسطین ساخته نبوده و هر چه کرده چوبی لای چرخ انقلاب فلسطین بوده است. این سازمان تنها در سوریه و فعلاً در لبنان وجود دارد و واقع تابع ارتش سوریه است. البته قدرت چندانی ندارد که در مسیر انقلاب فلسطین اثری بگذارد. ایمن سازمان در جریان تخاصم سوریه به لبنان (سال ۱۹۷۶) از درون انقلاب فلسطین و نیز از لبنانان تصفیه و موالش ممانده شد. و رهبران زهی - محسن که چندی پیش ترور شد از لبنان فرار کرد و بعد کمک سربازهای سوریه به لبنان بازگشت.

## ۶- جنبه آزادیبخش عرب

این هم نظیر ما عقداست، لیکن ساخته عراق. کاری در زمینه مبارزات انقلابی فلسطین ندارد و تنها با نفوذ و تحمیل عراق چند کرسی در مجلس ملی فلسطین و یکی هم در کمیته اجرایی دارد که البته کاری از آن بر نمیآید.

## ۷- جنبه مبارزه توده‌ای

این جنبه، در سال ۶۹ بوجود آمده و رهبری آن را دکتر سمیر غوشه بعهده دارد. بقیه در صفحه ۱۹

## حزب توده، حزب معامله است، نه مبارزه

"مردم" ارگان مرکزی حزب آمده بود. لازم بود مدت‌های مدیدی مثلا یازده روز آری فقط یازده روز بگذرد تا شاهد باشیم که همراه با حرکت اربابان روسی این بناگهان ۱۸۰ درجه تغییر موضع دهد و در مورد حفیظ الهامین چیزی را بگوید که یازده روز قبل از آن درست عکس آن را ببلغور می‌کرد. در "مردم" شماره ۱۳۰ مورخ یکشنبه ۹ دیماه در مقاله‌ای راجع به افغانستان از جمله چنین می‌خوانیم:

"... متاسفانه فدا انقلاب توانسته بود در داخل رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان نیز نفوذ کند. اوج توطئه فدا انقلاب بصورت قتل بدون محاکمه نور محمد ترکسی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ توسط حفیظ الهامین - سرور کرد، (البته آقای کیا نوری هم امروز متوجه چنین توطئه‌ای شده اند!)... اما نیروهای انقلابی افغانستان که از پشتیبانی توده‌های عظیم زحمتکش سرخورده‌اند، بموقع متوجه این خطر شدند و توطئه گروه فدا انقلابی به رهبری حفیظ الهامین را خنثی کردند..."

(تا کیدها و پیرانتها از ما ست - پیکار)  
برای اینکه خواننده مادیگر هیچگونه تردیدی در دودوزه‌یازی این دلالت‌شده‌ها را بخورد راه‌نهد، اظها رنظر سردلال این حزب معامله‌گر یعنی آقای کیا نوری را از روزنامه کیهان شنبه ۸ دی ماه نقل میکنیم. او در باره حوادث افغانستان می‌گوید: "به عقیده ما مساله افغانستان یک امر داخلی است (بر منکرش لعنت! لابد اشغالگران روس هم بر همین عقیده اند!) که طی آن یک جریان امپریالیستی سرکوب شده است."

اری درست ۱۰ روز قبل از این اظها رنظر آقای کیا نوری و حزبش معتقد بودند که باید این دست را (دست این جریان امپریالیستی را) فشرده!

"مردم افغانستان علیه امپریالیست‌ها و عمال آنها، علیه اربابان و فئودالها قیام کردند و دولتی که اکنون دارند در خدمت توده‌های مستضعف افغان است و می‌خواهد استقلال آزادی و رفاه را برای اینها تامین کند و امپریالیست‌ها و خانها و مالکان بزرگ را بکند" جملاتی را که خواندید از "مردم" شماره ۱۲۱ مورخ چهارشنبه ۲۸ آذر، مقاله‌ای تحت عنوان "دستی که باید فشرده"، برایتان نقل کردیم. نویسندگان مردم در این مقاله ضمن تعریف و تمجید از حفیظ الهامین و دولتی که او رهبریش را می‌کند، از مقامات ایرانی می‌خواهند که دست این دولت را که "در خدمت توده‌های مستضعف افغان است و می‌خواهد استقلال... را برای اینها تامین کند و ریشه امپریالیست‌ها را... بکند"، بفشارند! غافل از آنکه اربابان روسی‌شان چنان خوابی برای این دولت "فدا امپریالیست" و "در خدمت توده‌های مستضعف" دیده‌اند که روح آقای کیا نوری و حزبش از آن خیردار نیست:

سوسیال امپریالیسم روس تصمیم می‌گیرد دست حفیظ الهامین را که دیگر "امین" نیست قطع کند. نه برای آنکه چون بسوی هیئت حاکمه ایران دست دراز کرده، بلکه صرفاً به این دلیل ساده که دیگر کاری از او بر نمی‌آید. و چنین بود که در یک چشم بهم زدن حفیظ الهامین عامل "امپریالیسم آمریکا" از آب درآمد تا راحت تر سرش زیر آب رود!

کودتائی که در پنجمین گزشته صورت گرفت سومین کودتا از نوع روسی بود که در ۲۰ ماهه گذشته در افغانستان بوقوع پیوست. در همین حال این اولین کودتائی بود که با کمک مستقیم دهها هزار سرباز روسی که از قبل راهی آن دیار شده بودند، جامعه عمل بخود پوشید. ما در بالا جملاتی را از قول حزب توده نقل کردیم که درست یک هفته قبل از کودتای در

بقیه از صفحه ۲  
جرا امیرانتظامها...

بورژوازی و ضد خلقی خود را به کرسی بنشانند و قطب زاده میکوشد با چسبیدن خود به خمینی سیاستهای ارتجاعی رهبران قدرتمند مذهبی را نعل به نعل دنبال نماید. در این میان همه این سیاستها و روشها تحت تاثیر فشار جنبش توده‌ای و در عین داشتن محورهای مشترک با یکدیگر تصادم میکنند و در کوتاه زمان درگیری‌هایی را میان گروه‌های حاکم موجب میشوند. از این جهت است که می بینیم ماهها امیرانتظامها و امثال او مورد حمایت وسیع رهبران خرده بورژوازی واقع میشوند اما در شرایط حاد و بحرانی امروز زیر فشار جریان نیرومندی از سوی توده‌ها و نیروهای انقلاب، انسداد وابستگی ایشان به سیاست امپریالیسم روس میشود. چرا که اکنون اوضاع متحول و پرتلاطم بخران - های عمیق اقتصادی و سیاسی و وجود تضادها و اختلافات درونی جناحهای حاکم راهی جز این در مقابل خرده بورژوازی نمی بیند که با راندن مقطعی و ناپیگیرانه چهره‌های رسوا و آشکارا ضد خلقی و وابسته حیات سیستم رانجا ت بخشد، اما همین امر بنویسه خود را چرخ از راه دور نیروی هر کدام از گروه‌های حاکم تناقضات درونی سیستم را در نده به متلاطم شدن بیشتر اوضاع می انجامد. چرا که این تناقضات نه با عسوف کردن مهره‌های وابسته به محافل مختلف لیبرال حل شدنی است نه با روی کار آوردن عناصر سرکوبگروفا نیست. وجود بحرانهای درونی هیئت حاکمه را اجتناب ناپذیری است که ریشه آنرا با بیدر حفظ سیستم سرما پیداری وابسته و ما هیئت فدا انقلابی هیئت حاکمه و تها دهه‌ها جانبه و عمیق آن با خلق جستجو کرد.

بدین ترتیب که پیش می‌رود بنظر میرسد با دورانی پرتحول و متلاطم که با تاکتیکهای گوناگون هیئت حاکمه از عقب نشینی گرفته تا سرکوب و جگیری بیشتر و بیشتر جنبش انقلابی در ایادی بمراتب عظیم ترا گذشته و روبرو باشیم.

بقیه از صفحه ۱۸  
همدوش با انقلاب فلسطین...

علیرغم حجم کوچک، مواضع نسبتاً مترقیانه ای دارد که با مواضع جنبه خلق نزدیک است.

## ۸- جنبه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی

در اصل انتسابی بود از راست، که در سال

بقیه از صفحه ۱۳  
بزرگانهای فدا انقلاب و...

آری این سخنان نه از آن "کمیتد مرکزی حزب توده" بلکه گفتاری است از حقیقت ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران، "حقیقت" - با کشودن چنین جبهه‌ای در عرصه سیاست آب‌سپار رویزیونیستی می‌ریزد. گفت‌وآر این است که رشد این گرایش رویزیونیستی در مواضع سیاسی "حقیقت"، که او را مجبور به تبعیت مشروط از خط امام خمینی نموده است، اخیراً به نحوه گفتار و رفتار این تشریح نیز تعمیم پیدا کرده است بطوریکه در مقالات آن ارگلمانی نظیر "سیطان بزرگ آمریکای جابیتکار" (حقیقت شماره ۴۶)، "این سیطان بزرگ بین المللی" (حقیقت ۴۶) و "در ضمن مبارزه با ارتشکاری و افشای منحرفیسم و منافقین" (ص ۲ حقیقت ۴۷) و... استفاده می‌شود!

## ۹- جبهه آزادی بخش فلسطین

این جبهه در جریان جنگ داخلی لبنان در سال ۷۶، از انشأاب جبهه فوق پدید آمد. مواضع این جبهه از جنبه‌ها درش را دیکار لشر است. رهبری این جبهه را ابوالعباس و طلعت یعقوب بنعیده دارند.



این نظرات رویزیونیستی و لیبرالی که مدت کوتاهی است در مواضع "اتحادیه کمونیستها" بطور آشکارتری انعکاس یافته است و سیستم فکری او را بطور برجسته‌تری به نمایش گذاشته است، بدون شک یکبار ه شکل نگرفته و یکبار ه بوجود نیامده است. رشته منظم و ظرفی این مواضع را به مواضع پیشین این نیروی اپوزیونیستی و بی عملی خارج نشینی آنان در زمان دیکتاتوری رژیم‌ها و مجموعه سیستم فکری - سیاسی و ایدئولوژیک آن که در یک کلام در تفکر دگما تیک روشنفکرانده و الگوسازی از انقلاب چین گرایشات رویزیونیستی قبلی آنها خلاصه می‌شود، متصل می‌سازد. ما در مقالات آینده خواهم کوشید تا ضمن اشارات مختصر به این پیشینه، و توضیح نظرات آنها در دوره جدید و بطور مشروح تر در مقطع کنونی، رشته بحث را دنبال کنیم.

ادامه دارد.....

## گرامیداشتن خاطره هر شهید خلق پاسداری از خون تمامی شهداست

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۶ سالن ورزش دانشکده پلی تکنیک هزاران نفر در دل حویش جای داده بود. همه گرد آمده بودند تا خاطره رفقای شهید، ۱۵ ستاره فروزان آسمان جنبش خلق را پاس دارند. تما ویرصیمی رفقای ما بردرو دیوار سالن نقش بسته بود. بر فراز هر تصویر ستاره ای می درخشید به فروزندگی آسمان تمامی شهدای راه خلق. این تصویرهای گرمی نظاره گرسوردها و پیا پیا مها و سوگندها می بودند که از فضای سالن می تراوید، و با خود شور مبارزه داشت. آری، مبارزات شهیدان ما با تمامی کاستی هایش، کوله بار راه آینه است و هر شهیدتجسم تمامی شهیدان و تجسم آمان خلق است. فضای سالن از عشق انباشته بود، لبالب از مهر و شور، گروه گرسوردها و پرنیسیان، پیا پیا می از جانب سازمانهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان مبارزه، سربازان انقلابی، دانشجویان و دانش آموزان مبارزه، خواننده شد. تمامی این پیا پیا بر ضرورت ادامه مبارزه خلق تا نابودی کامل امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق ما، ورهائی از سلطه این دیوچهان خوار، تا کیست داشتند، و مبارزه ۱۵ رفیق پرشور ما را در جهت این آرمانهای مقدس، گرمی داشتند بودند. تمامی پیا پیا سرشار از زنگ و نغمه و نغمه سازش - کاروان وفدا و انقلابیونی بود که راه مبارزه خلق را سد می کنند و در جهت منافع کثیفشان به انحراف می کنند، و تمامی پیا پیا وظیفه نیروهای انقلابی و خاصه کمونیستها، این پیگیرترین پیکارجویان نبرد طبقاتی را در ارتقاء مبارزات زحمتکشان با زگومی نمودند.

جمعیت تمامی پیا پیا را می گرفت و استقبال می کرد. صدای کف زدن آنها سالن را به لرزه در می آورد. از جانب خانواده های رفقای شهید، هاشم و وثیق پور، بهرام آرام، موما درمجا هد شهید هوشمند خا منهای پیا پیا می خوانده شد، سر بلند از آنکه چنین مبارزینی در دامانشان پرورش یافته است، یادآوران را گرمی داشتند و خاطراتی از آنان گفتند که سیمای قهرمانان رفیقان ما را روشن تر مجسم می نمود، با سخ جمعیت به خانواده های رفقای ما درود پر شور بود. پیا پیا می خاست و احترام خویش را نشان آران می نمود. فضای سالن پر از سرود و شور مبارزه بود. وسینه ها انباشته از مهر تمامی شهیدان راه خلق یکی از رفقا، قطعه ای را دکلمه کرد، قطعه ای را که تمامی آنچه را که بر میهن ما گذشته بود، شعری، بیان می نمود، و فریاد میسزد: روشنگران ما ما در خویش، توده ها، در آمیزید و انقلاب آینه را نوید می داد. سالن سرآپا سکوت بود. همه می اندیشیدند که: آری باید مبارزات رفقا را گرمی داشت. و از آن درس گرفت، باید از آنان یاد گرفت، باید از اشتباهات مبارزات آنان آموخت، تنها در این صورت است که بر سستی شهیدان را گرمی داشته ایم. با سرود و شعر بود و درس بود. و گاه جمعیت پیا پیا خسته شرمی داد:

آمریکا، ارتجاع، ننگ به نیرنگان خون شهیدان می چکد از جنگستان



فرست طلبانی را که به قدرت خزیده اند طرد و مشتشان را با زمی کند.

در ادامه پیا پیا ضمن گزارش کوتاهی از زندگی و مبارزات رفیق شهید هاشم و وثیق پور چنین آمده است:

"زندگی تو مبارز از شخصیتی محکم و با اراده ساخته بود، و او را در مبارزه پیگیر و بی امان می نمود. وی با کینه و نفرت سرشاری که از جامعه طبقاتی و اختلاف طبقاتی داشت و از ستمی که بر زحمتکشان در جامعه طبقاتی می رود رنج می برد و در پی تماشای نزدیک با طبقه کارگران و زحمتکشان به ایدئولوژی طبقه

کرد، عرب، ترکمن مبارز واقعی علیه امپریالیسم سرکوبگران خلقی همدست امپریالیسم زنده و جاوید باد راه شهیدان ما در مراسم بزرگداشت خاطره ۱۵ رفیق شهید، از طرف گروهها و سازمانهای مختلف و همچنین خانواده شهید پیا پیا می فرستاده شده بود که قسمتی از این پیا پیا را در زیر می خوانید:

(۱) پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مناسبت بزرگداشت خاطره ۱۵ تن از رفقای شهید بخش منشعبان سازمان مجاهدین خلق ایران.

امروز در اینجا گرد آمده ایم تا یاد رفقای شهیدمان را گرمی بداریم. شهیدانی که در روزهای سیاه رژیم دیکتاتوری شاه مزدور و ستمنازین نفس در راه آزادی و استقلال میهن از یوغ امپریالیسم و ارتجاع داخلی ورهائی زحمتکشان از قید و بند ستمنازین در زمینند و در این راه با خستند. درود بر همگی آنان! ۱۵ شهید پیکار، رفقا: هاشم و وثیق پور، حسن سبحان الهی، صادق فرد، سقوی، سیمین جریبی، نرگس قجر عضدانلو، محمد حاج شفیعی، رفعت افراز، محبوبه افراز، بهرام آرام، اکرم صادق پور، فاطمه تیفتکچی، خوریه محسنیان، احمد صادقی قهاری، و رفیق شهید بقیه در صفحه ۲۳

کارگر گرامی! (۲) پیا پیا خانواده رفیق شهید بهرام آرام: در این پیا پیا که توسط رفیق شهید بهرام آرام قرائت شد، ضمن بزرگداشت یاد شهید و کوشندگان و پیکارجویان راه آزادی و استقلال که در سالیهای سیاه خفقان دمی از مبارزه با امپریالیسم و سگانه اش فروگذار نکردند و تجلیل از شیفتگان راه آزادی آمده است:

"یکی از این شیفتگان مبارزه و ایثار بهرام بود. بهرام را در زمان دانشجوییش، در زمان بلوغ فکریش این چنین بخاطر می آورم که در خرداد سال ۱۳۵۰ بود که او بخاطر اینکه

پیام خانواده شهید هاشم و وثیق پور: "امروز در اینجا گرد آمده ایم تا یاد تلاش قهرمانانه ۱۵ رفیق شهید را گرمی داریم، گرد آمده ایم تا خاطره شهیدانی را زنده کنیم که در سالیهای سیاه گذشته مظلمانه از انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقیهای ستم دیده میهن ما بودند. آمده ایم تا شهیدانی یاد کنیم که آشتی ناپذیری و شهادت انقلابی شان، همه انقلابیون و مبارزین راه آزادی را توان میبخشد، چهارمین سالگرد شهادت هاشم و وثیق پور یکی دیگر از فرزندان خلق را در شایسته گرمی می داریم که خلق قهرمان ایران مبارزات فد امپریالیستی و ماکراتیک خود را هر چه پیگیرتر و با شکر و تریه پیش می برد و سازشکاران و

میخواست همچنان در سنگردان سنگا ده مبارز د خودتدا ومبخشد، در آخرین امتحانات باستان تحصیلاتش شرکت نجست ومبارزه خود را بر علیه امیریا لیسوم و حامیان مزدوردا غلبت از ایسن سنگر پرافتا را داد ممداد. در سوم شهریور هب بود که پس از ضربهای که به جبهه مبارزاتی بهرام ودوستانش در جریان جشنهای تحمیلی ومنحوس شاهنشاهی وارد شد، اودیکر خانه را رها کرد و با آغاز زندگی مخفی، قدم به راهی گذاشت که با شما می وجود شما طلب بود.

در قسمت دیگری از بیام آمده است :  
"یکی از بستگان ما که در راه بطیبا بهرام در سال ۵۴ دستگیر و به حبس ابد محکوم شده بود. شرح میداد که وقتی برای شناسائی جسد بهرام او را به کمیته بریدند دستهای او را که از مچ قطع شده بودمشا هده نمود زیرا این جلادان دیوصفت از نقطه دوردستهایش را هدف اصابت گلوله قرار دادند تا قادر به هیچ عملی نبوده و زنده بدام او همیمان گرفتار آید، اما از بدن متورم و سیاهش این چنین مشهود بود که سیا نورکا خود را کرده بود و آنها هیچوقت به مقصود پلیدشان نرسیدند و این چنین ستاره فروزان دیگری در آسمان مبارزات راهی بخش خلق درخشیدند گرفت. اما بهرام مویا را از زنده شدن زنده در هر طریقتی که علیه ظلم و بیداد از حلقوم زحمتکشان میهنمان زبانه میکشد، زنده در تار و پود پیکار جوی کارگران و محرومانی که در راههای خلق می رزمند و با لخره زنده در پیش قلبهای که برای آزادی و ایثار می تپند."

(۴) پیام "یاران حیدر عمو و غلی"  
در این بیام ضمن گرامیادداشت خاطره ۱۵ رفیق شهید و تجلیل از مبارزاتشان آمده است :  
"بیامی آوری که این شهدا و جانبازان در زمانیکه با زرگانها و بختیارها و... به مشاطگری امیریا لیسوم و رژیم سلطنتی مشغول بودند و دستها گل به جلادان خلق هدیه می کردند و آنها را که بزینها و قطب زاده ها و امیران نظامها در سبای بازگشت به ایران را فرامیگرفتند، در مقابل امیریا لیسوم و ارتجاع داخلی قدامتگرا کردند و پرچم مبارزاتی خلق زنده مده ما را برافراشتند. (۵) پیام "اتحادیه مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر در این بیام که با درود به همه شهیدان راه آزادی زحمتکشان آغاز شده، چنین آمده است :  
"رفقا! ما به گرامیادداشت خاطره کسو - نیستهای قهرمانی گرد آمده ایم که در تاریخ ترین دوران حیات خلقمان، در زیر دیکتاتوری جنایتکارترین رژیم جهان، به مبارزه برخاستند، با تمام نیرو ایستادند و تا آخریسن قطره خون خود را در راه آزادی و ولای طبقه کارگر در راه کمونیسم نثار کردند."

"رفقا! اگر چه شهیدان ما در آن روز خود رها و تنهایی کم تجربه بودند و به کوره راهی گرفتار شدند، لیکن آنان با تالش بیگیران، بیایفدا کاریشان با استواریشان و با تمام مزندگی - شان بهما آموختند که چگونه باید در راه آزادی اجتماع خویی مبارزه کرد و از جان خود گذشت. آنان در همه جا چنین کردند، در میدانیهای اعدام در زیر شکنجه ها و در هر لحظه زندگی خویش."

(۶) بیام عددی از کارگران گروه تولیدی تهران و کاشی ایران :

ما گروهی از کارگران کارخانه جات تولیدی

و ایرانا سالگردشهادت ۱۵ شهید رزمنده بخون خفته در راه آزادی طبقه کارگر را گرامی میداریم با شادروزی که با زوان بر توان طبقه کارگر را به یشتازان راه آزادی را هر چه سرخ گون تر کنیم .

زنده با دراه شهیدان بخون خفته آزادی مرگ برای امیریا لیسوم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

پیروزی با دمبارزات راستین خلقها بدرهبری طبقه کارگر

برقرار با دجمهوری دموکراتیک خلق

(۷) بیام دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر درود بیکران بر همه شهیدان راه آزادی و استقلال میهن، درود بیکران بر همه شهیدان راه آزادی طبقه کارگر .

اکنون در آستانه گرامیادداشت یاد ۱۵ شهید دلاور خلق، پاس بدایر مبارزان دلاوری را که با فریاد مرگ برای امیریا لیسوم و سینه های گرم و سرشار از عشق به زحمتکشان در فضای سیاه خفقان آریا مهتری در میدانیهای نیرو در خیابان های نبرد سرود سرخ فردای آزادمیهن را ترنم میکردند. دلاورانی که گره به بینش پرولتری دست نیا فته بودند، اما با عشق به پرولتاریا و آرمانهای سرخ او، با جانبازی های بیکران خویش، در شکنجه گاهها، در میدانیهای تیر و در کوچه های رنج خیابانهای خلق، آرمانهای سرخ خلق را با داورمی شدند .

اکنون از شهادت این رفیقان مدت زیادی نمی گذرد، اما جنبش خلقهای قهرمان میهن بسیار در سبها به همه انقلابیون آموخته است . دیگر کمونیستهای میهن میداندند که باید با خلق و در کنار خلق رزمید، با بردن سوسیا لیسوم علمی بدون جنبش طبقه کارگر با این یگانگه طبقه تا به آخر انقلابی در آمیخت و بسوی رهبری جنبش دموکراتیک میهن بدرهبری طبقه کارگر بسوی نابودی امیریا لیسوم ساخت . اما علیرغم این درسها، کمونیستهای هوا رها بدجا و دانسته این شهیدان خلق را پاس می دارند. دلاورانی که با شهادت و جراتی خلقی و انقلابی، بسی - محابا به امیریا لیسوم یورش می بردند و خواست و اراده ای جز تحقق بخشیدن به آرمان خلقی نداشتند. اما جانبازیشان را پاس می داریم و در راه خلقهای قهرمان میهن چون آنان آمده ایم . ما جانبازی هستیم، ما از تباران شهیدان قهرمانیم . ما از تبار همه کمونیستهای که خون سرخشان پرچم کمونیسم را رنگین ساخته است، هستیم . خون این ۱۵ شهیدان که با خون هزاران شهید دلاور خلق در دوساله اخیر در آمیخته است، شهیدان دلاوری که برای نابودی امیریا لیسوم جنگیدند، اما با این هزاران شهید هنوز در نیهم راه انقلاب دموکراتیک میهن به علت خیانت بورژوازی لیبرال و نیمه کساری خرده بورژوازی مرفه، مانده ایم، خلقهای ما با این همه شهید هفتی جز سرتنگونی رژیم سرمایه داری و ایستاده و برقرار جمهوری دموکراتیک خلقی نداشتند. اما هنوز سیستم سرمایه داری وابسته با برجاست و در هیئت حاکمه هنوز نوکران امیریا لیسوم ارفقمانش بیستی ها، یزیدی ها، چمران - ها و قطب زاده ها و... و دیگر مزدوران بچشم می خورد. اما ما امیریا لیسوم در کشورمان نمود داردم و زرد زحمتکشان با برجاست تا نسیم و

استقامت و طیفانی هست مبارزه انقلابی توده ها هم خواهد بود . و ما در آستانه گرامیادداشت یاد ۱۵ شهید دلاور خلق و دیگر شهیدان راه آزادی طبقه کارگر، سوگند می خوریم که به آرمان سرخ - شان وفادار با نیم و راه انقلابی سرخشان را با بیوندا زحمتکشان و بویژه طبقه کارگر، تسایا بودی کامل امیریا لیسوم و سپین تابش خورشید سوسیا لیسوم متحد و سرسخت بسیمایم .

دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (۸) سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر رفقای انقلابی!

ما، همگام با شما بزرگان دانش خا طره ۱۵ شهیدی که در سالیهای سیاه خفقان در راه آزادی خلق جان باختند، گرامی می داریم و در زندان و ام انقلاب دموکراتیک و ضدا امیریا لیسومی خلقهای قهرمان ایران، بیمان می بندیم تا پیروزی نهائی انقلاب و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق آزادی منشینیم .

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق! خلقهای میهن، امیریا لیسوم میلرزاد! مرگ برای امیریا لیسوم و ارتجاع داخلی! اتحادیه دانشجویان ایرانی درآمکتوب سوشد" (طرفدار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) ۵۸/۱۵/۶

(۹) بیام سازمان توده انقلابی دانشجویان و دانش آموزان (ستاد) :  
در این بیام ضمن تجلیل از شهیدای راه آزادی و استقلال ایران آمده است :  
"۱۵ شهید رزمنده که امروز با دانشان گرد هم آمده ایم، اختران آسمان سیاه سالیهای ۵۰ هستند. سالیهای که سازکاران و مامانان جوان در پیستوها به دستخرا نشسته بودند و صبر و انتظار نظاره گرامیادداشت بودند."

در قسمت دیگری از این بیام آمده است :  
"یاران شهیدان فرزندان توده های زحمتکش میهن اند و بزرگان دانشان نیز می باید از سوی توده ها برگزاشود، و اگر امروز چنین نمی شود اگر امروز می گوشد تا خلق را از فرزندان نشان جدا کنند و اگر امروز به نیروهای انقلابی و شهیدان بشیرمانه می تا زند، فردا با برپائی جمهوری زحمتکشان، جمهوری دمو - کراتیک خلق، توده ها فوج فوج با یاد فرزندان دلیرشان گردخواهند آمد."

(۱۰) پیام "دانشجویان پیشگام پلی تکنیک":  
بیام با نگاهی تحلیلی به وقایع کشور و تا کید بر لزوم تعمیق مبارزه ضدا امیریا لیسومی توده ها و اقلی لیبرالها و خائنین به مردم آغاز می شود. در بیام دانشجویان پیشگام از جمله آمده است :

"در این لحظات دوران ساز و در شرایطی که مبارزات خلق قهرمانان بر علیه امیریا لیسوم و سرسیردگانشان از راه ایافته است و در شرایطی که کارگران و زحمتکشان میهنمان با اتحاد خود، با اراده بیولادین و با زوان پر - توان خود می روند تا برچرخ پیروزی را در قله آزادی برافراشته سازند، سوگند می کنیم که برای پاسداری از خون شهدا و ادامه دادن راه آنها که همانا راهی کارگران و زحمتکشان میهنمان از سیم امیریا لیسوم سرمایه داری و بنای ایرانی آزاد و دموکراتیک می باشد، لحظه ای

### توضیح مجدد در مورد هویت ایدئولوژیک تشکیلاتی رفیق شهید فاطمه تیفکتچی

هما نظور که در پیام روز بزرگداشت ۱۵ شهید زنده یاد آور شدیم، "... ما از یک طرف شا هد پیراهن عثمان کردن اشتباهات گذشته و کوشش برای لوث کردن خون شهیدان هستیم و از طرف دیگر شا هدیم که چگونه تنگ نظران بنه ناندست برخی از شهدای افتخار آفرین بخش منشعب را بخود نسبت می دهند، هر چند که در موردی مجبور شد بعد ادعای خود را پس بگیرند. غافل از اینکه تمام شهدای راه آزادی و استقلال در پیش ما عزیزند و اینگونه برخورد به هویت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این رفقا قبل از هر چیز تنگ نظری این مدعیان را به نمایش می گذارد. انتساب رفیق شهید تیفکتچی بخود، یکی از اینگونه برخوردهای محدودنگرانه است. " در اینجا باید یکر تکرار می کنیم، که همه شهدای راه آزادی و استقلال میهن امما زهر مرما مومسلکی در پیش ما عزیزند، اما ما هرگز از جاه نمیمی دهیم که هویت ایدئولوژیک تشکیلاتی شهدای خلق فرصت طلبانه تحریف گردد، ما هما نظور که عمل اپورتونیستی و شیادانه " سازمان انقلابی " را در انتساب ۷ شهید که با توطئه ساواک - شها وندی به شهادت رسیدند افشاء می کنیم (شماره ۳۵ پیکار) و هما نظور که عمل مرتجعین " حزب جمهوری اسلامی " را که شهدای انقلاب دموکراتیک و فدا مبریا لیستی خلق را بدون هیچ توضیحی به اسم خودشان چاپ و پخش می کنند و از این طریق می خواهند برای خود آبرو و حیثیتی کسب کنند، محکوم می نما شیم در اینجا نیز نمی توانیم ا حقیقت دفاع نکنیم با این توضیح که این اولین بار هم نیست که ما با تحریف هویت ایدئولوژیک - تشکیلاتی رفقایمان روبرو می شویم. قبل از این نیز با جعل واقعیت در مورد رفقای چون رفیق شهید حسن آلا دپوش و رفیق شهید محبوبه متحدین مواجه بوده ایم و هنوز هم هستیم، چرا که عکس آیین رفقا با آرم سازمان مجاهدین خلق ایران در کوی برزن دیده میشود و با روزنامه امت (ارگان جنبش مسلمانان میا رز) که سدا غتراش شده در حالیکه خود سازمان مجاهدین بدرستی از انتساب این شهید بخود، خودداری میکند، کوشش مینماید رفیق حسن آلا دپوش را مذهبی معرفی نماید.

در مورد رفیق شهید تیفکتچی نیز از آنجا که رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران در بر خورده جریانات و تغییر و تحولات درونی سازمان بین سالهای ۵۴ - ۵۲ نمی تواند از او بییه عقلی به فضا یا برخورد کنند بنا بر این در تحلیل های خود از مسائل این دوره و انتقادات وارده به عملکردهای انحرافی، به موضع گیریهای غیر سیاسی و تنگ نظرانه می افتد، تا آنجا که در بررسی و تحقیق سوابق این رفیق شهید نیز دچار اشتباه شده و به تحریف هویت ایدئولوژیک تشکیلاتی می پردازد. ما در اینجا بسر ای اینکه جای هیچگونه شبهه را باقی نگذاشته ایم به گوشه های از زندگی رفیق پس از سال ۵۳ اشاره می کنیم و از سازمان مجاهدین خلق ایران نیز می خواهیم که با برخوردی مجدد و با تحقیق متصفا نه و تصحیح اشتباه خود در این مورد مانع

۵۰، برای او محملی ساخته بودند تا بتواند در رابطه با جلسات خانوادگی شهدا و زندانیان سیاسی شرکت نموده هم در فعالیتهای اعتراضی و فشار گران آنها شرکت نماید و هم از این طریق ارتباط ضعیف خود را با سازمان حفظ کند.

در اسفند ۵۱ زمانیکه پس از پایان دوره دانشکده بعنوان مددکار در بیمارستان کورش، (در منطقه عودلاجان تهران) بکار مشغول شده بود در پوشش یک کارگرنیازمند به کمک، با او تماس گرفته شد تا اینکه در حوالی نوروز ۵۲ به بهانه مسافرت عید از خانه جدا شد و به زندگی مخفی پیوست.

رفیق لیلی بسیار باهوش، با استعداد، فعال و پرا انرژی و در برخورد با مسائل مبارزه پیگیر و فعال بود، او به تفکرات فکلیت پرشور و استقامت در آموزش خود و همچنین آموزش ما رکیسیم - لنینیسم و کار در از مدت در کار - خانه ها توانست بر بسیاری از مشکلات غلبه نموده و درک درست تری از خود و مبارزه بدست آورد. او در دوران کار مخفی اش در جریان کار آموزشی و سپس در چارچوب کلی تر کار سیاسی - تشکیلاتی بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران در درون طبقه، به کارگری در خانه ها پرداخت حدوداً ۵۲ مدتی در کارخانه داروسازی دکتر عبیدی واقع در چاه کرج در قسمت بسته - بندی به کارگری پرداخت، همچنین از زمستان ۵۳ بعبعد متناوباً به فعالیت خود در کارخانه ترکه زینیا، کفش ملی و... ادامه داد و گزارشات قابل توجهی نیز برای سازمان تهیه نمود در ۱۴ دیماه ۵۵ یعنی پس از تقریباً ۵ سال کار مخفی انقلابی در حالیکه بعنوان یک کارگر در کارخانه کار میگرد و از این طریق به دست ارتباط سیاسی - تشکیلاتی بخش منشعب از سازمان مجاهدین با طبقه کارگر، کمک مینمود، در راه انقلاب دمکراتیک - فدا مبریا لیستی ایران، در راه آرم نهایی والای طبقه کارگر، بدست مزدوران شاه جنایتکار به شهادت رسید.

مردمی که عمر روز ۱۴ دیماه ۵۵ از حوالی شوش - شها میگذشتند، زنی چادریسرا در خیابان دیده بودند که پس از پیداه شدن از سرویس کارگری کارخانه، از درون اتومبیلهای کدیده هدف رگبار مسلسل واقع شوه در خون خود در غلتید رژیم، شهادت رفیق لیلی (صدیقه) را هم - چون شهادت بسیاری دیگر از انقلابیون مسکوت گذارد، در حالیکه توده های انقلابی و آگاه ما هرگز یاد او و دیگر شهیدان راه آزادی و استقلال ایران را از یاد نخواهند برد.

خاطره این رفیق شهید را ارج میگذاریم و با خون او مجددا پیمان می بندیم که به توده های زحمتکش همواره وفادار باشیم.



بقیه از صفحه ۲۴  
گرامی با د خا طره ...

رهائی زنان را در بنا بودی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و سرانجام در بنا بودی جامعه طبقاتی میدید. رفیق لیلی یکی از افتخارات زنان مبارزاست که در آتروزهای سیاه خفقان و شکنجه و اعدام - کبسیاری از مدعیان انقلابیگری امروز را حتی یارای اندیشه مبارزه نبود - پیش از آنه و صمیمانه به جرگه مبارزان انقلابی پیوست.

رفیق لیلی زمره یاران اسفندماه سال ۱۳۲۸ در خانه شادای مرفه و مذهبی متولد شد. از دوران دبیرستان در محافل و مجالس مذهبی نظیر حسینیه ارشاد و... شرکت می نمود. پس از طی دوره دبیرستان در آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی یا بقول او "موسسه مدکار" به ادامه تحصیل پرداخت. تحصیل در این مدرسه و شرکت در فعالیتهای نظری و عملی و تحقیقاتی آن برای رفیق لیلی شرایط نسبتاً مساعدی بود تا بتواند از دیدگاههای علمی تر با مسائل اجتماعی و درد و رنج مردم آشنا شود، و میگفت: "تحصیل و کار در این موسسه علیرغم هدفی که دنبال میکنم برای ازدا نشجویان من من جمله من فرصت خوبی بود تا هم از لحاظ معرفتی، با پدیده های نظام سرمایه داری آشنا شوم و هم با چشمان خود عوارض اجتماعی آنرا مشاهده نمایم."

آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی برای موسساتی نظیر کارخانه ها، دانشگاهها، بیمارستانها و... مددکار اجتماعی تربیت میکند. رفیق دریکی از گزارشاتش در باره این موسسه در سال ۵۲ مینویسد:

" وظیفه اساسی ای که به مددکاران محول میشود، اینست که با ابعاد و مسائل و آشنا شیبهای نزدیک با کارگران، دانشجویان و... ضمن حل برخی مشکلات موضعی و موقتی آنان از طریق جلب کمک از موسسات بورژوازی و سازمانهای "خبریه" ذهن آنان را از توجه به ریشه های اصلی مشکلاتشان منحرف ساخته و اینطور وانمود می کنند که بگویا همه بدبختیها و نابسامانیهای مردم از خودشان و ناشی از عقب افتادگی، بی ارادگی، بی فرهنگی و... فرد فرد آنهاست نه ناشی از نظام اجتماعی موجود، در این نظام، همواره حلقه موجود است و این خود فرد است که بواسطه تنبلی، نا آگاهی و... به آن دسترسی ندارد. همچنین مددکاران موظفند تا تهیه گزارشات وضع مردم و نا رضایتیهای موجود در بین آنان به رژیم کمک کنند تا قبل از آنجا که اعتراضات و توجیه گیری جریانات فدرژیستی، صنفی و سیاسی، از آن اطلاع حاصل کرده و اقدامات پیشگیرانه بعمل آورند. همچنین برخی از مددکاران با ساواک همکاری میکنند، در حالیکه کم نیستند کسانی که با استفاده از موقعیت شغلی خود به روشنگری سیاسی و آگاهان نیدن کارگران و... می پردازند."

در سال ۴۹ زمانیکه هنوز دانشجو بود در ارتباط سمپاتی با سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت. پس از ضرباتی که در شهریور ۵۵ به این سازمان وارد آمد، ارتباط رفیق قطع شد، اما علیرغم مشکلات و محدودیتهای زیادی که داشت از تلاش برای خودسازی و تجدید ارتباط با سازمان بازنایستاد. اسارت برادر و بخدا اشتباهانند. از خیانت شد.



بقیه از صفحه ۲۲  
توصیح مجدد در مورد ...

از بحث ها و جدلی های غیر لازم و فرعی در بیرون  
توده ها گردد

رفیق شهید تیفتکچی از اوایل سال ۵۳ تا  
اواسط سال ۵۴ با مجاهد شهید حسن ابراری هم-  
کلاس بود و تحت مسئولیت رفیق شهید منبیه  
افتخاری کار میکردند. پس از جدا شدن مجاهد  
شهید حسن ابراری از سازمان در اواسط سال  
۵۴، رفیق شهید تیفتکچی که به بخش منشعب  
پیوسته بود حاضر نمیشود همراه وی از سازمان  
برود، رفیق همچنان تا اوایل سال ۵۴ تحت  
مسئولیت رفیق افتخاری بود و در تاپ قیام  
قیام کا رگر شماره ۱ (از انشازات بخش  
منشعب در آذرماه سال ۵۴) نقش فعالی داشت  
پس از شهادت رفیق منبیه در اسفندماه سال ۵۴  
رفیق در قسمت انشازات سازمان فعالیت  
انقلابی خود را ادامه میدهد. او در تاپ و چاب  
ویژه نامه های (منتخب از) قیام کا رگر (که  
حدود ۷ شماره از آن در سال ۵۵ چاپ و منتشر  
شد) و همچنین تاپ و چاب قیام کا رگر ۲ نقش  
بسیار فعالی داشت همه رفقای که او را (با  
اسم مستعار رفیق مریم یار رفیق) بخاطر  
دارند، بدرستی میدانند که او با چه شور و شوقی  
و با چه حرارتی برای اینکه اعلامیه ها و مقالات  
هر چه زودتر آماده گردد، روزانه گاه ۱۶ ساعت  
تاپ میزد! چرا که او بدرستی میدانست نقش  
اکا هی در اوچگیری مبارزات طبقه کارگر چه  
نقشی دارد، او در بخش قیام کا رگر سازمان آن  
به بخش های مختلف سازمان نیز نقش فعالی  
ایفا میکرد اما علاوه بر این در دربار چاب  
در کوه پس کوه های شهران بدست رفقای  
دیگر میرساند و بدین ترتیب در امر ارتباطات  
شبه کار مخصوص در آن زمان از اهمیت بسیاری  
برخوردا ریود سهم بسزائی داشت.

پس از ضربات تابستان و اوایل پائیز سال  
۵۵ در جریان تغییر مکان سازمان ندهی مجسد  
برای پاک کردن ردهائی که ساواک احتمالاً  
به آنها دست پیدا کرده بود، سازمان ندهی رفیق  
نیز تغییر کرد و در یکماه آخر حیات انقلابی خود  
با رفیق شهید حوریه مستحیان همکلاس بود و همراه  
او در یک خانه در حوالی میدان امام حسین  
(نوزیه) زندگی میکرد. در روز درگیری با  
مزدوران ساواک و شهادت رفیق برای فتوکپی  
کردن یادداشت های روزانه که از رفیق شهید  
بهرام آرام بجای مانده بود، (بهرام محدوداً ۲۵  
روز قبل از وی شهادت رسیده بود) از منزل خارج  
شده بود و هنگامی که در این یادداشتها پیش  
او بود، بهمین جهت پس از شهادت وی، ساواک  
برخی از یادداشت های رفیق بهرام را، برای  
استفاده های تبلیغی در روز مهلک چاب  
رساند. ما تنها از این طریق مطمئن شدیم که  
او به چنگ ساواک افتاده است (چون احتمال  
قطع کار و گم شدن رفقا در آن زمان همیشه وجود  
داشت).

این بود گوشه ای از زندگی رفیق شهید  
تیفتکچی، با او و همه شهدای بخون خفته خلق  
کرامی باد.



بقیه از صفحه ۲۰  
پیا م سازمان پیکار ...

محمدرضا آخوندی که در طی ماه های آبان، مهر و آذر سالهای گذشته بدست جانیان ساواکی و جلادان  
رژیم شاه در کوه ها و خیا بنا ویا در شکنجه گاه های قرون وسطائی به شهادت رسیدند، اکثراً از جمله  
رفقای بودند که فعالیت خود را از زمان مجاهدین خلق ایران آغاز نمودند، و در جریان تغییر و  
تحولات درونی، به بخش منشعب از سازمان مجاهدین پیوستند. از این پس هر چند که رفقای ما همچنان  
در چارچوب مشی چریکی عمل می کردند، اما با پیوستن خود به بخش منشعب، عشق و ایمان خود را به  
آرمان و لای طبقه کارگیشان دادند، و شهادت انقلابی خود را در برپیدن از دلبستگی های مادی و  
فکری گذشته در عمل به اثبات رسانندند. چیزی که برای بسیاری از محدودنگران، امر غیر قابل  
قبولی بنظر می رسید و هنوز نیز با ویران شده است. بهمین خاطر است که ما از یک طرف شا هوپیرا هن  
عثمان کردن اشتباهات گذشته و کوشش برای لووت کردن خون شهیدانمان هستیم و از طرف دیگر  
شا هدیم که چگونه تنگ نظران به نادرست برخی از شهدای افتخار آفرین بخش منشعب را بخود نسبت  
می دهند، هر چند که در مواردی مجبورند بعد از دعای خود را پس بگیرند. غافل از اینکه تمام شهدا و  
راه آزادی و استقلال در پیش ما عزیزند و یا یگانه بر خورده هیت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این رفقا  
قبل از هر چیز تنگ نظری این مدعیان را به نمایش می گذارد. اشتبا رفیق شهید تیفتکچی بخود،  
یکی از اینگونه بر خورده های محدودنگران است.

امروز در شرایطی با داین فرزندان انقلابی خلق را عزیز می داریم که برخی از غنچه های امید  
و آرزوهای این رفقا به شکوفه نرسیده است. برای این جانیان شهید، قبل از هر چیز مهم این  
بوده که توده های تحت ستم، انقلاب کبیر خود را آغاز کنند، گرچه آنها نتوانستند تحقق این آرزو  
را بچشم خود ببینند، ولی با عشق و علاقه به خلق و تادم شهادت با آن زندگی کردند. ما دیدیم که  
چگونه این آرزو در فاصله بسیار کوتاهی از شهادت آنها به تحقق پیوست. آری، توده ها انقلاب خود  
را آغاز کردند و در یک مرحله با نشانها هزار شهید، بساط سلطنت را به زبانه انداختند،  
و ضربات جدی بر بیکرا مپریا لیسوم وارد آوردند. از این پس بعد هر چند که با خیانت بورژوازی لیبرال  
و تزلزل و دنباله روی خرده بورژوازی مرفه سنتی از وی، امپریا لیسوم و ارتجاع از مرگ حتمی  
و نهائی جان بدر بردند و هر چند که صف بندی جدیدی از ضد انقلاب، در مقابل خلق بوجود آمد، اما  
همگی در طی دهه ها و نیم گذشته شا هدیم که اینها هیچکدام از این پیشروی با زهم بیشتر  
توده ها در جهت نابود کردن نظام سرمایه داری وابسته و قطع کامل سلطه امپریا لیستی و نیل به  
اهداف دموکراتیک انقلاب، نبوده است. آری، طوفانی که از پیش از دو سال پیش در میهنمان  
بر خاسته است، علیرغم اقت و خیزهای پیش هرگز میل به آرام گرفتن ندارد. طوفانی که از جازه نمیدهد  
تا سلطنت طلبان دیروزی، و لیبرالهای ضد خلق، و عمال سرسپرده امپریا لیسوم و تمام میوه-  
چینان انقلاب به خواست های ضد خلقی خویش برسند، و از نوحا کمیت سیستم سرمایه داری وابسته را  
تشنیت سازند. طوفانی که علیرغم یک دور سرکوب خائنه خلق کرد، و زحمتکشان شهر و روستا،  
همچنان توفنده به پیش می رود، و تا وقتی سیاست در میان توده ها ست و تا وقتی خلقها ی ستمدیده  
در کوه و خیا با نسبت به مقدرات خویش بی تفاوت نشده اند، این طوفان همچنان خواهد غرید.  
اما مبارزه کا رگران بر علیه سرمایه داری و وابسته و بزرگ و علیه حضور امپریا لیسوم در اقتصاد  
میهنمان، مبارزه دهقانان علیه زمین داران و مصادره زمینها و آنان بنفع خود، مصادره  
خانه ها و آپارتمانهای سرمایه داران و وابسته و بزرگ بدست زحمتکشان و قیام خلقها و در راس آن خلق  
کرد برای احقاق حقوق حقه خویش و سخاک مالیدن پروژه ارتجاع در کردستان، همه و همه نشان  
می دهند که سیاست همچنان در میان توده های خواهد ماند. علیرغم تغییر در تاکتیکهای هیئت  
حاکمه، و راهبوی ضد امپریا لیستی وی با زهم این جنبش توفنده توده ها به پیش خواهد رفت و بساط  
هرگونه سلطه سرمایه داران در میهن پیچیده و جمهوری دموکراتیک خلق را مستقر خواهد ساخت.

اما آنچه در اینجا تعیین کننده است، حرکت آگاهانه نیروهای انقلابی و در راس همه نیروهای  
راستین طبقه کارگراست. تنها از طریق بسیج نیروی عظیم توده ها و مبارزه بر علیه تمام  
روبوینستنها و سازشکاران است که می توان توده ها را به اهداف انقلابی خود رهنمون گشت.

بگوشیم در این راه از روزمندی و فداکاری شما می شهیدایمان بیا موزیم. بگوشیم در این راه  
از تجارب و آموزشهای تمام پیکارجویان راستین خلقمان که جان خود را در راه انقلاب دموکراتیک  
و فدا امپریا لیستی، نشان کردند بیا موزیم، و بگوشیم تا تمام آرزوها و امیدهای رفقای شهیدمان  
را با پیروی از مشی پرولتاریائی دوران سازبیر آورده سازیم.

دوستان و رفقای کرامی!  
بار دیگر:  
به ۱۵ رفیق رزمنده شهیدمان درود می فرستیم!  
به ماد رانی که چنین فرزندان انقلابی و جانیان را در دام خود پورانداده اند درود می-  
فرستیم و به تمام شهدائی که خلق کبیرمان در آغوش خود پورانداده است درود می فرستیم. و بخون  
این شهدا و تمام شهدای خلق سوگند می خوریم که تا رسیدن به آزادی و استقلال میهن از چنگ  
امپریا لیسوم و ارتجاع داخلی و نفی کامل استعمار رورسیدن به جبهه ی طبقه کارگران بیا  
نشست

مرگ بسرا امپریا لیسوم و ارتجاع  
در دوبره شهدای راه آزادی و استقلال میهن  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۵۸/۱۰/۶

### سوء استفاده از انقلاب فلسطین موقوف!

روزنامه "مردم"، ارگان حزب توده، که میگوید برای همدستان خود در افغانستان آبرو- ثی دست و پا کند، این بار روقیحا نه (وناشیا نه) بفکرسوء استفاده از انقلاب فلسطین افتاده است و در شماره ۲ دیماه خود تلگرافی از یاسر عرفات به حفیظ اله امین رئیس (سابق) جمهوری افغانستان را چاپ کرده تا "ثابت کند" که انقلاب فلسطین از رژیم اقلانستان حمایت می نماید. چنین سوء استفاده ای البته از حزب توده بعید نیست اما قضیه بهمین جا خاتمه نیافت.

روزنامه جمهوری اسلامی که بنویسه خود با رها چنین سوء استفاده ها می کرده از این نکته "بل" گرفته، روز ۴ دیماه ضمن نوشتن جملاتی تحریک آمیز علیه انقلاب فلسطین از سفارت فلسطین خواسته که "جواب بدهد!" حزب جمهوری اسلامی همدا با دیگر نیرو - های ارتجاعی که خواستار رسیدن انقلاب فلسطین در چارچوب هدفهای تنگ نظران و منافع خاص حویسی سمسد، سروصدا ها می را در پیوند توده های نا آگاه علیه انقلاب دامن میزند این حزب و کلا هیئت حاکمه ایران در قیاس با زکردن یک دفتر برای فلسطین و بی آنکه تا کنون (پس از قریب یکسال) کجکی مالسی، تبلیغاتی و تسلیحاتی به انقلاب فلسطین کرده باشند، بی آنکه حتی مقرسارت اسرائیل را در اختیار سازمان آزادیبخش گذارده باشند، میگویند هر چه بیشتر از آبروی انقلاب فلسطین برای تأیید مواضع خدا نقلایی خود سوء استفاده کنند و فلسطین را که میخواهند دروا بط انقلابی و برادرانه ای با خلقهای ایران در جهت آزادی فلسطین داشته باشند، تحت فشار قرار میدهند. حزب جمهوری اسلامی مانند کلیه مرتجعین منطقه که از ترس توده ها شان ناگزیرند با انقلاب فلسطین روابطی داشته باشند، میگویند در امور داخلی فلسطین مداخله کنند و این چیز نیست که انقلاب فلسطین همواره آنرا نفی و طرد کرده است.

نشریه خبری سفارت فلسطین در تهران (وفا) در تاریخ ۵ دی ضمن هشدار به این هر دو روزنامه (که هر یک به "مذاقی" خود کوشیده اند از فلسطین سوء استفاده نموده و آنها را تحت فشار قرار دهند) میگوید: "قسمتی که روزنامه "مردم" آنرا منتشر کرده در نامه (عرفات به حفیظ اله امین) نبوده است و با توجه به مسائل حساسی که در محتوای نامه بوده است اداره سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین امکان انتشار را عدم انتشار نامه را ملاحظه میکند." در قبال اینگونه سوء استفاده ها که نیرو - های مرتجع از نام و آبروی انقلاب فلسطین بعمل می آورند، ما میگوئیم "سوء استفاده از انقلاب فلسطین ممنوع!"

### گروامی باد خاظره رفیق شهید لیلی زمردیان

"هیج جنبش بزرگ ستمدگان در تاریخ بشر، بدون شرکت زنان زحمتکش قادر نبوده گامی به پیش بردارد. زنان زحمتکش، این ستمدیده ترین ستمدگان، هرگز از جریان اصلی جنبش رها نشدند کنار نمانده و نمی توانند بمانند." "استالین"



و آگاهی نسبی از شرایط محیطی، رفیق را بعنوان یک روشنفکر بسوی مبارزه کشانید. در تجربه های اولیه، رفیق به عقیم بودن محافل رفیسمستی پی برد و به مبارزه انقلابی روی آورد. رفیق یک زن انقلابی است که ستمدگی و محرومیت زن را در جامعه طبقاتی ما بخوبی درک میکرد و راه بقیه در صفحه ۲۲

یکی دیگر از چهره های انقلابی و فراموش نشدنی سالهای سیاه پینجا که جان در راه انقلاب دمکراتیک - فدا میریالیستی میهن ما نهاد، رفیق لیلی زمردیان (مدیقه) بود. حاکمیت سلطه امپریالیستی و ترکت سازی سرمایه داری وابسته از یک طرف و محرومیت میلیونها کارگر و زحمتکش میهن ما از طرف دیگر

### بزرگداشت مبارز شهید کامران نجات الهی

روز چهارشنبه ۵/۱۰/۵۸ مراسم نخستین سالگرد شهادت استاد نجات الهی با شرکت هزاران تن در دانشگاه پلی تکنیک برگزار شد. در این مراسم پیامهای متعددی منجمله پیامی زیر قرائت شد:

پیام شیخ عزالدین حسینی، جمعیت کردهای مقیم مرکز، کانون مستقل معلمان، دانشجویان هواداران، کارگر، دانشجویان و دانشآموزان هواداران سازمان بیکار... و دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، خواننده های چریک - های فدا می خلق، دانشجویان بیشگام، انجمن دانشجویان مسلمان، اتحاد ملی زنان، کارکنان پلی تکنیک تهران، خانواده شهید احمدزاده های، کانون نویسندگان... در پیام مشترک "هواداران سازمان" و "دانشجویان مبارز... آمده بود:

"... قیام خونین و شگوه مندیهم ماه با وجود شما می جانفشان شده - طبرغم اینکه توانست بر سلطه امپریالیسم برمیمن - مان زخمهای کاری وارد آورد، اما بدلیل نبود صف مستقل طبقه کارگر و ستاد رزمنده اش

نخواست منجر به نابودی قطعی و کامل نظام م سرمایه داری وابسته گردد و بر این حقیقت جفا نشمول یکبار دیگر مهتران فیدز که در عصر گندیدگی سرمایه داری جهانی، هیچ انقلاب دمکراتیکی جز با اعمال همزونی طبقه کارگر اساساً نمیتوانند پیروزی قطعی و نهائی برسد ما در اولین سالگرد شهادت استاد شهیدمان بیمان می بندیدیم که پرچم خونین شهدا را تا نابودی کامل امپریالیسم و ارتجاع، تا نابودی نهائی نظام سرمایه داری وابسته بسر پهنه میهنمان همچنان برافراشته نگهسازیم..."

همچنین در قسمتی از پیام سازمان به خانواده استاد شهید میخوانیم:

"با دلها می آتشده از کینه مقدس علیه امپریالیسم و ارتجاع و با روحی سرشار از امید و یقین به آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن، به شما با زمانندگان آن مبارز و رفیق شهید درود میفرستیم... در سالگرد شهادت او بهترین سوگ و تسلیت را وفاداری به خون او و تلاش خستگی ناپذیر در راه به شمر رساندن انقلاب ایران میدانیم..."

### این انگلیسی که مصاحب آیت الله شریعتمداری است کیست؟!

پس از حوادث اخیر تبریز و زودگریری شدیدین طرفداران آیت الله شریعتمداری و آیت الله خمینی، انظار متوجه یک انگلیسی بنام "ژان کوپر" شده که بعنوان مترجم آیت الله شریعتمداری فعالیت میکند. برخی از ناظران می - برسانند نقش حقیقی این شخص در خط سیاسی ای که شریعتمداری دنبال می نماید، چیست؟ ژان کوپر قبلاً اسلام آورده و در مدارس دینی ایران علوم اسلامی را فرا گرفته است.

(مجله المستقبل، چاپ پاریس، (دیماه)

جن جن الانکبری  
انصاف لشریعتمداری؟  
مخد الاصدات الاضیره النسی  
شعدها نریب عاصمه مطاطه  
افریعنا فی ایران واللی شهدت  
قالا عسفا بین مؤیدی آید الفد  
الحمینی واید الله شریعتمداری  
نفرک الإقواء علی البریطانی



الاسفر حون کوبر الذي يعمل  
كمترجم لأيد الله شریعتمداری،  
وینصاف بعض المراقبین عن  
الدور الحقیقی له فی الخط  
السیاسی الذي بدعه له  
شریعتمداری.  
حون کوبر كان اعنق الإسلام  
وتابع بعض الدروس فی الدین  
الإسلامی فی الجامعات الأیرانیة  
وفی المدارس القرآنیة فی قم.

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر